ارتش عظیم زنان

بمیدان میآید

قیمت: ۳۰ ریال

ملکه محمدی

زنان ایران

و پنجاه سال حکومت خاندان پهلوی

پنجاه سال اخیر دوران دگرگونیهای بنیادی و تغییرات جهش وار در حیات خلقهای بخشی از جهان بوده است. انقلاب اکتبر، نخستین کشور سوسیالیستی جهان را پدید آورد که ستم و استثمار را برانداخت و برای اولین بار در تاریخ بشری، نمونه زن آزاد و آگاه و برابر حقوق را به جهانیان عرضه داشت و همه امکانات ضرور را برای شکوفائی و خلاقیت استعدادهای زن فراهم آورد. نمونه زن آزاد شوروی به جنبشهای زنان که تا آن زمان در معبری تنگ به پیش میرفت، سمت و حرکت تازه بخشید و افق نوینی در برابرشان گشود. با پیدایش اردوگاه سوسیالیستی، زنان در بخشهای دیگری از قاره اروپا و آسیا زنجیرهای استثمار و بردگی را از دست و پا گشودند و این خود انگیزه تازه ای برای گسترش جنبشهای حق طلبانه زنان در سراسر جهان شد.

این پنجاه سال برای کشور ما ایران، فرصت مغتنمی بود تا با استفاده از شرایط نوین جهانی و با تکیه بر نیروی مردم استعمار و نو استعمار را براند، استقلال خود را تامین کند، خلقهای ما راه مسیر دگرگونی و پیشرفت سریع قرار دهد و زنان ما با عبور از مرزهای ممنوع قوانین و سنن کهنه، بمثابه انسانهائی آزاد و فارغ از ستم بر صحنه اجتماع گام گذارند. اما متاسفانه چنین نشد. حاکمیت پنجاه ساله خاندان پهلوی بمثابه کارگزار استعمار و نو استعمار کشور را بزندان خلقهای ایران بدل نمود، هر جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ای را سرکوب کرد، راه پیشرفت و ترقی واقعی را سد نمود، زنان را برده خواست و پنجاه سال فرصت تاریخی کشور بسود استعمارگران و بزیان مصالح مردم برباد رفت.

آنچه اکنون درباره آزادی زنان ایران از زبان شاه و زنان و مردان درباری شنیده میشود و در مطبوعات ارتجاعی نشر مییابد، با حقیقت تلخی که درون خانواده ها، در دل کارخانه ها، در پهنه روستاها و در گوشه و کنار اجتماع میگذرد تضاد فاحش دارد. در حرف زنان "آزاد" شده اند، در عمل برده اند. در حرف از حقوق برابر با مردان برخوردارند، در عمل بار سنگین تبعیض، ستم و نابرابری را بردوش میکشند. اشرف پهلوی چندی پیش در یکی از مصاحبه های مجله درباری "زن روز" گفت:

"پدرم رضا شاه کبیر زنها را که در شمار مردگان بودند زنده کرد و برادرم به بدن نیمه جان آنها روحی تازه دمید" و اخیرا تکرار کرد که: "پدرم یک طرفدار ثابت قدم حقوق زنان بود . . . در میان اصلاحاتی که بعمل آورد میتوان با قدام محکم رفع حجاب اشاره کرد که در سال ۱۹۳۵ انجام گرفت. این گام بزرگی بود که وضع زنان ما را از قرنها محجور بودن بصورت انسانهای واقعی تغییر داد . . . برادر تاجدارم کوششهائی را که توسط پدرم آغاز شده بود مصرانه دنبال کرد"(۱). بیائیم این دعاوی را با محک واقعیات بسنجیم.

آغاز و فرود مبارزات زنان

زمانیکه رضاخان سردارسپه، در بند و بست با استعمار انگلیس، پایه های سلطنت خود را بنیان میگذارد، زنان نقاب پوش ایران چند بار در کوره مبارزه علیه استعمار، توان خود را آزموده و شایستگی خویش را نشان داده

۱ - اطلاعات - ۲۶ آبان ۱۳۵۴ .

بودند . زن ایرانی ازاواسط قرن‌نوزدهم (سیزدهم هجری) ولوتحت اشکال مذهبی ،آغاز اعتراض به بی حقی خود گذاشت .کمی دیرتربا شرکت‌در جنبش تنباکودرسال ۱۲۷۰ شمسی علیه واگذاری امتیازبه کمپانی انگلیسی " رژی" زنان‌همپای مردان بمیدان آمدند وحتی تاشعار" بااین وضع ماشاه رانمیخواهیم" علیه سلطنت ناصرالدینشاه قاجاردرمبارزه پیش رفتند . سال ۱۲۸۵ ، بعلت گرانی وکمیابی نان کالسکه مظفرالدینشاه رازنان‌محاصره کردند وباپرتاب تکه‌های نان‌مخلوط به شن بدرون کالسکه ،شاه رامورداعتراض قراردادند واورامسئول نایابی وگرانی نان‌معرفی کردند (۱) . درجریان انقلاب مشروطه زنان‌بطورفعال شرکت کردندو تحسین آزادیخواهان رابرانگیختند . بااستقرارمشروطه وتشکیل‌نخستین مجلس شایستگی زنان عملا مورد تایید قرارگرفت وقانون اساسی باتصویب اصل هشتم اهالی مملکت رادربرابرقانون‌متساوی الحقوق شناخت . اما مصوبات مجالس بعدی براین‌ماده‌ازقانون‌اساسی خط بطلان کشید . انقلاب مشروطه دررشد اجتماعی زنان‌نقش مهمی ایفا•کرد واندیشه‌های آزادیخواهانه میان‌زنان‌مترقی بیش‌ازپیش‌بسط یافت . انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبروآزادی زنان درکشورشوراها‌زنان ایران راتکان داد . اگر درجریان‌جنبش تنباکووانقلاب مشروطه زنان همدوش مردان برای استقلال کشورعلیه استعمار مبارزه‌کردند ،بادگرگونی وضع زن درشوروی ،زنان ایران به درجه بیحقوقی خوددرخانواده واجتماع بیش‌ازپیش پی بردند ودراین عرصه نیز بمبارزه پرداختند . جمعیت هاوانجمن هاتشکیل‌دادند که‌پیشروترین‌آنهاباتاسیس‌دبستان‌ودبیرستان دخترانه ،کلاسهای بزرگسالان ،کتابخانه عمومی برای زنان ،ترتیب نمایش وانتشارروزنامه‌ومجله به اعتلاء سطح سواد وفرهنگ زنان مددمیرساندند وآنانرابرای خواست برابری حقوق بامردان آماده‌میکردند ،که ازجمله‌میتوان ازجمعیت نسوان وطنخواه‌نام برد . این جمعیت خواهان تامین‌حقوق زنان‌وبویژه چادربرداری‌بود . پس‌ازچند سال ازدرون این جمعیت ،جمعیت بیداری زنان‌بوجودآمد که‌زنان ودخترانی راکه طالب فعالیت پردامنه‌تری بودنددرخود متشکل کرد .سال ۱۳۰۱ شمسی جمعیت پیک‌نسوان دررشت تشکیل‌شدکه باتاسیس‌کلاسهای اکابر،خیاطی وگلدوزی توانست پیوند گسترده ه‌ای بااقشارمختلف زنان برقرار کند . این جمعیت برای نخستین باررورزهشتم مارس‌رابعنوان روزبین المللی زنان برگزارکرد (۲). درسال ۱۳۱۰ درشیرازمجمع انقلاب زنان‌تشکیل شد کمجله دختران ایران ارگان آن بود وهفت شماره ازآن‌منتشرشد (۳) .

جمعیت های زنان‌که درفاصله سالهای ۱۳۰۰–۱۳۱۰ درشهرهای‌مختلف ایران بوجود آمدند باجنبش‌کمونیستی ایران پیوند داشتند ودرراه شعارهای‌سیاسی وازجمله‌حق انتخاب کردن وانتخاب شدن وبرابری حقوق بامردان مبارزه‌میکردند (٤) .

حزب کمونیست ایران‌که درسال ۱۲۹۹ تاسیس‌شد ،نه‌تنهاازجمعیت های مترقی زنان‌باتمام نیروپشتیبانی میکرد ،بلکه‌خود نخستین‌حزب سیاسی درایران بودکه پرچم مبارزه برای‌برابری حقوق زن‌ومرد رابرافراشت . حزب کمونیست ایران‌که‌آزادی طبقه‌کارگرو سایراقشارزحمتکش رابرد رفش‌مبارزه خود ثبت کرده بود ،به پیروی ازآموزش‌لنین که :" پرولتاریانمیتواند خود راآزادکند ،بدون آنکه برای آزادی کامل زنان‌مبارزه‌کند" (۵) به مسئله‌جلب زنان بمبارزه توجه نمود . جنبش زنان‌که در

---

۱ ــ ایوانف ــ انقلاب ایران ۱۹۰۵–۱۹۱۱ .
۲ ــ مجله دنیا شماره ۲ سال اول ــ ۱۳۳۹ ــ صفحه ۱۹
۳ ــ " " " ٤ سال‌سوم ــ ۱۳٤۱ ــ صفحه ۵۰
٤ ــ " " " ۱ سال‌چهارم ــ ۱۳٤۲ ــ صفحه ۹۲
۵ ــ لنین ،جلد ۳۰ ــ صفحه ۳٦۳

آغاز خود بخودی دارای خصلت ضد استعماری بود، بتدریج متشکل و دارای حقوق سیاسی، اجتماعی واقتصادی شد.

حزب کمونیست ایران در دومین کنگره خود (سال ۱۳۰۶ شمسی) برخی از خواستهای اقتصادی زنان یعنی مواد مربوط به: "منع کار شبانه برای نسوان واطفال" و "مرخصی با مواجب برای زنان آبستن در مدت چهار هفته پیش وچهار هفته پس از وضع حمل" را در برنامه مبارزه خود قرار داد که هنوز هم پس از پنجاه سال در ایران اجرا نشده است.

با روی کار آمدن رضا شاه وتحکیم تدریجی پایه های دیکتاتوری او جنبش زنان که کم کم ریشه میبست سرکوب شد، جمعیتهای پیشرو زنان منحل اعلام شدند وزنان برجسته عضو این جمعیتها روانه زندان[2] گردیدند. بدینسان دیکتاتوری رضاشاه نخستین گام را در عناد با نهضت مترقی زنان وخواستهای حق طلبانه آنان برداشت. اما جنبش ادبی بسود زنان، بمنظور رهائی زنان از جهل وبیسوادی، از زندان چادر وتامین حقوق انسانی او ادامه داشت. برجسته ترین نمایندگان این جنبش لاهوتی ایرج، عشقی، عارف، بهار، پروین با اشعار مهیج خود بیانگر خواست چادر برداری وورود زنان به صحنه اجتماع بودند. مبارزات جمعیت ها وانجمنهای زنان حق طلب، حزب کمونیست ایران وتاثیر جنبش ادبی بسود زنان سرانجام ثمره فرعی خود را ببار آورد. ضرورت مهار اندیشه های آزادی طلبانه در میان زنان از یکسو، نیاز صنایع نوپای ایران به نیروی کار ارزان زنان از سوی دیگر ومسئله تجدد نمائی رضاشاه بویژه پس از مسافرت او به ترکیه او را وادار کرد تا در سال ۱۳۱۴ یعنی در پانزدهمین سال قدرت خود بخواست نیروهای مترقی پاسخ مثبت بدهد وفرمان چادر برداری را صادر کند. در مراسمی که باین مناسبت در کانون بانوان که محفل زنان دولتخواه وباراده رضاشاه جانشین جمعیتهای اصیل زنان شده بود، برپا بود، رضاشاه پنهان نکرد که استفاده از نیروی کار زنان انگیزه اصلی او در برداشتن چادر بوده است. او بهنگام مراسم "کشف حجاب" گفت:

"... تاکنون زنهای این کشور بواسطه خارج بودن از اجتماع نمیتوانستند استعداد ولیاقت ذاتی خود را بروز دهند، بلکه باید بگویم نمیتوانستند حق خود را نسبت به کشور ومیهن عزیز خود ادا نمایند وبالاخره خدمات وفداکاری خود را آنطورکه شایسته است انجام دهند. ما نباید از نظر دور بداریم که نصف جمعیت کشور ما بحساب نمیآمد یعنی نصف قوای عامله مملکت بیکار بود".

تردید نیست که چادر برداری اگر همراه با دگرگونیهای اجتماعی بود، میتوانست راه را برای مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی وسیاسی بگشاید، اما خصلت ارتجاعی حکومت رضاشاه مانع از آن شد که این اقدام از چارچوب یک گام سطحی که آنهم با اسلوبهای خشن انجام گرفت فراتر رود.

عده ای از زنان برای فروش نیروی کار خود در کارخانه ها وکارگاههای نوپا اشتغال یافتند وامکانات آموزشی بطور عمده برای دختران شهری گسترش یافت. اما در دوران سلطنت رضاشاه نه تنها برای آزادی زنان از بندهای قرون وسطائی قدمی برداشته نشد، بلکه قوانینی مانند قانون مدنی بتصویب رسید که زنجیرهای ستم وتبعیض را بر دستوپای آنان محکمتر کرد وقانون انتخاباتی که در زمان رضاشاه اجرا میشد وتا ۱۳ سال پیش اعتبار داشت زنان را در شمار دیوانگان از حق شرکت در سرنوشت شان محروم میداشت. درباره مواد ارتجاعی قانون مدنی فقط یادآور میشویم که این قانون یکی از ارتجاعی ترین قوانین مدنی دنیاست که در دوران سلطنت "منجی کبیر" بتصویب رسید وهنوز هم اکثر مواد آن بزیان زنان باعتبار خود باقی است.

مرحله نوین مبارزات زنان — شهریور ۱۳۲۰ حکومت رضاشاه بعنوان دستیار فاشیسم هیتلری سقوط کرد ومردم امکان تنفس آزاد یافتند. گروه ۵۳ نفر که ادامه دهندگان مبارزه حزب کمونیست ایران بودند، پس از اعلام عفو عمومی از زندان آزاد شدند ودر مهر ۱۳۲۰ بهمراه دیگر کمونیست ها وعناصر مترقی آزاد شده

اززندان وتبعید حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران را بنیاد گذاردند . بخش ششم ازنخستین مرامنامه حزب توده ایران اختصاص بزنان دارد . دراین بخش چنین می خوانیم :

" ۱ — کوشش در توسعه حقوق اجتماعی وبرقراری حقوق زنان ، حق انتخاب شدن وانتخاب کردن درمجلس مقننه وانجمنهای ایالتی وبلدی ؛

۲ — بهبود اوضاع مادی وتامین استقلال اقتصادی زنان ؛

۳ — تاسیس وافزایش موسسات حمایت مادران وکودکان بی بضاعت ؛

٤ — تساوی حقوق زوجین وتجدید نظر درقوانین زناشوئی وطلاق .

علاوه براین دربخش مربوط بهکارگران دوماده زیر یعنی :

— تساوی دستمزد کارگران زن ومرد ؛

— استفاده زنان کارگرومستخدم ازمرخصی بادریافت حقوق در دوره وضع حمل لااقل سه ماه " .

بــــرای دفاع ازحقوق کارگران زن دربرنامه آمده است .

بدینسان حزب توده ایران یکی ازمیدانهای اصلی مبارزه خودرا ، مبارزه برای برابری زنــان اعلام نمود ودراین راه باپیگیری مبارزه کرد . فراکسیون پارلمانی حزب توده ایران درمجلس چهاردهم (سال ۱۳۲٤) برای نخستین بار درتاریخ کشور پیشنهاد واگذاری حق انتخاب کردن وانتخاب شدن بزنان رابه مجلس برد . اماشاه که امروزباشناسائی صوری حق انتخابات برای زنان اینهمه منت برآنان بارکرده ، آنروزازمخالفان سرسخت این طرح بود وبدست نمایندگان دست نشانده خود درمجلس چهاردهم مانع ازتصویب آن گردید .

زنان مترقی بافعالیت درصفوف حزب توده ایران واتحادیههای کارگری برای خواستهــــای سیاسی وصنفی خود مبارزه میکردند . علاوه براین سازمانهای ویژه زنان مانند " تشکیلات دموکراتیک زنان ایران " (ازسال ۱۳۲۲) و " سازمان زنان ایران " (ازسال ۱۳۳۰) بهتجهیز وتشکــــل زنان ودختران برای مبارزه درراه برابری دست زدند . این هردوسازمان که ازحمایت وپشتیبانــی حزب توده ایران برخوردار بودند ، جمع کثیری اززنان کارگر، خانه دار وروشنفکررا درصفوف خود متـحد ساختند وباانتشارمجله وروزنامه وتشکیل کنفرانسها ، کلاسهای بزرگسالان وغیره نقش مهمی درآشنـا ساختن زنان بحقوق خود وکشاندن آنان بصحنه مبارزه برای برابری حقوق واستقلال ودموکراســی ایفا کردند . پس ازشهریور ۱۳۲۰ سازمانهای دیگری هم اززنان تاسیس شد که آنها نیزخواهان برابری حقوق زن ومرد بودند . این سازمانهاکه بطورعمده محفل زنان وابسته به طبقات مرفه بــود ، بنیادهای بی ریشه ای بودند که هرگزبه سازمانهای واقعی زنان تبدیل نشدند .

مبارزات پیگیرحزب توده ایران وشورای متحده مرکزی ، دولت رامجبورکرد تابرای نخستین بـار ، قانون کاررا تدوین وتصویب کند وبرخی مطالبات اقتصادی کارگران زن وازجمله برابری دستمزد زن ومرد رادراین قانون بگنجاند که به برکت سلطنت محمد رضاشاه اجرانشد وهنوزهم اجرانشده است .

تشکیل حکومت ملی درآذربایجان (سال ۱۳۲٤) دریکی ازاستانهای مهم ایران حقوق برابر زنان راتامین کرد . برای نخستین بارزنان درعمل ازحق انتخاب کردن وانتخاب شدن بهره مورشدند . درقانون کارحکومت ملی آذربایجان برابری دستمزد زنان کارگروسه ماه مرخصی دوران حاملگی وزایمان با پرداخت حقوق منظورگردید . حکومت خود مختارکردستان نیزطی حیات خود سازمان زنان تاسیس نمود وحقوق برابرزنان راشناخت . آنچه حزب توده ایران ، شورای متحده مرکزی کارگران ، تشکیـــلات دموکراتیک زنان ، حکومت های ملی آذربایجان وکردستان برای زنان انجام دادند ، علیرغم خوا استعمارانگلیس وامریکا وحکومت ارتجاعی ایران بود . این نیروهای سیاه نه تنها زنان رادربند میخواستند بلکه مخالف باخواستهای طبقات وقشرهای زحمتکش بودند . بهمین جهت حکومتهای ملی آذربایجان

وکردستان سرکوب شدند ، حزب توده ایران وتشکیلات دموکراتیک زنان باصحنه سازی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ غیرقانونی اعلام شدند وسازمان زنان ایران پس ازکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ازفعالیت علنی بازماند .

دردوران اعتلای مجدد جنبش درسالهای ۱۳۲۹—۱۳۳۲ هنگامیکه زنان عضوحزب توده ایران تشکیلات دموکراتیک زنان وسازمان زنان ایران برای برابری حقوق مبارزه خود را تشدید کردند وبویژه برای حق شرکت درانتخابات مبارزه گسترده ای راآغازنهادند ، ماموران شهربانی ورکن دوم شاه بمتینگ های انتخاباتی وحشیانه یورش میبردند وزنان ودختران را روانه زندانها میکردند . پاسخ شاه به زنان ودختران مترقی وحق طلب شلاق وزندان بود .

زنـــان و "انقلاب سفید" شاه

سرانجام سلسله ای ازعلل داخلی وجهانی ــ اقتصادی وسیاسی واز جمله مبارزات گذشته مردم موجب شد تا شاه برای تحکیم پایه هـــای سلطنت متزلزل خود وتامین شرایط نوین برای غارت نواستعمــــار دست باصلاحاتی بزند که ازجمله تغییرقانون انتخابات وشناختن حق رای برای زنان ونیز تغییربرخی ازمواد قانون مدنی وتصویب قانون حمایت خانواده بود . برای مهارکردن مبارزات زنان درچارچوب دلخواه همنا شاه سازمان زنان ایران رابریاست اشرف بوجود آورد ، همچنانکه پدرش کانون بانوان راجانشین جمعیتها وانجمنهای واقعی زنان ساخته بود . درمورد حق رای زنان وقانون حمایت خانواده با یک بررسی کوتاه میتوان به عیان دید که اثرات عملی این چندگام درشرایط مشخص ما هیچ ویا بسیارا ندک است . واگذاری حق انتخابات بزنان درشرایطی که کوچکترین اثری از دموکراسی وجود ندارد وحق قانونی مردم برای انتخاب نمایندگان خود پایمال چکمه دیکتاتور است جزنشاندن چند زن درباری برکرسیهای مجلسین حاصلی ببار نیاورده است ، زنانی که جز مدح وستایــــش " شاهوشهبانو" والاحضرتها ووالاگهرهادهان بازنکرده اند ویا دردورنج توده زنان ستمکش ومحروم بیگانه اند . اما درمورد تغییربرخی مواد قانون مدنی ونشاندن قانون حمایت خانواده بجای آن کافی است باختصاریادآورشویم که طبق قوانین موجود :

ــ مرد "رئیس" خانواده است ؛
ــ زن حق تعیین اقامتگاه ندارد ؛
ــ دختردرهرسنی برای تصمیم درباره ازدواج خود فاقد رشد است ؛
ــ قانون "همسردوم" را برسمیت میشناسد ؛
ــ مواد مربوط به نکاح منقطع یعنی فحشاء قانونی باعتبارخود باقی است ؛
ــ ارجاع طلاق بدادگاهها آنکه بسود زنان است ، ولی عدم استقلال اقتصادی اکثریت زنـــان اثرات عملی این ماده ازقانون رابنحوفاحشی کاهش داده است ؛
ــ حق مسلم مادر نسبت به طفل درصورت وقوع طلاق پایمال شده است ؛
ــ مرد میتواند ببهانه قانونی زن رااز حق اشتغال به شغل محروم کند ؛
ــ قانون کیفرهمگانی بمرد قدرت اجرائی بخشیده ویاوحق میدهد ببهانه "دفاع ازنامــــوس" زن رابقتل برساند وقانون اوراتبرئه میکند ؛
ــ زن بدون اجازه مرد حق مسافرت بخارج ازکشورندارد ؛
ــ قانون ارث بزیان زنان است .

باتوجه بمحرومیت های گوناگون بالاست که دریکی ازسمینارهای فرمایشی سازمان زنان . اشـــرف پهلوی ، علیرغم فشار وخفقان زنان درچارچوب امکانات خواستهای خود رابشرح زیربیان کردند :

- تک‌همسری ؛
- تساوی حقوق پدر و مادر نسبت به اولاد ؛
- تقسیم اموال حاصل در دوران ازدواج ؛
- رعایت آزادیهای فردی و حقوق اساسی افراد ؛
- تغییر قانون حمایت خانواده و هماهنگ ساختن آن با مقتضیات زمان .

●

ستم خانوادگی را محرومیت اجتماعی ـ اقتصادی تکمیل میکند . پنجاه سال سلطنت ننگین خاندان پهلوی و دنباله روی آن از سیاستهای استعماری و نواستعماری موجب شد که نسبت بیسوادی ، عدم اشتغال و عدم مهارت در میان زنان چندین برابر مردان باشد . علیرغم سروصدای فراوانی که در هسال اخیر درباره " پیکار با بیسوادی " براه انداخته اند ، معاون وزارت آموزش و پرورش در چهارمین کنفرانس مسئولان اجرائی طرحهای مبارزه با بیسوادی گفت : " علیرغم تلاشهای بسیار در سالهای اخیر ، نرخ بیسوادی در جامعه زنان ایران بالا ست و ۷۳ درصد زنان کشور ما بیسواد ند اگر اقدام فوق العاده ای صورت نگیرد ، تا پایان برنامه پنجم درصد زنان با سواد از ۲۷ درصد به ۲۲ درصد کاهش خواهد یافت و تعداد زنان بیسواد روستائی بر ۹ میلیون نفر بالغ میشود " (۱) . سر دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی نیز اخیرا اعلام کرد که : " ۹۱ درصد زنان روستائی در سراسر کشور بیسوادند " (۲) . فرصت آموزش برابر نه تنها در نقطه آغاز ، بلکه در جریان تحصیل هم برای دختران و زنان وجود ندارد . آمارهای دولتی میگویند از هر ۱۰۰ دختری که در سال ۴۸ـ۱۳۴۷ در دبستان ها ثبت نام کرده اند ، ۴۲ نفر بعلل مختلف قبل از رسیدن به کلاس پنجم ترک تحصیل کرده اند . همین آمار میگوید تعداد بیشتری از دختران پس از پایان سه سال اول تحصیلات دبیرستانی ترک تحصیل میکنند . در سال ۵۲ـ۱۳۵۱ ، ۶۵ درصد دخترانی که ۶ سال قبل در سال اول دبیرستان نام نویسی کرده بودند ترک تحصیل کردند (۳) . علت ترک تحصیل دختران چیزی نیست مگر فقر خانواده ها و پناه بردن آنان به ازدواجهای زودرس ، برای آنکه لااقل یکسر نانخور کمتر داشته باشند . تعداد دختران دانشجو بمراتب کمتر از دانشجویان پسر است . آمار سال ۱۳۵٤ نشان میدهد که در برابر هر ۱۰۰ دانشجوی پسر فقط ۲۵ دانشجوی دختر وجود داشته ، در برخی از رشته های تحصیلی تعداد دانشجویان پسر بیش از سه برابر دخترهاست و در رشته های مهندسی تا ۹۲ درصد دانشجویان پسر هستند (٤) .

مسئله اشتغال زنان

آمارهای رسمی دولتی تایید میکنند که زنان فقط ۸ر۱۳ درصد نیروی کار را تشکیل میدهند که این نسبت تا پایان برنامه پنجم یعنی در سال ۱۳۵۸ به ۲ر۱۵ درصد خواهد رسید . زنان کارگر که بطور عمده در صنایع نساجی ، پوشاک ، قالی بافی و غذائی اشتغال دارند از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند ، قانون ناقص کار و قانون تامین اجتماعی بدرستی اجرا نمیشود . کارگران زن نصف تا ثلث مردان مزد دریافت میکنند ، ساعات کارشان نامحدود است ، تضمین شغلی ندارند ، مرخصی قبل و بعد از زایمان با احتساب دستمزد عملا اجرا نمیشود ، حتی مسکن متناسب ندارند ، پزشک و ماما

---

۱ ـ کیهان ، ۳۰ مهر ۱۳۵٤ .
۲ ـ خواندنیها ، شماره ۳۱ ـ ۹ تا ۱۳ دی ۱۳۵٤ .
۳ ـ کیهان ـ ۲٤ آبان ۱۳۵٤
٤ ـ ماخذ ـ نشریات وزارت علوم و آموزش عالی ـ کیهان ـ ۱۵ آذر ۱۳۵٤ .

وبیمارستان ، شیرخوارگاه وکودکستان ومدرسه برای فرزندان زنان زحمتکش نیست . بقول خبرنگار کیهان " زن وشوهرانی که خارج ازخانه کارمیکنند ، برای نگاهداری بچه هاشان با " چکنم ؟ چکنم " مواجه اند وهرروزصبح که ازخواب بیدارمیشوند ، ازهم بپرسند ، امروزبچه هارا بدست کسی بسپاریم " (۱) .

میلیونها زن روستائی که همگام وهمدوش مردان درمزارع خانوادگی کارمیکنند وازسوئی بازوی کارند وازسوئی زن خانه ، کارشان متاسفانه چون کارحیوانات بحساب نمیآید ورنج وزحمت دائمی شان درکشاورزی وخانه داری " شغل " محسوب نمیشود . درآمارهای دولتی فقط آن گروه اززنان روستائی شاغل بشمارمیآیند که یا بعنوان کارگر درمزارع دیگران بکارمشغولند ویا قطعه زمینی باجاره برده وشخصا بکشت وزرع پرداخته اند . کارگران کشاورزی زن مزدی کمتراز مردان دریافت میکنند ودرپناه هیچ قانونی نیستند . با رشد مناسبات سرمایه داری در روستاها ، زنان کارگر بخش کشاورزی مواجه با بیکاری شده اند وهیچ مرجعی بفکرجذب آنان درسایررشته های تولید نیست . آمار رسمی کنفرانس ملی کار (سال ۱۳۵۲) میگوید که تعداد زنان شاغل درکشاورزی ازتیر ۱۳۴۸ تا اردیبهشت ۱۳۵۲ معادل ۵۰ درصد کاهش داشته است (۲) .

زنان درشرایط مساوی ، آموزش ومهارت عقب تراز مردها نگاهداشته میشوند . درسمینارمنطقه ای آذربایجان گفته شد : " زن ومردی که دارای یک تخصص ویک پایه تحصیلات هستند ، درسازمانهای دولتی ودربخش خصوصی یکسان تحویل گرفته نمیشوند . بمردها میدان بیشتری داده میشود وزنان درمشاغل پائین باقی میمانند (۳) . باآنکه مقاوله نامه مصوب سازمان ملل متحد تاکید میکند که : " زنان درشرایط برابربدون هیچگونه تبعیض ، دارای همان حقوقی هستند که مردان برای اشغال مقامات واعمال مشاغل عمومی مقرر درقوانین ملی دارا هستند " ، زنان درسراسرکشورازاین تبعیض رنج میبرند . بدینسان می بینیم که زنان ایران درعصر سلطنت این پدروپسر ، هم ازابتدائی ترین حقوق خود محرومند وهم فاقد شرایط اولیه یک زندگی شایسته انسان متمدن قرن ما هستند .

یک مقایسه

برای آنکه تصویرزنده ای ازنقش ترمزکننده خاندان پهلوی درزمینه آزادی زنان بدست داده باشیم ، مناسب میدانیم وضع زنان ایران را با جمهوریهای آسیای میانه شوروی بسنجیم که قبل ازانقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر ، ازنظرمحرومیت و عقب ماندگی وضعی مشابه وضع زنان ایران در ۵۰ سال قبل داشتند . قبل ازانقلاب اکتبر ، شرق کشور شوراها شدیدا عقب مانده بود . زنان هنوزچادربرسرداشتند . بیسوادی ، سنن کهنه وخرافات زندگیشان راتباه کرده بود . لنین بزرگ که اهمیت فراوانی برای آزادی زنان قائل بود میگفت :

" ماکمونیستها میخواهیم هرآنچه موجب ستم وآزارکارگرزن ، زن کارگر ، زن دهقان ، زنان خانواده های خرده پا وحتی دربسیاری ازموارد زنان طبقات مرفه میشود ازمیان برداریم . زن کارگر درشرایط سرمایه داری ازدو جهت هدف ستم قرارمیگیرد : بمثابه کارگر ، بمثابه زن . اما زنانی هم که بسایرطبقات تعلق دارند ، شدیدا درموقعیت پست تری قراردارند وبه پیروزی مبارزه برای حل مسائل مربوط بزنان عمیقا علاقمندند (٤) .

---

۱ ــ کیهان ــ ۲۹ آذر ۱۳۵٤ .
۲ ــ کیهان ــ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۲ .
۳ ــ اطلاعات ــ ۲۳ آذر ۱۳۵٤ .
٤ ــ Lenin on the role of women in society and the emancipation of women in the USSR. Moscow,1975,P.9

در روسیه قبل از انقلاب سه چهارم جمعیت و پنج ششم زنان کمتر از ۹ ٤ سال خواندن و نوشتن نمیدانستند ولی زنان ملل غیرروس تقریبا تمامی بیسواد بودند ... له " اخبار آموزشی " در سال ۱۹۰۸ نوشت : " ۲۸۰ سال وقت لازم است تا تمام زنان روسیه با ... شوند " (۱) ، اما حکومت شوراها برای حل این مشکل بزرگ فقط بچند دهه نیاز داشت . در سال ۱۹۳۹ در سراسر اتحاد شوروی بیسوادی ریشه کن شد . زنان بعرصه تولید جلب شدند و تمام درهای ترقی و پیشرفت در همه عرصه ها بررویشان گشوده گردید . در جمهوریهای آسیای میانه و کازاخستان تغییرات عظیمی در وضع زنان بوقوع پیوست . آموزگاران ، پزشکان ، معماران ، هنرپیشگان ، موسیقی دانها ، دانشمندان برجسته از میان زنان برخاستند . یک مقایسه کوچک نشان میدهد که زنان ایران تا چه حد از زنان جمهورهای شوروی عقب مانده اند . پس از ۵۰ سال سلطنت خاندان پهلوی هم اکنون در ایران فقط ۱۰۵۰ پزشک و دندانپزشک زن وجود دارد (۲) که کمتر از ... اد بسیار ناچیز پزشکان کشورند . درحالیکه در :

جمهوری کازاخستان	۷۰ درصد پزشکان زن هستند			
" ارمنستان	۷۱	"	"	"
" قرقیزستان	٦۷	"	"	"
" ازبکستان و ترکمنستان	۵۷	"	"	"
" تاجیکستان	۵٦	"	"	"

در قرقیزستان که فقط ۳٫۲ میلیون نفر جمعیت دارد (سال ۱۹۷۲) ۵٦ درصد آموزگاران دبستانها و دبیرستانها زن هستند ، بیش از ۲۰۰۰ زن در رشته علوم کار میکنند که ۳٦۵ نفر آنها دارای درجه دکترا و کاندیدای علوم اند (۳) درحالیکه در کشور ۳۳ میلیونی ما فقط ۱۸۰۰ زن در کادر آموزشی دانشگاهی بکار مشغولند (٤) . در قرقیزستان ٦٫۲۸ ٪ قضات و ۹٫٤٤ ٪ مشاوران قضائی زن هستند ... در حالیکه در ایران تعداد زنان قاضی از شماره انگشتهای دست هم تجاوز نمیکند .

اقدامات رفاهی دولت سوسیالیستی شبکه وسیعی از بیمارستانها ، درمانگاهها ، استراحتگاهها شیرخوارگاهها ، کودکستانها ، غذاخوری ها ، کلوبها ، تآترها و کتابخانه ها را در برمیگیرد که با زندگی زنان و مسئله اشتغال آنان پیوند مستقیم وغیرمستقیم دارد . بگفته لنین در سوسیالیسم مسئله این نیست که زن در تولید کار میکند یا نه ، بلکه از آن هم بیشتر این مسئله مطرح است که چگونه باید میان کار زن در تولید و وظائفش بمثابه مادر و همسر هماهنگی برقرار شود . در جمهوریهای آسیای میانه سرانه پزشک ، تخت بیمارستان ، شیرخوارگاه ، کودکستان ، دبستان ، کلوب ، استادیوم ، تآتر و کتابخانه بنحو غیرقابل قیاسی چندین برابر ایران است . نمونه ای از عقب ماندگی ایران را در زیر نشان میدهیم :

---

۱ — Lenin on the role of women in society and the emancipation of women in the USSR. Moscow,1975,P.29

۲ — کیهان — ۲۷ دی ۱۳۵٤ .

۳ — Lenin on the role of women in society and the emancipation of women in the USSR . Moscow,1975,P.32

٤ — کیهان — ۱۱ آبان ۱۳۵٤ .

۵ — Lenin on the role of women in society and the emancipation of women in the USSR. Moscow,1975,P.26

نام *	تعداد پزشک و دندانپزشک برای هر ۱۰ هزار نفر (سال ۱۹۷۳)	تعداد تخت بیمارستان برای هر ۱۰ هزار نفر	تعداد کتابخانه	تعداد تآتر	جمعیت
ازبکستان	۲۲	۱۰۰	۵۹۰۹	۲۴	۱۳۳۰۰ ۰۰۰
آذربایجان شوروی	۲۵	۹۴	۳۰۰۰	۱۲	۵۵۱۹ ۰۰۰
گرجستان	۳۸	۹۳	۳۶۵۷	۲۲	۴۸۸۳ ۰۰۰
تاجیکستان	۱۷	۹۵	۱۳۰۰	۱۱	۳۲۸۲ ۰۰۰
قرقیزستان	۲۲	۱۱۰	۱۴۰۰	۷	۳۲۱۸ ۰۰۰
ترکمنستان	۲۲	۱۰۱	۱۱۸۵	۶	۲۴۲۸ ۰۰۰
ایران **	۳	۱۲	۳۰۸	۱۴	۳۱۶۴۵ ۰۰۰

وظایف نوین در برابر زنان ایران

ازآنچه گفته شد میتوان بعیان دید که سلطنت پنجاه ساله پهلوی نه تنها زنان ایران را آزاد نکرده است، بلکه در شرایط بسیار مساعد جهانی، بمنزله عامل بازدارنده، مانع از پیروزی جنبش مترقی زنان شده و زنان را در فقر، بیسوادی، عقب ماندگی و نابرابری نگاهداشته است. جنبش مترقی زنان ایران در این نیم قرن علیرغم فشارها به پیکار خود برای استقلال میهن، برابری حقوق وکمک بتامین صلح جهانی ادامه داده است. در سالهای اخیر با وجود فضای ترور واختناق ناشی از خصلت بهیمی وماوراء ارتجاعی رژیم شاه مبارزه زنان بتدریج جان گرفته است، جنبش اعتصابی در میان کارگران زن که شدید الاستثمار میشوند گسترش مییابد و اینجا وآنجا در کنار برادران کارگر خود برای حقوق صنفی خویش مبارزه میکنند. زنان کارگر کشاورزی که روز بروز تعدادشان افزون میگردد و نخستین آماج بیکاری در روستاها هستند بمثابه متحد طبیعی پرولتاریا نقش خود را در مبارزات حال وآینده بیش از پیش ایفاء خواهند نمود. مبارزات مادران وزنان وخواهران زندانیان سیاسی بمنظور اعتراض به اقدامات دد منشانه ساواک، مبارزات زنان ومادران سربازان وافسران اعزامی به صحنه جنگ ظفار، مبارزات علیه گرانی وکمیابی ـ همه وهمه نشانه اعتلاء تدریجی مبارزات زنان است. اگرچه در سالهای اخیر مبارزه زنان در بخشی از جنبش تحت تاثیر جریانات چپ روانه شکل ناسالمی بخود گرفته که نمیتواند به پیشرفت مبارزات در مجموع یاری رساند، اما میتوان پایداری این عده از زنان ودختران را در برابر شکنجه گران وجلادان شاه ستود.

سال جهانی زن ومصوبات کنگره های مکزیکو وبرلن دموکراتیک ونیز برنامه ده ساله سازمان ملل متحد برای رفع تبعیض از زنان دستگیره ای است که علیرغم اختناق به زنان ایران امکان میدهد مبارزه خود را برای حقوق برابر، دموکراسی، استقلال، صلح گسترش بخشند. تردید نیست که این مبارزه آسان به پیروزی نخواهد رسید، زیرا رژیم شاه که سال جهانی زن را با طومارهای نطق وخطابه و برگزاری چند سمینار وکنفرانس سرهم بندی کرد، ازهم اکنون بی اعتناء به رویدادهای سال جهانی

* اتحاد جماهیر شوروی ـ ۱۹۷۵ ـ بنگاه نشریات نووستی.

** آمارگیری سال ۱۳۵۲.

زن ، اززبان اشرف پهلوی نغمه یأس سرداده است . اشرف پهلوی سال زن راکه یکی ازمهمترین دستاوردهای جنبش زنان جهان است " یکشوخی مردانه " نامیده ومعتقداست که : " سال زن بزودی به بوته فراموشی سپرده خواهد شد " (۱) امااین ارزیابی وپیشگوئی ابلهانه یک شاهزاده خانم درباری است ومبارزات زنان ایران درراه تحقق شعارسال جهانی زن یعنی برابری پیشرفت وصلح تاپیروزی ادامه خواهد یافت .

مبارزه زنان برای برابری کامل بدون تردید بخشی ازمبارزه عمومی طبقه کارگرایران برای دموکراسی وترقیات اجتماعی است . لنین میآموزد که رهائی واقعی زنان بادگرگونیهای انقلابی سیاسی و اقتصادی بستگی دارد وتنها تحول انقلابی جامعه بربنیاد سوسیالیستی میتواند زنان راازبند نابرابری واستثمار برهاند . امااین بدانمعنا نیست کهتمام اقشارزنان برای سوسیالیسم مبارزه میکنند . لنین تاکید میکند که : " جنبش زنان باید وسیعترین قشرهای زنان رادربرگیرد ، به بخشی ازجنبش توده ای تبدیل شود ونه تنها بخشی ازجنبش پرولتاریا ، بلکه بخشی ازجنبش همه استثمارشوندگان وستمکشان باشد (۲) . بربنیاد این آموزش لنین درحالیکه پیشاهنگ زنان درکنارطبقه کارگر ایران برای رهائی کامل خود ومحوا ستثمارمبارزه میکند ، شعارهای جنبش زنان چنان عام وهمه گیر استکه هرزنی راکه ازستم خانوادگی ، بیسوادی ونابرابری دراجتماع رنج میبرد باید بدورخود گرد آورد ، بسیج کندوبه صحنه مبارزه گسیل دارد . بنابراین دربرابرنیروهای مترقی کشور ، وازجمله زنان مترقی ، این وظیفه قراردارد که درشرایط دشوارزندگی مردم : گرانی وکمیابی ، فقدان دموکراسی ووابستگی روزافزون رژیم به امپریالیسم ، درلحظه مناسب آنچنان شعارهائی رابرگزینند که قابلیت جلب عده هرچه بیشتری اززنان را بمبارزه داشته باشد .

درشرایط مشخص کنونی که سازمانهای واقعی زنان امکان فعالیت علنی ندارند ، میتوان ازتریبون سازمانها واتحادیه های موجود استفاده کرد وبااستناد بمصوبات سازمان ملل متحد ، کنگره های سال جهانی زن وحتی قطعنامه های سمینارهای فرمایشی سازمان درباری زنان ، برای رفع تبعیض وبرابری مبارزه نمود .

رژیم شاه بعبث میکوشد تابالعاب تبلیغات دروغین خود راآزادکننده زنان ایران نمایانده وجنبش مترقی زنان راازحرکت بازدارد . تلاش پیوسته زنان همراه باسایرنیروهای مترقی وانقلابی میهن ما ، یگانه راه آزادی ورهائی است .

زنان ایران

برای نیل به آرمانهای خود

به صفوف مبارزین راستین بپیوندید

---

۱ — کیهان — ۱۶ دی ۱۳۵٤ .

۲ -- Lenin- on the women's role in society-Moscow,1973,P.6

ملک‌محمدی

(بمناسبت ۸ مارس، روز بین‌المللی زن)

رژیم برای تأمین برابری زن و مرد چه کرده است؟

اعلام سال ۱۹۷۵ بعنوان سال جهانی زن ازسوی سازمان ملل‌متحد، تشکیل کنفرانس مکزیکو (ژوئن - ژوئیه ۱۹۷۵) وکنگره جهانی سال زن دربرلن پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان (اکتبر ۱۹۷۵) وتصویب اسناد مهم این دو مجمع معتبرجهانی، دولتها، شخصیت‌ها، سازمانهای ملی وبین‌المللی وافکارعمومی جهان را دربرابراین وظیفه خطیرقرارداد تامساعی خود را برای رفع تبعیض اززنان وتامین حقوق برابرآنان بکاربرند وهدفهای سال جهانی زن راکه: برابری پیشرفت وصلح است تحقق بخشند. سازمان ملل‌متحد، دهه (۱۹۷۵-۱۹۸۵) را دهه "برنامه عمل جهانی" برای مبارزه علیه نابرابری، جلب همه‌زنان بحیات اجتماعی وحفظ صلح اعلام کرده وبدینسان همه دولتها وازجمله دولت ایران باید طی این دهه سازمان ملل‌متحد را درجریان اقداماتخود درمورد رفع تبعیض اززنان قراردهند.

ازآنجاکه خصلت ضد ملی وضد دموکراتیک رژیم شاه مانع ازتامین نسبی حقوق سیاسی، اجتماعی واقتصادی زنان حتی درچارچوب همین نظامهای موجود سرمایه داری است، اقداماتی که دراین دوران ازسوی رژیم زیرعنوان تامین حقوق زنان انجام گرفته، همه ناکافی، سطحی، تبلیغاتی و گاه آشکارا درجهت نقض حقوق زنان وقوانین ملی وبین‌المللی بوده است. به ارزیابی این اقدامات میپردازیم:

لغوممنوعیت کارشب برای زنان

ماده ۹ قانون کارسال ۱۳۲۵ وماده ۱۷ قانون کارسال ۱۳۳۷ کارشبانه را دربرای زنان ممنوع میداشت. حزب کمونیست ایران ۵۰ سال پیش یعنی درسال ۱۳۰۶ دردومین کنگره خود "منع کارشبانه برای نسوان واطفال" را دربرنامه خود گنجاند. برنامه واسناد حزب ما نیزپیوسته خواستار ممنوعیت کارشب برای زنان بوده است. هرچند اجرای این اصل اینجا وآنجا ازسوی کارفرمایان نقض میشد، ولی لااقل کارفرما قانوناً حق نداشت زنان را درنوبت شبانه بکاروادارد. اما اخیراً دولت زیرعنوان پرهیاهوی "قانون کاربنفع زنان کارگرتغییرمیکند" اعلام داشت که: "ممنوعیت کارشب برای زنان درطرح قانون جدید کارحذف شد ولذا باتصویب قانون، زنان میتوانند شبها نیزدرمشاغل مختلف کارکنند" (اطلاعات - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۵). روشن است که لغو ممنوعیت کارشبانه برای زنان نه‌تنها به نفع زنان نیست، بلکه بزیان کامل آنهاست. زنان زحمتکش

که حتی روز روشن پناهگاهی برای جگرگوشگان خود نمی یابند و باید آنان را آواره کوچه و خیابان کنند و طعمه حوض آب و چرخ اتومبیل و آتش سوزی ببینند، معلوم نیست در شب تاریک باید کودکان خود را به که بسپارند و چه کسی از آنان مراقبت کند؟ فزون بر این، مادری که تمام شب را نخوابیده، چگونه خواهد توانست پس از بازگشت بخانه، خسته و عصبی از کار فرسایندهٔ شب، کودکان بزرگتر خود را، ناشتائی بخوراند، لباس بپوشاند و روانه مدرسه سازد و کودکان چه گناهی کرده اند که باید بسا چهره خسته و بی حوصله مادر روبرو شوند. لغو مادهٔ ۷۴ قانون کار و تجویز استفاده از کار شبانه زنان برعکس آنچه رژیم شاه میخواهد جلوه دهد نه تنها گامی در جهت تسهیل کار زنان نیست، بلکه سنگ تازه ای در پیش پای آنهاست. یک نعل وارونه است.

کار نیمه وقت برای مادران کارمند

یکی دیگر از اقدامات رژیم شاه که با آوازه گری فراوان و با لعاب دلسوزی برای مادران کارمند، اعلام شد کار نیمه وقت برای کارمندان زن است. در حال حاضر بیش از ۱۲۰ هزار زن کارمند در سراسر کشور وجود دارد که بیشتر در ادارات و موسسات دولتی و بویژه در وزارت آموزش و پرورش بکار اشتغال دارند. اگر هر زن جوان بطور متوسط ۲ کودک کمتر از ۷ سال داشته باشد، رقمی در حدود ۲۰۰ هزار کودک بدست میآید که دولت قانونا موظف به ایجاد مهد کودک برای آنهاست. ولی بنوشته اطلاعات تا کنون فقط هشت مهد کودک در دستگاههای دولتی دائر شده است. هشت مهد کودک برای ۲۰۰ هزار نفر!! در نتیجه "اندیشمندان" رژیم چاره را در آن دیده اند که این معضل بزرگ را بحساب خود زنان کارمند حل کنند و در نتیجه قانون کار نیمه وقت را بتصویب رساندند (بهمن ۱۳۵۵). اما این قانون در جهت رفاه بیشتر زنان که نیست هیچ، دشواریهای بیشتری را هم برای آنها موجب میشود. در کشورهای سوسیالیستی که بهشت برابری حقوق زن و مردند، مادران با آوردن کودک، کمک هزینه دولتی دریافت میکنند و از انواع تسهیلات برخوردارند، اما در کشور ما تولد کودک موجب میشود که مادر بخشی از درآمد ماهانه اش را نیز از دست بدهد. زیرا بر اساس قانون کار نیمه وقت زنان کارمند میتوانند از هنگام زایمان تا سه ساله شدن کودک بطور نیمه وقت کار کنند ولی نصف حقوق ومزایا و فوق العاده مربوطه را دریافت دارند. این دوران جزء دوران خدمت آنها محسوب نخواهد شد، مگر آنکه با وجود دریافت نصف حقوق، بازنشستگی را به نسبت حقوق تمام وقت بپردازند زورگوئی از این بیشتر نمیشود. انتشار این قانون علیرغم سروصدای فراوان تبلیغاتی، با عدم رضایت زنان مواجه شد. یک زن کارمند بنام خانم ایراندخت مردانی به مخبر روزنامه کیهان گفت: "کسی که بچه دار میشود، مخارجش بیشتر میشود. بنابراین نصف کردن حقوق او معنی ندارد". کارمند دیگری بنام خانم نسرین ماکوئی گفته است: "ما روی حقوق کمیگیریم حساب میکنیم و برای پرداختن قرض هایمان چاره ای نداریم، جز اینکه تمام وقت کار کنیم". مخبر کیهان مینویسد: "قبلا دولت اعلام کرده بود که برای رفع مشکل بچه داری برای خانمهای کارمند دولت، مهد های کودک ایجاد خواهد کرد و بیشتر خانمهائیکه طرف صحبت ما قرار گرفتند هم روی این موضوع انگشت گذاشتند و نیمه وقت شدن را چندان مفید نمیدانستند (کیهان - ۲ تیر ۱۳۵۵). البته رژیمی که میلیارد، میلیارد اسلحه میخرد، برایش پولی باقی نمیماند تا بزخم مردم زند.

مرخصی قبل و بعد از زایمان زنان کارمند

استفاده از مرخصی دوران قبل و پس از زایمان که امروز مورد قبول بسیاری از کشورهای جهان است، در کشور ما بمسخره تبدیل شده است. با آنکه اوج مبارزات کارگری در سالهای

بعد از شهریور ۱۳۲۰ ، دولت وقت را مجبور نمود ، ۱۲ هفته مرخصی قبل و بعد از زایمان را در قانون بگنجاند ، ولی قانون کار سال ۱۳۳۷ که در سالهای پس از کودتا و سرکوب جنبش کارگری به تصویب رسید و در واقع گامی به پس بود ، این مدت را به ده هفته کاهش داد و مسئله پرداخت دستمزد این دوران را مسکوت گذارد . چون قانون ضمانت اجرا نداشت ، کارفرمایان با استفاده از مفرهای گوناگون و از جمله استخدام دختران و زنان مجرد ، استخدام کارگران موقت و فصلی و غیره از اجرای همان قانون ناقص هم سرباز زدند . در مورد زنان کارمند نیز دولت اکنون دست به حیله تازه ای زده است . اولا مسئله استفاده از سه ماه حقوق مرخصی دوران قبل و بعد از زایمان را حداکثر تا دو فرزند برسمیت میشناسد و نه بیشتر . ثانیا فقط زنان کارمند رسمی میتوانند از این قانون استفاده کنند . هزاران زن کارمند پیمانی که در موسسات مختلف دولتی ، بعنوان ماشین نویس ، دفتردار ، بایگان آموزگار و غیره بکار مشغولند فقط حق استفاده از دو ماه مرخصی را خواهند داشت که ۲٤ روز آن بحساب مرخصی استعلاجی است و به ۳٦ روز بقیه حقوق و مزایائی تعلق نمیگیرد . (اطلاعات – ۱۵ تیر ۱۳۵۵) . در این قانون نامی هم از مادران شاغل در موسسات خصوصی در میان نیست و ظاهرا باید تا لحظه آخر قبل از زایمان و بلافاصله پس از تولد نوزاد سر کار باشند ! !

کارکودکــان

زیر فشار مبارزاتی که در جریان تدارک سال جهانی زن و طی سالها قبل از آن انجام شد ، سرانجام رژیم شاه ، کار کودکان کمتر از ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرد . اما این فقط یک حیله تبلیغاتی بود ، زیرا هم اکنون در سراسر موسسات و بنگاههای تولیدی و غیرتولیدی ، کودکان کمتر از ۱۵ سال بکار اشتغال دارند و برای جذب این گروه سنی بکار ، زمینه‌های عینی فراوان وجود دارد . کمیته ملی مبارزه با بیسوادی سال گذشته اعلام داشت که ۳ میلیون کودک ٥ تا ۱٤ ساله در سراسر کشور وجود دارد که به مدرسه نمیروند . روشن است کودکانی که امکان آموزش نیابند ، باید ناگزیر به بازار کار روی آورند . همین گروه کودکان هستند که در سرتاسر شهرها و روستاهای کشور ، در بخشهای صنایع ، کشاورزی و خدمات بکار اشتغال دارند و با توجه به سنن و آداب حاکم بر مناسبات اجتماعی و آمارهای دولتی که نسبت ثبت نام دختران را نسبت بکل دانش آموزان در پنجساله ۱۳۵۰ – ۱۳۵۵ رقم ۳۷٫۷ درصد یعنی کمی بیش از یکسوم میدانند ، تردید باقی نمیماند که اکثریت این گروه اطفال را دختران تشکیل میدهند . تحقیقاتی که درباره اقتصاد شهر اصفهان از سوی دانشگاه تهران انجام شده ، این واقعیت را اثبات میکند . نویسنده یادآور شده است که : یکی از گروههای سنی فعال در میان زنان اصفهان گروه ۱۰–۱٤ ساله است . . . علت این امر اینستکه کارگاههای قالی بافی و نظایر آن و همچنین کارخانه‌های مختلف هرکدام بدلیلی ترجیح میدهند چنین کارگرانی را استخدام کنند (علی کلباسی – اقتصاد شهر اصفهان – دانشگاه تهران – سال ۱۳۵۲) . بدینسان تا زمانیکه برای خردسالان کشور مدرسه و معلم کافی موجود نباشد و خانواده‌های زحمتکش از حد اقل رفاه برخوردار نشوند ، زمینه‌های عینی کارکودکان وجود دارد ، بویژه که سرمایه داری در حال رشد ایران به بهره‌کشی از نیروی کارکودکان ذیعلاقه است .

اصلاح قانون ولایت قهری

ومعیار آن

قانون مدنی طفل صغیر را تحت ولایت پدر و جد پدری میدانست و مادر نه در حیات پدر و نه پس از مرگ او حق ولایت طفل را نداشت پس از مبارزات دهها ساله زنان ، سرانجام قانون حمایت خانواده تعدیلی در قانون مدنی بوجود آورد . بدین ترتیب که طبق ماده ۱۵ این قانون ، بعد از

مرگ پدر و یا در زمان حیات او (در صورت اثبات عدم قدرت و لیاقت) حق ولایت کودک، به یک از جد پدری یا مادر تعلق میگیرد. با آنکه مبلغان رژیم درباره این ماده هیاهوی زیاد کردند ولی حقیقت آنست که تغییر وارده به هیچ روی برای تامین حق مادران کافی نیست. زیرا در همین قانون تجدید نظر شده، چهار تبعیض بزرگ وجود دارد که تضییع کننده حق مادر است:

۱ ـ در زمان حیات پدر و اثبات قدرت و لیاقت او، ولایت قهری با پدر است و مادر حق ولایت ندارد.

۲ ـ طبق قانون حمایت خانواده، پدر بدون تصویب دادگاه و بطور خود بخودی ولایت قهری دارد، در صورتیکه در صورت فوت پدر و یا اثبات بی لیاقتی او تازه دادگاه باید به ولایت مادر رای بدهد.

۳ ـ دادگاه حق دارد بین مادر و جد پدری یکی را انتخاب کند.

۴ ـ همه جا جد پدری مورد توجه قانونگزار است و نه جد مادری و معلوم نیست چرا؟

روشن است که این قانون تجدید نظر شده، خود موید عدم برابری زن و مرد است در حالیکه اگر قرار بود برابری در این زمینه رعایت شود، میبایست پدر و مادر هر دو ولایت قهری فرزند خردسال خود را داشته باشند و در صورت فوت پدر، مادر حق داشته باشد به تنهائی ولی کودک خود شود.

برابری زنان در اعدام!

یکی از اقدامات ننگین رژیم شاه در سالهای اخیر شناختن برابری زن و مرد در اعدام است، امری که در کشور ما بیسابقه بوده است. در دو سال اخیر تعداد بسیاری از زنان و دختران

با رسما تیرباران شد و یا در برخورد با ماموران ساواک بقتل رسیده اند. این توحش رژیم فقط از خصلت فاشیستی او منشاء میگیرد. رژیمی که از تامین آزادیهای سیاسی مردم وحشت دارد، هر دهان معترضی را از آتش گلوله پر میکند. رژیمی که از رفع تبعیض از زنان عاجز است، برابری آنان را در اعدام تاکید میکند.

خفقان سیاسی، چنان زنان آزاده میهن ما را به ستوه آورده است که در یکی از سمینارهای سال جهانی زن، از خواستهای اساسی زنان که در قطعنامه سمینار بازتاب یافت، "رعایت آزادیهای فردی و حقوق اساسی افراد" بود.

●

این بود مجموعه اقداماتی که رژیم در دوران پس از برگزاری سال جهانی زن عوامفریبانه آنرا تحقق برابری زن و مرد نامیده است. اما زنان ایران تا احراز برابری حقوق راه درازی در پیش دارند. به موارد تبعیض اشاره میکنیم:

عدم برابری در دستمزد

مزد مساوی در برابر کار مساوی فقط بصورت یک ماده قانون خشک و بدون ضمانت اجرا بر روی کاغذ وجود دارد. بیش از ۵۰۰ هزار زن در واحد های تولیدی سنتی یعنی رشته‌های نساجی، غذائی، پوشاک، بسته بندی و مشاغل جدید بکار میکنند، اما مزد آنها نصف تا دو سوم مردان است. خانم پوران عطاریان خزانه دار سندیکای کارخانه پارس الکتریک به خبرنگار روزنامه رستاخیز گفته است: "زنان کارگر در کارخانه با مردان کار مساوی دارند، در حالیکه کارفرما مزد مساوی بآنها نمیدهد ودر

مقابل اعتراض آنها میگوید : مردان زن و بچه دارند و مخارجشان بیشتر است . آیا این قانونی است؟ کارگر ساده مرد در ردیف استخدام در طبقات ۳ و ۴ و ۵ طبقه بندی مشاغل قرار میگیرد ، درحالیکه دختران تازه استخدام در طبقه یک قرار گرفته و تا یکسال حداقل دستمزد را میگیرند " (رستاخیز کارگران – ۱۷ آذر ۱۳۵۴) و تازه این یک نمونه است ، در سراسر کشور مزد روزانه دهها هزار کارگر زن قالیباف از ۲۰ تا ۴۰ ریال بیشتر نیست و در قانون کارکشاورزی که صدها هزار زن زحمتکش روستائی را باید در برگیرد ، کلمه ای هم درباره برابری دستمزد زن و مرد وجود ندارد .

فقدان مهد کودک

باآنکه رژیم شاه در کنفرانس کار تهران که خود سازمانده آن است ، موظف شده باتفاق کارفرمایان برای ایجاد مهد کودک سرمایه‌گذاری کند ، ولی خبر زیر را از روزنامه رستاخیز ارگان حزب دربارای بخوانید تا به بینید بعلت نبودن مهد کودک ، زنان زحمتکش و کودکان خردسالشان با چه خطراتی در محیط کار روبرو هستند . رستاخیز مینویسد :

" اینکه زنان کارگر شاغل در کارخانه گاهی مجاز هستند ، اطفال خود را نیز به محل کار بیاورند ، بطور مستقیم موجب حوادث میگردد . زیرا این خطر وجود دارد که بچه ها بین ماشینهائی که کار میکنند ، ببازی مشغول شوند و یا با مواد خطرناک تماس حاصل نمایند . این جریان در بعضی از کارخانه‌های ریسندگی که زنان با ماشین های نخ پیچ کار میکنند و ضمن کار از کودکان خود نگهداری مینمایند ، دیده میشود . همین وضع در مورد کارگاههای طبقه بندی پشم که زنها کودکان خردسال خود را همراه میآورند و اطفال بزرگتر به آنها کمک میکنند نیز صادق است و کلیه این اطفال در معرض خطر و ابتلاء به سیاه زخم واقع میشوند " (رستاخیز کارگران – شماره ۲۲ مهر ۱۳۵۵) .

اینکه زنان کارگر مجازند ، خردسالان خود را به محوطه کار بیاورند نه از سر لطف و دلسوزی کارفرما نسبت به آنان ، بلکه برای طفره زدن کارفرما از ایجاد مهد کودک است . دولت که خود حاضر نیست در عرصه‌هائی که با منافع حیاتی مردم سر و کار دارد پول خرج کند ، چشم بر روی استثمار بیرحمانه کارفرمایان از انبوه زنان کارگر بسته است . نتیجه آن میشود که خردسالان آنها یا در کارخانه گرفتار حادثه شوند و یا در محوطه کار .

پیکار با بیسوادی

۹۰ ٪ زنان روستائی و ۷۳ ٪ زنان در مجموعه کشور از خواندن و نوشتن بهره ای ندارند . . بالای بیسوادی مانع جدی در مورد اشتغال زنان است . در گزارشی که پژوهشگران روزنامه کیهان انجام داده اند ، بر این نکته تاکید شده که : " پیشرفتهای زنان در دهه گذشته در زمینه اشتغال با محدودیت های سختی روبرو بوده است ". در سالهای اخیر که رژیم شاه بیش از هر وقت به مبارزه با بیسوادی تظاهر میکند ، نه تنها از تعداد بیسوادان کم نشده ، بلکه افزایش هم یافته است . کار بجائی رسیده که معاون آموزش و پرورش هشدار میدهد که اگر اقدام فوق العاده ای صورت نگیرد ، تا پایان برنامه پنجم ، درصد زنان بیسواد در مجموعه کشور از ۷۳ درصد به ۷۸ درصد خواهد رسید و تعداد زنان بیسواد روستائی بالغ بر ۹ میلیون نفر خواهد شد . (کاظم ودیعی کیهان – ۳۰ مهر ۱۳۵۴) . پایان برنامه پنجم نزدیک است و هیچ اقدام فوق العاده ای از سوی رژیم صورت نگرفته است . نرخ بالای بیسوادی ، نه تنها سد محکم در برابر اشتغال زنان ، بلکه در برابر کسب مهارت آنها هم هست و به همین علت اکثریت زنان در مشاغل ساده و با دستمزد های ناچیز باقی مانده اند .

بموارد دیگری اشاره میکنیم که دگرگونی قوانین وایجاد ضمانت اجرائی برای آنها بسود برابری زن ومرد ضروری است وزنان ایران مصرا خواستار آن هستند :

- لغو کارشبانه برای زنان
- اصلاح قانون کار وبیمه های اجتماعی بسود رفع تبعیض اززنان واجرای آن درهمه کارگاهها وکارخانه ها ، صرفنظر از تعداد کارگران آنها ، صرفنظر ازخانگی وغیرخانگی بودن کارگاهها زیرا اکثریت کارگران قالیباف زن هستند واکثریت زنان قالیباف درکارگاههای باصطلاح خانگی اشتغال دارند وبیرحمانه استثمار میشوند .
- اصلاح قانون مدنی ، قانون حمایت خانواده ، قانون کیفر همگانی وهر قانون دیگر رهر موردی که بااصل برابری زن ومرد در تناقض است.

علاوه براصلاح قوانین وایجاد ضوابط محکم برای اجرای آنها ، برای آنکه زنان بتوانند عملا ازحقوق برابر بهره گیرند ، ایجاد وگسترش شبکه شیرخوارگاهها ، کودکستانها ، درمانگاهها ، زایشگاهها وبیمارستانها ضروری است . برای جبران واپس ماندگی زنان باید امکانات بیشتر سواد آموزی تحصیل وکسب مهارت بآنان داده شود . درکشوری که فقط یک سی وچهارم مهندسان ، یک دهم پزشکان و یک ششم حقوقدانان آن زن هستند ، حتی درسطوح بالای تحصیلی نیز تلاش بسیار برای پیمودن فاصله واپس ماندگی ضروری است .

مبارزه برای حل مسائل اجتماعی مربوط بزنان ، بدون تردید ازمبارزه درراه دگرگونیهای بنیادی اجتماعی درحیات خلقها ودولتها جدا نیست . باینجهت مبارزه زنان ایران برای احراز برابری حقوق ، بخشی ازمبارزه آنها برای آزادی ، استقلال ملی وصلح است . درشرایط مشخص کنونی مانع عمده درراه مبارزه زنان برای تامین حقوق خود ، سلطه خونین دیکتاتوری شاه است . سلطنت مطلقه شاه ، امکان تشکل ومبارزه علنی را اززنان سلب نموده وسازمان درباری اشرف را بمنظور انحراف مبارزه زنان ازمجرای صحیح وسرگرم ساختن آنان بامسائل فرعی وجنبی بوجود آورده است . باینجهت مبارزه زنان همدوش بامردان علیه رژیم دیکتاتوری شاه اهمیت ویژه ای کسب میکند . اما این بدانمعنا نیست که تا سرنگونی رژیم استبدادی شاه ، باید مبارزه برای خواستهای اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی زنان را بدست فراموشی سپرد . زنان ضمن مبارزه دوش بدوش با برادران وشوهران خود برای شکستن سد اساسی وگشودن راه بسوی تامین آزادیهای سیاسی میتوانند وباید بااستفاده ازسازمانهای موجود : زنان ، کارگران ، دهقانان ، دانشجویان ، کارمندان وغیره علیرغم رهبری ارتجاعی وساواکی آنها ، مطالبات زنان کارگر ، دهقان وروشنفکر رامطرح کنند وزنان راگرد جاذب ترین شعار هرلحظه ، تجهیز نمایند . درشرایطی که رژیم برای فریب افکارعمومی جهان ، دم ازتامین حقوق برابر زنان میزند ولی درعمل برنابرابری ابرام دارد ، دراوضاع واحوالی که گرانی وکمبود مواد غذائی ، کمبود مسکن ، گرانی اجاره خانه ، کمبود مدرسه گرانی مایحتاج زندگی کمرخانواده ها راشکسته است ، میلیاردها دلار درآمد مردم بدست شاه صرف خرید جنگ افزار میشود ، ولی مردم نان وپوشاک ومدرسه وپزشک ندارند ، انتخاب شعار مناسب لحظه وگردآوردن زنان به دورآن ، علیرغم ترورحاکم ، کاملا میسر است . نباید فراموش کرد که

مقاوله نامه‌های سازمان ملل‌متحد درمورد تامین حقوق زن وکودک ورهنمود های مهم کنفرانس مکزیکووکنگره برلن دموکراتیک ، آن‌محمل‌های قانونی هستند که‌زنان میتوانند بااستناد به‌آنها رژیم را مجبوربه قبول بخشی ازمطالبات خود سازند .

سند مهم کنگره برلن دموکراتیک که " پیام به‌زنان سراسرجهان " است ، طلب میکند که زنان تمام قاره‌ها ، زمام کارصلح ، دموکراسی ، استقلال ملی ، پیشرفت اجتماعی وبرابری را بدست خویش گیرند ودر راه‌تحقق آن بکوشند . زنان ایران باشایستگی سهم خودرا دراین راه ادا خواهند کرد .

نویسندگـان و کارکنـان مجله «دنیـا» ، هشتم مارس ، روز بین‌المللی زنان را بهمهٔ زنان ایران صمیمانه شادباش میگویند و پیروزی آنانـرا در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم پشتیبـان آن ، برای صلح و امنیت ، بـرابـری حقوق و پیشرفت اجتمـاعی آرزومندند .



ا٠ل٠

جنبش مترقی زنان ایران

در راه احراز حقوق اجتماعی خود

شاه و بلندگوهای تبلیغاتی او میخواهند اینطور جلوه دهند که موقعیت زنان ایران در بدست آوردن حق شرکت در انتخابات مجلس شورایملی محصول "نبوغ" و "ترقیخواهی" شاه است ٠ زنان ایران دهها سال است که دوش بدوش مردان برای استقلال وآزادی میهن، وبدست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی خویش بمبارزه برخاسته اند٠ این مبارزه که در آغاز قرن حاضر آغاز گردیده در سالهای بعد از جنگ علی رغم موانعی که شاه و دستگاه انتظامی او بر سر راه آن فراهم آورده و میآورند دامنهٔ وسیعی یافت ٠ اوضاع واحوال جهانی نیز پیوسته در جهت پیروزی مبارزهٔ زنان سیر کرده ومیکند٠ تحصیل حق شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی در درجهٔ اول محصول مبارزهٔ زنان ایران همراه با مبارزهٔ کلیه نیروهای مترقی و آزادیخواه میهن ماست ٠

مقالهٔ زیر انعکاس دهندهٔ این مبارزهٔ زنان ایران است ٠

برای اینکه تغییر وضع اجتماعی واقتصادی زنان ایران را مورد مطالعهٔ اجمالی قرار دهیم بهترین شیوه بررسی تاریخی این جریان است ٠ بویژه لازم است نظری بزندگی اجتماعی زنان قبل از تحولات انقلابی اوائل قرن حاضر بیندازیم٠ این مطالعه سیاحت در مورد رازتاریخی نیست زیرا تقریباً تمام آنچه که در آغاز قرن کنونی وجود داشت امروز نیز پس از آنهمه تحولات اجتماعی وعلی رغم تغییرات زیادی که رخ داده بطور عمده محفوظ است ٠ لذا با شرح زندگی زن ایرانی در آغاز قرن بیستم در واقع شارح وضع کنونی آنها نیز هستیم٠

<u>وضع زن در ایران در اوایل قرن معاصر</u>

بطور کلی زنان از ابتدائی ترین حقوق بشری محروم بوده اند٠ با مستور کردن زن در حجاب ومجزا نمودن از اجتماع او را در جهل و فساد اخلاقی کامل نگاه میداشتند٠ خواندن ونوشتن حتی بزبان مادری برای دختر ایرانی ننگ محسوب میگردید وآنرا وسیلهٔ فساد اخلاق وایمان وسبب تزلزل اساس خانواده بشمار میآوردند٠

زن در خانهٔ پدر مطیع پدر و یا برادر و در منزل شوهر بنده و برده شوهر بود٠ زندگی ومرگ او در دست مرد بود ، اغلب زجر دادن و کشتن او باعث مباهات وشرافتمندی و غیرتمندی مرد محسوب میگردید ٠ هیچگونه قانونی برای دفاع او وجود نداشت٠

زنان شهری و قسمتی از زنان دهات اطراف شهرها مستور بچادر بودند و غیر از شوهر و برادر و پدر باید کاملا از دیگر مردان (نامحرم) چهره را بپوشانند٠ همین امر سبب میگردید که بکلی از اجتماع مجزا و در کنج خانه‌های محصور بدیوارهای بلند بخزند ووسیلهٔ تفریح وخوشگذرانی مردها و بچه درست کردن باشند٠ فقط عدهٔ معدودی دختران کم سن وجوان شهری در کارگاههای قالیبافی همان قالیهای معروف ایران که شاهکار صنعتی است با مزد بسیار ناچیز روزی ١٤ــ١٥ ساعت کار کرده و بدینوسیله در کار تولید شرکت میجستند٠

اکثریت زنان روستا وتقریباً کلیهٔ زنان ایلات وعشایر در کار کشاورزی شرکت داشتند. و عمده کارها را انجام

میداند منتهی بشکل کارگری اجرومزد که حق هیچگونه برداشت ازمحصول وعایدی زحمت خود ندارد وبمثابه حیوانی بارکش ازاوکارمیکشیدند. حتی توجهی که نسبت بحیوانات بارکش مبذول میگردید شامل حال زن نمیشد.

هنوزهم در بعضی ازدهات ایران دیده میشود که زن رابجای گاو واسب بگاواهن برای شخم زدن و به خرمن کوب برای کوبیدن خرمن گندم یاجو وغیره بسته وبکاروامیدارند (نگارنده بچشم خود دیده ام).

تعدد زوجات در دهات وایلات نه فقط وسیلهٔ شهوترانی مرد بود، بلکه پایه اقتصادی هم داشته است. زیرا یک مرد روستا برای بدست آوردن کارگری مزد وکم خرج ومطیع چندین زن اختیارمیکرد و باوجود اوردن فرزندان متعدد میتوانست برمقدار زمین زیرکشت خود بیفزاید. یعنی زن وفرزند برای مرد دهقان سرمایه محسوب میگردید.

کارعمدهٔ حشم داری در ایلات و عشایر بازن بود. مرد فقط جنگاوری وفرمانروائی مینمود. همین زنی که همهٔ اموراقتصادی وتولیدی ایل رااداره میکرد، درمواقع کوچ کردن ایل باید فرسنگهاپای برهنه بابچهٔ شیرخوار بسته به پشت و احیانابچه ای درشکم (زنان باردار) راه پیمائی مینمود. ولی مردهای ایل همگی سواراسب طی طریق میکردند.

زائیدن زنان ایلاتی دربین راه بدون کمک پزشکی و بهداشتی و پیچیدن بچه لای پارچه ای و ادامه دادن براه پیمائی باایل بلادرنگ پس اززایمان وانجام وظایف فوق الذکرهنوزهم جزو امورعادی زنان عشایرکشورماست.

همین زن زحمتکش و رنجبر هنگامی که پیرمیشد ویکرقدرت کارزیاد نداشت، چنانچه دربین راه خسته شده و نمیتوانست راه بپیماید اورابدست سرنوشت نامعلوم دربیابانهای بی اب وعلف میسپردند و بـــدون کوچکترین توجهی بحالش اوراباقی گذارده و میرفتند.

ازنظرحقوق خانوادگی زن درحکم بنده و زرخرید بود. ازدواج بیشتربخرید وفروش کالا شباهت داشت تا به تعهد متقابل براساس عشق ورضایت طرفین. زن دست بسته بعنوان کالائی تحویل مرد خریدار میگردید. تناسب سنی ویااخلاقی ابداً مورد نظرقرارنمیگرفت. مثلا ازدواج دختر ۹ــ۱۰ ساله بامردی ۴۰ــ۵۰ ساله، حتی ۶۰ــ۷۰ ساله امری عادی محسوب میگردید. محرومیتهای حقوقی زن پس ازورود بخانهٔ شوهرآغازمیگردید مرد حاکم و زن محکوم بود. ارادهٔ مرد وخواست او چرخ اموراقتصادی خانواده رامیگرداند تاروزیکه مرد میل داشت زن میتوانست درخانهٔ اوبماند و روزی که دل درهوای دیگری میبست، زن باید همه چیز حتی جگر گوشگان خود رابجاگذارده و بادست خالی ازخانه بیرون برود. حتی پس ازسالیان دراززندگی زناشوئی تمام اموال واثاثیه و اولاد متعلق بمرد بود. بعلاوه قوانین مذهبی اسلام قلاده واردست وپایش رابسته بودند. طبق این قوانین حتی بلند حرف زدن، دست وصورت و حتی هیکل رابمرد نشان دادن جزو گناهان کبیره محسوب میشد. طبق همین قوانین حق طلاق بامرد بود. مذهبیون زن راضعیفه، یعنی ناقص العقل محسوب میداشتند.

وضع زن درایران پس ازانقلاب مشروطیت (۱۹۰۵ــ۱۹۱۱)

انقلاب مشروطه گرچه انقلابی بورژوائی بود و رژیم پارلمانی بوجود اورد، ولی فقط بمجلس اول وتا حدی مجلس دوم نمایندگان واقعی مردم راه یافتند وتوانستند خواستهای بورژوازی ملی وخرده بورژوازی رامنعکس نمایند. ولی بزودی بهمان ملاکین بزرگ ونفوذ آنها درحکومت وپارلمان رخنه یافته وبااشغال مشاغل حساس سیاسی واقتصادی بورژوازی ملی راازحکومت کنارزدند.

قانون اساسی که بوسیلهٔ مجلس اول تدوین گردید ازنظرحقوقی بین زن ومرد فرقی قائل نشده است. اصل هشتم این قانون چنین میگوید " اهالی مملکت درمقابل قانون متساوی الحقوق هستند ". بنابراین زنان که نیمی ازاهالی مملکت بودند مشمول این قانون میشدند و بایستی ازتمام حقوقی که قانون اساسی بمـــردم داده است برخوردارگردند ولی عملاً چنین نشد.

درقوانینی که بتصویب مجالس بعدی رسید مانند قانون مدنی وقانون انتخابات، بحقوقی که قانـــون اساسی بزن ایرانی اهدا گرده بود ظالمانه تجاوزگردید واورا ازبسیاری ازحقوق محروم ساخت.

مدارک زیرین شاهد مدعای ماست:

۱ــ درقانون مدنی برای زن درخانواده هیچگونه حقی قائل نشده اند ، برعکس بند های سابق رابشکل قانونی محکمتر بدست وپای زن گره پیچ کردند:

الف ــ درماده ۱۱۶۹ میگوید : « برای نگهداری طفل مادرتادوسال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت. پس ازانقضاء این مدت حضانت باپدر است مگرنسبت به اولاد اناث که تاسال هفتم حضانت انها بامادر خواهد بود.

وهمچنین درماده ۱۱۷۰ چنین گفته میشود : « اگرمادر در مدتی که حضانت طفل بااوست مبتلا به جنون شود و یا بدیگری شوهرکند حق حضانت باپدر خواهد بود •

ب ــ انتخاب مسکن باشوهراست •

ج ــ اجازهٔ مسافرت زن باشوهراست

د ــ حق طلاق باشوهراست (مادهٔ ۱۱۳۳)

وهمچنین درمسئلهٔ شهادت و ارث نیزتبعیض زیادی بزنان رواگردیده است.

۲ــ درقانون انتخابات زنان رادرردیف دیوانگان وکودکان ازحق انتخاب کردن وانتخاب شدن محـــروم داشته اند یعنی انهاراهمطراز باد یوانگان وکودکان قرارداده اند •

گرچه مجلس هاودولتهای بعدی که برسرکارامدند فقط منعکس کننده و مدافع منافع طبقات فئود ا ل ومالك بودند ولی براساس پیشروی عمومی نهضت اجتماعی خواه ناخواه درو ضع زنان ایران نیز بعد ازانقلاب مشروطیت تغییرات وتحولاتی بوجود آمد.

چنانکه ازتاریخ برمیآید جنبش متشکل زنان ایران ریشهٔ عمیقی دارد. زنان کشورمادرمبـــارزات ازادیخواهانهٔ ملت ایران شرکت فعال داشته اند ودرصحنهٔ مبارزات انقلابی به تناسب امکاناتی که داشته اند غالبا بنحو متشکل فداکاریهائی بروزداده اند. نقش زنان درجنبش تنباکو وشرکت انهادرانقلاب مشروطیت بازگرشواهد زیرین بدون شك خود بخودی نبوده وسازمانهائی وجود داشته است:

الف ــ درسال ۱۳۰۹ هجری قمری امتیازدخانیات ازطرف ناصرالدینشاه بشرکت رژی انگلیس واگذار گردید وتولید ومصرف ان درسراسرکشوربانحصاراین شرکت درامد. مردم آنزمان دادن امتیاز بیك کمپـانی خارجی راننگ و بدبختی تلقی نموده بهیجان امدند. علماء تقلید (مرحوم میرزای اشتیانی وحاج میرزاحسن شیرازی) به پیروی ازتمایلات مردم استعمال دخانیات راتحریم کردند. شرکت درداستان پرشکستگی قرار گرفت • شاه وامین السلطان صدراعظم عده ای ازروحانی نمایان راتجهیزنمودند تامردم عصیان کرده را ساکت کنند. روزی که یکی ازانها (امام جمعهٔ تهران) بالای منبر مردم رادعوت بسکوت وصبروشکیبائی مینمود وتاحدی موفق گردیده بود ، ناگهان عده ای از زنان تهران که درمحلی قبلاحضورداشتند جوشان وخروشان جمعیت راکنارزده و بمیان مسجد امده باصدای بلند وسحورکننده خطاب بمردان چنین گفتند : اگرمردان مابخواهند نسبت باینواقعه بی اعتنابمانند وتسلیم شوند ، مازنان چادرهارابدورانداخته ولباس مـــردان میپوشیم ونخواهیم گذاشت حق ملی مابدست بیگانگان بیفتد • وسپس باشعارهای ضد سکوت وشکیبـــائی مردان رابادامهٔ مبارزهٔ مقدس ملی دعوت نمودند. بعدها معلوم شدکه اینهاجزو دستهٔ بزرگی اززنانی بودند که قبلا بدورهم گردامده تصمیم گرفته بودند علیه امتیاز رژی بقیام وجنبش بپردازند و بدین منظورچند تـــن ازپرشورترین وجسورترین افراد خود رابمسجد فرستاده بودند. مردان که درشرف تحت تاثیرقرارگرفتـــن حرفهای امام جمعه بودند ، چنان بهیجان امدند که ازهمانجا باتفاق انها و عدهٔ دیگرزنهابکوچه هـــا ریختند وتمام قلیانهاوچپق هاراازخانه هاخارج ومقابل چشم مردم میشکستند ومعتادین راببترك عـــادت دعوت مینمودند. این هیجان والتهاب غیرمنتظره ، زنان حرم شاه راهم فراگرفت و تمام قلیانهاراشکستـــه و سوزاندند ودسته جمعی نزد شاه رفته ونسبت به بدرفتاری او وصدراعظمش بمردم ومراجع تقلید سرزنشــــش کردند. بالاخره شاه دراثرفشارافکارعمومی مجبورگردید امتیازرالغو وغرامت بپردازد .

درجریان انقلاب مشروطیت زنان ایران باوجود وضعی که بطوراختصاردربالاذکرشد داشتند و در جهل کامل درچهاردیوارخانه محبوس و محصوربودند ، هنگامیکه مسئله ازمیان برداشتن بساط ظلـــم و بیدادگری و ازبین بردن استعمارخارجی وحکومت مطلقه واستقرار رژیم پارلمانی وحکومت مردم برمردم بمیان امد ، ازهیچگونه فداکاری دریغ نورزیدند و باهمان چادرسیاه پابمیدان مبارزه گذاردند.

وکلای
ب — یکی ازنمونه های برجسته ٔ دیگر تظاهر بزرگ زنان در مجلس علیه خیانتکاران بانقلاب همگانی هنگامیکه مجلس تحت فشار اتمام حجت دولت روسیهٔ تزاری میخواستند بقبول شرائط ننگ آوری تن در دهند بود که میتوان بدون شك سرآمد سایر مبارزات آنها در تاریخ بحساب آورد.

شوستر امریکائی که در سال ۱۳۳۸ هجری قمری برای اصلاح وضع مالیهٔ ایران استخدام شده بود، در کتاب تاریخ ایران خود مینویسد : « عزت زنان نقاب پوش ایران پاینده باد » همین مؤلف در قسمت دیگر مینویسد : « در این ایام (موقعیکه دولت تزاری اولتیماتوم ٤٨ ساعته داده بود وبعضی شهرهای ایران را نیز باقوای مسلح اشغال کرده بود و قصد بطرف تهران آمدن داشت) که نگرانی مردم در تزاید بود که آیا مجلس باقی میماند یا منفصل میشود، زنان ایران باهیجان واحساسات برای حفظ آزادی واستقلال میهن خود آخرین اقدامی که انانرا برمردان تفوق و برتری داد و دلیل شجاعت آنها بود بعرصهٔ ظهور رسانیدند. شهرت داشت که وکلای مجلس در جلسات سری تصمیم بقبول اتمام حجت دولت روسیهٔ تزاری گرفته بودند. در این موقع سیصد نفر اززنان ازخانه وحرمسرای محصور خارج ، درصفهای منظم ، با ارادهٔ تزلزل ناپذیر، در حالیکه چادرهای سیاه برسر ونقابهای مشبك سفید برو داشتند بطرف مجلس رهسپار گردیدند و بسیاری ازایشان درزیر لباس یاتوی آستین ها طپانچه یاکارد و قمه پنهان کرده بودند، ازرئیس مجلس خواهش کردند که تمام آنهارا اجازهٔ دخول بدهد ولی رئیس مجلس بملاقات نمایندگان آنها راضی شد. ان هیئت مادران و زوجات ودختران محجوب ایران طپانچه های خود رابرای تهدید نمایش داده و نقابها راپاره کرده دورانداختند و چند نفر بیاناتی آتشین سخنرانی کردند وگفتند اگروکلاء مجلس در انجام فرایض خود ومحافظت و برقراری شرف ملت ایران تردید نمایند مامردان وفرزندان خود راکشته واجساد شان را در همین جاخواهیم افکند. »

در تحت تأثیر همین نطقها نمایندگان پس از یك شورکوتاه اتمام حجت رارد کردند ودولت تزاری که پی بتصمیم مجلسیان و ارادهٔ مردم برد ، اجبارا قزاقان خود را ازشهرهای اشغالی فراخواند.

بدون شك چنین جنبش منظم بدون وجود سازمانهای مخفی امکان پذیر نبوده است .

ج — ایرانسکی در کتاب « ایران در راه مبارزه برای استقلال » (در سال ۱۹۲۵ نوشته شده)که راجع بمشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی واقتصادی ان میباشد دربارهٔ مبارزهٔ زنان ایران چنین مینویسد: « پس ازاعلان مشروطیت وافتتاح دورهٔ دوم مجلس نقش زنان درزندگی سیاسی کشور رو بتزاید گذاشت. درتهران کلوب ملی زنان تأسیس شد وجمعیت های دیگر بوجود امد. اعضای این جمعیت ها سوگند یاد کرده بودند که با استقراض ازروس وانگلیس که استقلال کشور را درمعرض مخاطره قرارمیدهد مبارزه نمایند. زنان ناطقین معروف رابرای سخنرانی به کلوبهای خویش دعوت مینمودند ».

همین مؤلف درقسمت دیگرکتاب خود مینویسد : درنهضت مشروطهٔ ایران زنان درمبارزه شرکت فعال داشتند وعکس یکدستهٔ شصت نفری اززنان چادربسر ایرانی تفنگ بدست دراختیارماست. اینـان محافظ یکی ازسنگرهای تبریز بوده اند .

د — جریدهٔ حبل المتین که یکی ازجرائد ازادیخواه آنزمان بوده است مینویسد : « دریکی از زد و خورد های بین اردوی انقلابی معروف ستارخان بالشکریان شاه بین کشته شدگان انقلابیون جسد بیست زن مشروطه طلب دالباس مردانه پیدا شده است ».

هـ — کسروی درتاریخ مشروطیت چنین مینویسد : « درتظاهراتی که برای تسریع تصویب قـانون اساسی ازطرف دارالشورا علیه درتبریز روی داد زنان هم شرکت داشتند. در این هنگام عدهٔ زیادی از مردم درتلگرافخانه متحصن شده بودند وانجمن تبریز مرتبا تلگرافاتی بتهران مخابره میکرد وتقاضای تصویب قانون اساسی رامینمود ومردم تبریز دریافشاری اندازه نگه نمیداشتند . زنان نیز بطورمجدانه از مردان پشتیبانی میکردند. متن یکی ازتلگرافات بشرح زیراست « خدمت وکلای اذربایجان دامت تائیداتهم. وضع انقلاب شهرازامروز صبح بتحریرنمیاید. تمام اهالی شهردرهیجان حتی طایفهٔ نسوان باپچه های شیرخوار در مساجد بحد اکثرجمع و اهالی بیطاقتی و بیصبری رابااعلی درجه رسانیده اند . تسکین وتسلی اهالی امکان ندارد ».

ایضا مینویسد : « زنان تهران هم دراین باره بازنان تبریز همگام شدند » روزچهارشنبه ٢٤

اردیبهشت در اینجا تکانی پدیدار شد. بدینسان که گروهی از زنان دسته ای بستند و برای طلبیدن قانون اساسی به مجلس رفتند.

وقتی پسر رحیم خان در آذربایجان دست بکشتار وحشیانه مردم زحمتکش زد امواج نهضت همدردی در تهران برخاست. کسروی در این باره مینویسد: «امروز زنان تهران در خیزش پا درمیان داشتند، چنانکه حبل المتین نوشته پانصد تن از ایشان در جلوی بهارستان گرد آمده بودند.»

این تظاهرات میهن پرستانه واستقلال طلبانه گاهی چنان دامنه دار میشد که زنان با نظامیان در میافتادند (هنگام صدارت عین الدوله). کسروی در این باره مینویسد: «امروز از بیرون آمدن زنان جلوگرفتند و هرکه از ایشان میدیدند میگرفتند و در قراولخانه نگه میداشتند زیرا دیروز میان یک دسته از آنان با سربازان و قزاقان کشاکشی روی داده بود.»

شرکت زنان در تظاهرات بطور وسیع بهترین نمونهٔ رشد فکری و بیداری و علاقه مندی آنها به جنبشهای انقلابی مشروطیت ایران بود. آنها بطرق مختلف به انقلابیون و مجاهدین کمک میکردند. هنگام یورش لشگریان محمد علیشاه در نجات فدائیان کوشش فراوان میکردند، آنها را پناه میدادند و پنهان میکردند و از مرگ حتمی میرهانیدند.

هنگامی که محمد علیشاه قاجار مجلس را بتوپ بست و بسیاری از سران مشروطیت مانند ملک المتکلمین و غیره را بقتل رسانید زنان با شهامت و شجاعت شوهران و برادران و پسران خود را به تشکیل دسته های فدائی برای دفاع از انقلاب مشروطه تشویق میکردند و از بذل مال دریغ نمیورزیدند.

اینک متن تلگرافی که در آن تاریخ از تبریز مخابره شد:

«از تبریز ۱۸ جمادی الثانی، وضع شهر حالتی پیدا کرده که از تحریر و تقریر عاجزیم. جوانان ملت سواره و پیاده برای مقصود مقدس حراست دارالشورا جان را برکف گرفته در حرکتند و از طرفی کمیسیون اعانه تشکیل و اهالی با بشاشت بدادن اعانه بریکدیگر سبقت میجویند. زنان غیور آذربایجان امروز شرف ملیت را از تمام عالمیان ربوده اند. دستها گردن بند و گوشواره و دستبند است که بصندوق اعانه تقدیم میکنند و تمام [illegible] ساحان و دل و مال در انجمن اتحاد تبریز در حفظ مقصود مقدس حاضرند.»

و ـ ایوانف در کتاب انقلاب ایران سالهای ۱۹۰۵ـ۱۹۱۱ چنین مینویسد:

«عدم رضایت مردم در بهار ۱۹۰۶ نه فقط بوسیلهٔ انتشار شب نامه ها و توسل به علما منعکس میگردید بلکه با شعله ور شدن هیجانات توده ای که حتی زنها در آن شرکت داشتند بروز مینمود.»

او مینویسد در اثر بیدادگری و گرانی و کمیابی نان عدهٔ زیادی زن کالسکهٔ مظفرالدین شاه قاجار را احاطه کردند و با جملات زننده گرانی و بدی نان و سایر وسائل اولیهٔ زندگی را یادآور شدند. این زنها تکه های نان مخلوط با شن را در کالسکهٔ شاه پرتاب کردند. شاه هنگام مراجعت بدربار (اندرون) ماجرا را با زنان خود بمیان گذارد و شکایت کرد ولی زنان حرمسرای او بجای همدردی صحنه ای که شاید بهتر از صحنهٔ خیابان نبود در مقابلش برپا کردند و صدراعظم وقت (اتابک) را مقصر قلمداد نمودند و دزدیهای یکی یکی درباریان را باو گوشزد کردند.

ز ـ داستان آن زن رختشوی باشهامت در مسجد میرزا موسی در پای منبر سید جمال الدین واعظ هنگام سخنرانی در انتقاد از قرضهٔ خارجی یکی دیگر از حماسه هائیست که از خاطرها محو نمیگردد. این زن باشهامت بین هزاران مرد و زن بپاخاست و گفت: چرا دولت ایران از خارجه قرض میکند مگر ما مرده ایم. من یک زن رختشوی هستم بسهم خود یک تومان میدهم (باید متذکر شد که یک تومان آن موقع برابر صد تومان حالاست) و دیگر زنها نیز حاضرند.

طبق نوشته های مولفین مختلف دربارهٔ تاریخ مشروطیت ایران زنان انجمن های سری داشته اند و با کوششهای دسته جمعی در تاریخ پیکارهای استقلال طلبانهٔ ملت ما صفحات درخشانی بوجود آورده اند که تأثیر عمیقی در مبارزات آزادیخواهانهٔ مردم ما باقی گذاشته است.

زنان در آن زمان در مجالس بحث علماء شرکت میکردند و با استدلال و توجه بقوانین مترقی و زنان صدر اسلام مخالفین حقوق مساوی زن و مرد را مجاب میکردند و بهمین مناسبت واضعین قانون اساسی نتوانستند بین زن و مرد از نظر حقوقی تفاوتی قائل گردند (اصل هشتم و مقدمهٔ قانون اساسی). ولی بعد همانطور که

قبلاگفته شد زنان را ازبسیاری ازحقوق محروم ساختند و طبعا چون این قوانین بعدی برخلاف اصل وضع گردیده غیرمعتبراست ·

پس ازانقلاب مشروطیت وبرقراری حکومت مشروطه باتاسیس مدارس دخترانه وشرکت زنان درمجالس وعظ و بحث وتاسیس انجمنهای خیریه واطلاع کم وبیش ازنهضتهای آزادیخواهانهٔ ملل دیگر افکار آزادیخواهانه بین زنان ایران تدریجا رسوخ یافت · مجامع و محافلی تشکیل گردید که درآن ازنقش زن در زندگی سیاسی واقتصادی و بویژه ازبرداشتن حجاب که درآن زمان مانع و رادع بزرگی محسوب میگردید بحث میشد ·

تاقبل ازسال ۱۳۰۰ شمسی جمعیتهائی مانند جمعیت فارغ التحصیلان مدرسهٔ امریکائی ، جمعیت زنان بهائی وجمعیت نسوان وطنخواه تشکیل یافتند که مترقی ترازهمه همان جمعیت نسوان وطنخواه بود· شعاراین جمعیت بالابردن سطح فرهنگ زنان ، بدست آوردن حقوق زن بویژه رفع حجاب و ترویج کالای ایرانی بود· عدهٔ نسبتازیادی زنان روشنفکر (آموزگاروبیرو مدیرهٔ مدارس دخترانه) درآن شرکت داشتند پوشیدن لباس وطنی ازشعارهای برجستهٔ این جمعیت محسوب میشد· باانتشارمجله وتاسیس کلاسهای اکابر وتشکیل مجالس سخنرانی درتنویرافکارزنان فعالیت مینمودند· دراین موقع عده ای ازمرتجعین جزوهٔ بنام مکرزنان انتشارداده بودند· زنان عضو این جمعیت یك روز درتمام شهرتهران همه جزوه هاراخریده ودرمیدان توپخانه آتش زدند و بااین عمل آمادگی خود رابرای مبارزه باخرافات اعلام داشتند· درشیراز مجمع انقلاب زنان (۱۳۲۸ــ۱۳۳۱ هجری قمری) تاسیس گردید· این جمعیت باجسارت هرچه کاملتر علیه حجاب زنان و درراه آزادی وبرابری حقوق بانوان تبلیغ و مبارزه میکرد ومجله ای نیز بنام "دختران ایران" که فقط هفت شماره انتشاریافت بوسیلهٔ این جمعیت منتشرمیگردید (مجلهٔ دنیا شماره ٤ سال سوم صفحه ۵۰)·

درسالهای بین ۱۳۰۰ــ۱۳۱۰ سازمانهائی دراغلب شهرهای ایران (رشت، تهران ، قزوین و غیره) تشکیل گردید · این سازمانها بانهضت کمونیستی درایران مربوط بودند و باشعارهای مترقی از قبیل شرکت زنان درامور اقتصادی وسیاسی وحق انتخاب کردن وانتخاب شدن وحق طلاق وحق اولاد و بطور خلاصه شعارتمام حقوق مساوی بامرد را داشتند · باتاسیس قرائت خانه وکلاسهای اکابر وانتشارمجلات و نمایش نمایشنامه ویژه اززندگی سراسرمحرومیت زن ایرانی درتنویرافکارزنان میکوشیدند · عدهٔ نسبتازیادی اززنان تحصیلکرده و باسواد رامتشکل وشعارهای خود را درمقابل حکومت هامطرح مینمودند·

حزب کمونیست ایران که ازنخستین احزاب کمونیستی است وپس ازانقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبرپدید آمد واولین کنگرهٔ خود رادرژوئن ۱۹۲۰ تشکیل داد باتمام قوا ازسازمانهای مترقی فوق حمایت میکرد وآنهارا رهبری مینمود· درواقع اولین حزب سیاسی درایران بود که درراه آزادی واقعی زنان ایران بیرق مبارزه را بدست گرفت ومشعلدار این نهضت گردید چون مبدا انست که زنان ایران که ازابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند مطمئن ترین متفق نهضت دموکراتیك درتمام مراحل آن میباشند·

برجسته ترین این سازمانها :

۱ــ جمعیت پیك سعادت دررشت (۱۳۰۱) بود که بوسیلهٔ عده ای اززنان روشنفکررشت بوجود آمده بود· این جمعیت بوسیلهٔ نمایشات وتاسیس مدرسهٔ دخترانه وانتشارمجلهٔ پیك سعادت خدمات شایسته ای به تنویرافکارزنان استان گیلان نمود ·

۲ــ درتهران (۱۳۰۵) جمعیتی بنام جمعیت بیداری نسوان تشکیل شد · این جمعیت دست بفعالیت وسیعی زد· باتاسیس قرائت خانه وکلاسهای اکابرعده ای اززنان روشنفکرابدورخود متشکل ساخت و باداد ن نمایشات ویژه برای زنان (درآنموقع زنان حق رفتن به تئاتروسینمارا نداشتند ،حتی اجازه نداشتند بامردی اگربرادریاشوهرو یاپدرشان هم بود دریك درشکه بنشینند ویادرکوچه باتفاق او راه بروند ، زیراپلیس فورا آنهاراجلب میکرد) درآگاهی خواهران محروم خود بحقوق حقه شان کمك فراوانی نمود· همچنین درروز ورود پادشاه افغانستان امیرامان اله خان که بازن مسلمانش بدون حجاب بتهران وارد شد دست بتظاهرات خیابانی زده وحتی قصد داشتند ازاو درنمایشی که بمناسبت هشتم مارس(دخترقربانی) درسالن تئاترزردشتیان برپابود، دعوت بعمل آورند ولی رئیس شهربانی وقت مانع گردید·

درسالهای بعد ازجنگ بین المللی اول حکومت اتحاد شوروی تشکیل گردید و روز بروز تحکیم مییافت. این حکومت در همان ابتدا ای تاسیس ازتمام مزایای استعماری حکومت سابق روسیه تزاری در ایران صرفنظر کرد.

ارتجاع داخلی ایران واستعمارگران بین المللی سخت بوحشت افتادند وبرای انسداد نفوذ مرام کمونیستی بداخل ایران حکومت دست نشانده پهلوی رابسرکار آوردند. حکومت پهلوی که در آغاز نقاب دموکراسی ملی بچهره زده بود پس ازتحکیم پایه های دیکتاتوری نقاب راازچهره برانداخت وکلیهٔ سازمانها و احزاب آزادیخواه وهمچنین جمعیتهای مترقی زنان رامنحل ومانع فعالیت آنها شد ولی نقشی که این سازمانها ایفا کرده بودند اثرات عمیق خود راباقی گذارد.

همین اثرات عمیق مبارزات زنان ایران بالاخره شاه دیکتاتور رابویژه پس ازمسافرت بترکیه و دیدن آزادیهای زنان ترک مجبورساخت که در سال ۱۳۱٤ (۱۱۳۵) دستور [illegible] حجاب رابدهد و بدین وسیله آبی روی آتش نهضت واقعی زنان که در زیرخاکستر حکومت دیکتاتوری مخفی شده بود بپاشد. اومیخواست بابرداشتن چادر واجازهٔ خدمت در ادارات وورود بمدارس عالی از بسط ونفوذ نهضتهای دموکراتیک جلوگیری بعمل آورد. بهمین قصد طبق دستوراو وتحت نظروزیرفرهنگ وقت کانون بانوان تشکیل شد که هیئت مدیرهٔ آن ازیکعده مدیرهٔ دبستان ودبیرستان و بازرسان زن وزارت فرهنگ انتصاب گردیدند. فعالیت مهم این کانون تشکیل جلسات سخنرانی ونمایشات درحضور دختران شاه وعده ای ازطبقات بالای اجتماع و وزیر و سرلشگروکارمندان عالیرتبه ووکلای مجلس بابانوانشان بود که آنهارا عادت به بی چادری وحضور درجلسات بامردان بدهند.

بعلاوه رضاشاه بابرداشتن چادر میخواست کارگرکم مزد برای کارخانجات متعدد نساجی خود تهیه نماید (چالوس و بهشهروغیره). ولی بهرجهت باید متذکرشد که رفع حجاب نقطهٔ تحول مهمی در زندگی اجتماعی واقتصادی زنان ایرانی بشمارمیرود.

دراین تاریخ (۱۳۱٤ = ۱۹۳۵) نقش زنان بطورمحسوس در زندگی اجتماعی واقتصادی کشورما شروع گردید. درهای مدارس عالی برویشان بازشد، بادارات وموسسات وکارخانجات راه یافتند و بویژه در کارهای تولیدی (کارخانجات چالوس- بهشهر- اصفهان - کرمان وغیره) بعنوان کارگرارزان از وجود آنان استفاده میگردید.

باشروع جنگ جهانی دوم وورود متفقین بایران دیکتاتور ایران فراررابرقرارترجیح داد ومرتبه ازآزادیهای نسبی برقرارگردید. احزاب سیاسی تشکیل وفعالیت آغازکردند. دراین موقع حزب تودهٔ ایران که ادامه دهندهٔ راه حزب کمونیست ایران بود تشکیل گردید وامکان فعالیت آشکاربدست آورد. برای اولین بار فراکسیون پارلمانی این حزب درمجلس شورای ملی دور ۱٤ پیشنهاد دادن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بزنان رابمجلس داد. البته این پیشنهاد درکمیسیونها مدفون گردید.

تحت فشارواعمال نفوذ حزب تودهٔ ایران واتحادیه های کارگری بود که برای اولین بار در ایران قانون کارتصویب رسید. گرچه کاملا وهمه جا بویژه دربارهٔ زنان بموقع اجرا گذارده نمیشود ولی تغییرات مهمی در وضع زنان کارگرایجاد نمود.

دراین مرحله که عدهٔ نسبتا زیادی اززنان شهرنشین دارای تحصیلات متوسطه وعدهٔ قابل ملاحظهٔ دارای تحصیلات عالی شده بودند وحتی عده ای بکشورهای خارج رفته وموفقیتهای زنان دنیارا دراه بدست آوردن حقوق سیاسی واجتماعی ازنزدیک دیده بودند شروع بفعالیت دربین زنان نمودند وسازمانهائی تشکیل دادند وبعلاوه زنان مترقی دراحزاب مترقی که پیشروی مبارزات ملت ایران بودند شرکت جستند وهمگام با برادران مبارز خود برای بدست آوردن آرمانهای ملی وآزادی ودموکراسی واقعی وصلح پایدار ازهیچگونه فداکاری دریغ نورزیدند.

زنان مترقی ایران علاوه برفعالیت درصفوف احزاب دموکراتیک واتحادیه های کارگری، خود نیز سازمانهای ویژه ای تشکیل دادند (تشکیلات زنان واتحادیهٔ بانوان زحمتکش و غیره) که پس ازمدتی بهم پیوسته وبنام تشکیلات دموکراتیک زنان قدمهای موثری درراه بیداری وتنویرافکارزنان ایران برداشت. از کارهای برجستهٔ این سازمان انتشارمجلهٔ "بیداری ما" وتاسیس کلاسهای اکابروتشکیل کنفرانسها ومجالس سخنرانی و برگذاری روزهشتم ماه مارس روز بین المللی زنان زحمتکش وافتتاح شعبات سازمان در اغلب شهرهای دیگرایران وپذیرفتن عضویت فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان ازهمان اوان تشکیل این سازمان

بین المللی عظیم بود. تشکیلات دموکراتیک زنان در کنگره ها و شوراها و فعالیت های فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان و در مبارزه ای که در راه صلح و آزادی زنان و استقلال ملی انجام میگرفت شرکت فعال داشت.

پس از واقعهٔ بهمن ۱۳۲۷ سازمان دیگری بنام سازمان زنان بوجود آمد. این سازمان در اغلب شهرهای ایران مانند رشت، تبریز، اصفهان، آبادان، قزوین وغیره شعباتی دایر نمود و در سال ۱۳۳۲ اولین کنگرهٔ زنان ایران را تشکیل داد. در این کنگره قریب ۳۰۰ زن از غالب شهرستانهای ایران شرکت جسته و نمایندگانی برای شرکت در کنگرهٔ جهانی زنان که در کپنهاک تشکیل میگردید انتخاب نمودند و قطعنامه هائی صادر کردند که درجهٔ رشد فکری و مصمم بودن آنها را در راه مبارزه برای آزادی همه جانبهٔ زنان بخوبی نمایان میساخت. روزنامهٔ جهان زنان ارگان رسمی این جمعیت تا کودتای منحوس شاه و زاهدی مرتبا منتشر میشد و در راه سازمان دادن و آگاهی زنان ایران رل مهمی را انجام میداد. پس از سقوط حکومت دکتر مصدق و کودتای ننگین شاه و زاهدی این سازمان نیز همانند همهٔ سازمانهای دموکراتیک دیگر تحت تعقیب شدید پلیس قرار گرفت و امکان کار متشکل علنی بکلی از بین رفت.

ولی زنان مترقی ایران بهیچوجه دست از مبارزه برنداشته اند و از کلیه سازمانهای موجود استفاده کرده و ، مبارزهٔ صحیح را بزنان مبارز ایران نشان میدهند.

در همین فاصلهٔ زمانی سازمانهای دیگری از زنان روشنفکر مانند شورای زنان و انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران تشکیل گردید و کم و بیش فعالیتهائی مینمودند ولی با بوجود آمدن حکومت ترور و اختناق امکان فعالیت صنفی و سیاسی نیز از آنها گرفته شد و فقط بکارهای خیریه میپرداختند.

<u>تغییراتی که در زندگی اقتصادی و اجتماعی زن</u>
<u>در جامعهٔ کنونی ایران بوجود آمده است</u>

۱ـ در امر تولید ـ شرکت زنان در تولید و کار اجتماعی رو بتوسعه است. در کارخانجات تهران و شهرستانها قریب ۱۸۰ هزار کارگر زن کار میکنند (خواندنیها، شماره ۵۱، سال ۱۳۴۱). گرچه هیچگونه مانع قانونی برای ورود زنان در کارخانه ها وجود ندارد ولی عملا فقط در کارخانجات پارچه بافی و نخریسی و قالی بافی و رنگرزی و دخانیات و امثالهم بآنها کار داده میشود آنهم کارهای پرزحمت و غیرتخصصی مانند پنبه و کتیرا پاک کردن، برگ توتون طبقه بندی نمودن وغیره.

طبق قانون کار:

الف ـ در مقابل کار مساوی با مرد باید مزد مساوی بزن داده شود ولی عملا اجرا نمیگردد و زنان کارگر بمراتب از مردان کارگر کمتر مزد دریافت میدارند.

ب ـ یکماه مرخصی قبل و یکماه بعد از زایمان با استفاده از حقوق باید بزن کارگر باردار داده شود. ولی این مادّه در کمتر کارخانه ای بموقع اجرا گذارده میشود و بعلاوه نه فقط زن باردار را بکار نمی‌پذیرند بلکه اگر صاحب کار بفهمد که زن کارگری حامله شده است او را از کار اخراج مینماید و بهمین علت زنان کارگر تا آخرین روز بارداری تا حدی که بتوانند بارداری خود را مخفی نگه میدارند.

ج ـ باوجود تعیین مدت کار در روز ۸ ساعت (طبق قانون کار) هنوز کار ده الی چهارده ساعته در روز در کارگاههای قالیبافی حتی برای دختران ۵ و ۶ ساله امری عادی است.

۲ـ وضع زنان در دهات و ایلات متأسفانه بدون کوچکترین تغییری کمافی السابق باقی است. حتی در تعداد مختصری از دهات ایران که مدرسهٔ روستائی چهارکلاسه تأسیس شده است دختران روستائی از حق تحصیل محرومند و بجرئت میتوان گفت زنان روستائی و ایلاتی که اکثریت زنان ایران هستند بکلی بیسواد و خرافاتی و در جهل کامل بسر میبرند. طبق آمار غیررسمی پنج ملیون زن دهقان در مزارع کار میکنند و هیچگونه قانونی از حق آنها دفاع نمیکند. (خواندنیها، شماره ۵۲، سال ۱۳۴۱، صفحه ۵).

۳ـ در ادارات دولتی مانند وزارتخانه ها و دبیرستانها و دبستانها و بیمارستانها و دانشگاه عدهٔ نسبتا معتنابهی زن بسمت کارمند، دبیر، آموزگار، پزشک، قابله، پرستار، بازرس، و تعداد انگشت شماری دانشیار دانشگاه مشغول کارند.

در صورتیکه قریب ۲۷ سال است که زنان در ادارات و موسسات دولتی فعالیت میکنند تا بحال هیچیک

ازآنها بوزارت وسفارت و استانداری و مدیرکلی ومعاونت وزارتخانه ها ارتقاء نیافته اند درحالیکه بیش از ۸۰ زن دارای پایه های اداری ۷ تا ۹ وجمعی هم پایه دبیری ۱۰ وعده کمی هم پایه دانشیاری و پزشک یکمی هستند (خواندنیها ، شماره ۴۸ ، ۱۴ اسفند ۱۳۴۱ – ازمجله دنیا) آنها را همیشه درکارهای درجه دوم نگاه میدارند. درصورتیکه ازنظر معلومات واستعداد کار واداره امورنه فقط ازهمکاران مرد خود عقب نیستند بلکه اکثرا درسطح بالاتری قرارگرفته اند وهروقت تصمیم بکم کردن عده ای کارمند و یا کارگرگرفته میشود اول شامل حال زنها میشود ، بدون درنظرگرفتن وضع اقتصادی آنها .

۴– درامر تحصیل واحراز تخصص ، انهم درشهرها نسبتا محیط مناسبتروعدم تساوی کمتر بچشم میخورد. دختران شهری حق ورود بتمام مدارس عالی (غیرازدانشکده و دانشگاه نظامی) دارند منتهی در قسمتی از کارها هنوز بانها اجازه فعالیت داده نمیشود. مثلا عده ای از زنان که دررشته حقوق سیاسی واجتماعی بدریافت لیسانس ویا دکترا موفق گشته اند هنوز در وزارتخانه های مربوطه (دادگستری وخارجه) برویشان بسته است .

۵– دررشته حقوق خانوادگی – متاسفانه باید گفته شود که دراین قسمت هنوز هیچگونه تغییری رخ نداده است وتمام شرائط جامعه فئودالی سابق برقرار است .

درست است که عده ای معدود ازاولیاء روشنفکر آنهم درشهرها تاحدی عقیده دختر را در اختیار همسر مراعات ومورد نظر قرار میدهند ولی بطورعموم هنوز ازدواج همان صورت معامله وخرید وفروش را دارد. بویژه نظر دختر اید امعتبر نیست وتوجه کمتری بان میشود. او باید کورکورانه مطیع اوامر پدر ویا برادر و سپس شوهر باشد و ازنظر اقتصادی زن کاملا هنوز محتاج بمرد است .

زن ایرانی ازحق مادری و حق طلاق وحقوق دیگر خانوادگی محروم است ودرمقابل مطلق العنانی مرد هیچ قانونی ازاو حمایت نمی نماید . مرد حتی حق کشتن افراد ارد واجتماع ازاین امر چندان براشفته نمیشود . نمونه ای بارز:

"رضا موسوی از ربایجانی برای اینکه زنش بدون اجازه او بعروسی رفته بود جلوی چشم فرزند پنج ساله اش اورا به تنور انداخت وزنده سوزاند" (روزنامه کیهان ، ۱۲ شهریور ۱۳۴۰) .

تصورمیکنید قانون با این قاتل جانی چه کرد فقط وفقط به ده سال زندان محکوم گردید. درمقابل این جنایت وحشتناک کوچکترین صدائی برنخاست وکمترین اعتراضی ابراز نگردید .

دستگاه تبلیغاتی شاه و روزنامه های مزدور معلوم الحال دراین اواخر دراطراف ازادی زنان بیش ازحد قلمفرسائی مینمایند وکار را بجائی رسانده اند که انرا عطیه ملوکانه مینامند .

دولت دست نشانده نیز با تصویب قانون جدید انتخابات گویا با شرکت بانوان درانتخابات غیرمعلوماتی موافقت کرده است . درکشوری که سالیان متمادی است مردانش ازحق انتخاب کردن وانتخاب شدن محرومند ودوسال است که شاه دیکتاتور مستبد رسما مشروطیت را تعطیل کرده است، باشرایط موجود ، عدم ازادیهای دموکراتیک واختناق عمومی ، حبس وتبعید واعدام ازادیخواهان وعدم امکان فعالیت سیاسی احزاب وسازمانهای ملی دادن حق انتخاب کردن وانتخاب شدن بزنان بشکل عطیه شاهانه و یا تصویبنامه دولت دست نشانده بسی مسخره آمیز است . قضیه چقدر شورش درآمد که حتی مجله خواندنیها (شماره ۳۲ ، ۱۸ دیماه ۱۳۴۱) درمقاله بدون رتوش مینویسد :

" روزیکه برای اولین باراین موضوع مطرح شد (موضوع قائل شدن حق انتخاب برای بانوان ولایحه کذا وکذا) وازان پس هروقت بیاد ان میفتم ازسادگی وزود باوری دوطرف (بانوان ومخالفان) خنده ام میگیرد ".

واقعا که خندیدن منتهی خنده دردناک دارد. باموجود بودن قانون مدنی ومحرومیتهائی که این قانون فرعی (فرع برقانون اساسی) برای زن ایرانی بوجود اورده است ، ازادی زنان جز خواب و خیال چیزی نیست . برفرض که چند نفرزن نیز بنمایندگی "انتخاب " ویا انتصاب بشوند. آیا این چند نفرزن که حتما اززنان طبقات حاکمه و مورد اعتماد دربار خواهند بود قادر بتغییر قانون مدنی خواهند بود ؟ البته جواب منفی است .

آزادی زن درایران هنوز درمراحل اولیه است. زنان مترقی ایران میباید همراه و همگام با مبارزات

عمومی مردم ما بخاطر دموکراسی و آزادی واقعی پیگیرانه مبارزه نمایند.

در حال حاضر قریب بیست و اندی سازمان مختلف زنان در ایران بوجود آمده است. گرچه عده ای از آنها فقط منحصر به هیئت موءسس و با هیئت مدیره است و فعالیت سیاسی و یا اجتماعی قابل ملاحظه ای ندارند ولی عده ای از آنها نیز جمعیت نسبتاً معتنابهی از زنان و دختران جوان را متشکل کرده و ظاهرا بکارهای فرهنگی میپردازند ولی مقصد اصلی انحراف افکار زنان و دختران تحصیلکرده از راه مبارزهٔ صحیح برای بدست آوردن حقوق حقهٔ خود و سرگرم کردن آنها به آشپزی و خیاطی و گل درست کنی و رقص و آواز است.

بین این سازمانها سازمانهائی نیز وجود دارد که نسبتاً مترقی و فعالیتشان برای تغییرات اساسی در قوانین مدنی است. متأسفانه در این سازمانها عدهٔ معدودی از زنان تحصیلکرده گرد هم آمده اند و توجهی بتوده های وسیع زنان نداشته و بهمین جهت فقط چشمشان بدست شاه و دولت اوست.

باوجود این، هیئت حاکمه بویژه دربار که از وجود این همه سازمان و فعالیت کم و بیش آنها بیمناک شده است برای جلوگیری از افکار مترقی و کنترل آنها شورائی از نمایندگان این سازمانها تحت ریاست خواهر شاه (اشرف) تشکیل داده است تا از پیدایش هرگونه فکر مترقی در میان زنها جلوگیری نموده و در نطفه آنرا خفه نماید.

زنان مترقی و آزادیخواه ایران بخوبی میدانند که رژیم شاه بزرگترین دشمن خلق ایران و از آنجمله زنان ایران است و این وعده و وعیدها برای پایدار نگاهداشتن تاج و تخت منحوس و سلطنت نامیمون خود اوست. آنها میدانند که مبارزهٔ زنان نمیتواند تنها در کادر مبارزهٔ صنفی محدود بماند. این مبارزه تنها زمانی که با مبارزهٔ همگانی خلق ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع درآمیزد به پیروزی نهائی یعنی سرنگونی رژیم کنونی منتهی میگردد و میتواند موجبات موفقیت خود را فراهم سازد.

عالیه مرامی

سخنانی چند در باره زنان

> " در کمیسیونی که من در آن شرکت داشتم بحثهایی اندازه ... ن وزنده بود ند . ما کوشش میکردیم که راهی پیدا کنیم تا بیماریهائی راکه اجتماع ما بآنها مبتلا است درمان نمائیم ومیدانیم که این وظیفه بسیار دشواری است وبه این مناسبت باید نیروی زنها ، نیروی دموکراتیک ونیروهای صلح رابرای این هدف بسیج نمائیم وتصمیمات ایسن گرد همآئی راعملی سازیم . این کنفرانس آغاز راهی است که ما باید آنرا طی نمائیم والبته کار آسانی هم نیست واین وظیفه همه زنان وهمه نیروهای دموکراتیک است " .
>
> درباره کنگره بین المللی زنان درسال زن : ژان مارتین سیسه از جمهوری گینه ورئیس کمیسیون آنتی آپارتئید سازمان ملل

ظریفی چنین گفت :

" سال زن هم که گذشت ، شما هم که به همه آرزوهایتان رسیدید وره هزارها ساله را در طی یك سال طی نمودید ، در همه جا سخن از شما بود ، جلسات برپا شد ودر سراسر دنیا به نام زن وبرای او روزها نشستند وگفتند وبرخاستند ! اکنون با آسودگی شما زنان ایرانی میتوانید بروید ، در خانه خسود بمانید ، از بچه ها پرستاری کنید وشوهر را خدمت نمائید ، فرمانبردار باشید وخوشرو آماده خدمــتو گذشت ، بار خانواده رابکشید ودر کنار فروشگاهها ساعات زیاد بایستید ، تا لقمه نانی به دست آوریــد به دنبال دارو وپزشك بدوید ، هشت راگرو نه بگذارید ، نه خواب داشته باشید نه آرام ودر انتظار باشید که غیر از این کارها که شما را در اوان جوانی پیر میکند ده دوازده ساعت هم در روز یا به جاروکشی در خیابانها یا بعلف هرزکندن در دشتها ویا پای دار قالی ودستگاه پارچه بافی کارخانه ها بنشینید ویا ساده تر بمنخ ریسی یا دوك بپردازید وبدانید که چنین گفته اند وچنین خواسته اند ، سال زن را در بهشت سرگذاشتید واکنون سالهای زیاد مانند گذشته در پیش دارید اگر خود نخواهید که بفهمیــد وبدانید ، راست است که " ابروباد ومه وخورشید وفلك درکارند تا تونانی به کف آری . . . واما ازیــاد برده اند که بگویند بی زحمت ورنج تو نه ازدست ابر کاری ساخته است ونه فلك میتواند باری از روی دوشت برآورد ونه باد گرده نانی در روی سفره تو خواهد گذاشت ! . . " .

آیا همه این گفته ها طنز بود ویا حقیقت تلخ زندگی زنان ایران باز گو میشد ؟

درست است در سال زن دنیائی به حرکت درآمد از سازمان ملل گرفته تا عقب مانده تریــن کشورها ومرتجع ترین دولتها این سال رابرپا داشتند ، عده زیادی با شور وهیجان آنرا استقبــال نمودند وعده ای به اجبار وبرای تظاهر وهمین اینها هم ناگزیر شدند که از حق زن بگویند وبرای او برابری با مرد بخواهند وبپذیرند که از صلح جهانی هدف عالی سال زن دفاع نمایند .

پس از کنفرانس مکزیکو کنگره بین المللی زنان در برلن پایتخت جمهوری دموکراتیك آلمان نشان

د هنده اوج وعظمت این سال ونیروی زنان بود . چه‌خوب است که اظهارنظری چند د راین بـاره نقل شود :

فرد ابراون رئیسرفد راسیون بین المللی زنان چنین‌نظرمید هد :

" کنگره ماکه د رپایتخت آلمان د موکراتیك برپاگرد ید پیش آمد ی است تاریخی مشورت همگانی د ربرلن قشرهای وسیعی ازنیروهای پیشرفتاد ه اجتماع سراسرد نیا وزنان همگیتی راد ربرگرفت وبه مبارزه مابرای برابری ، پیشرفت اجتماعی وصلح نیروی تازه ای بخشید وآنچه که بسیارمهم اســـت همکاری همگانی است " .

" مای سایق " عضوشورای جبهه آزاد یبخش فلسطین اظهارمید ارد :

" ماامروزبرمیگرد یم بااین اطمینان قاطع کمرد م ما د رجهان تنها نیستند ، ماپس ازاینکه د راین کنگره همد رد ی ، محبت وپشتیبانی زنان ازسراسرجهان رانسبت به مبارزه مان حس کرد یم به کـار خود بیش ازپیش اطمینان پید انمود ه ایم واین خود د رمبارزه انقلابی مابرای یك آتیه سعاد تمنـد همه مرد م فلسطین بما نیروی تازه وامید زیاد ی بخشید ه است " .

کانونیکوس ریموند گور (Kanonikus Raymond Goor) د بیرکمیته بروکسلی برای امنیت وهمکاری د راروپا نظرمید هد :

" من به عنوان مرد ومرد بی زنی کههنوزماد رش ازاوپرستاری مینماید انتظارد اشتم که د راین کنگره حسن اراد ه فراوان بهچشم بخورد ، البته اثراتی از فمینیسم (Feminisme) اینجاوآنجا پد یدآید وعلاوه براین تظاهرات احساساتی هم د ید ه شود واماهرگزنمیپند اشتم کهتااین اندازه گفتگوها ونظریات جد ی باشند وتااین اندازه د رجه فهم سیاسی بالا وانتقاد ربید اری وتوجه زیاد باشد وحسن نیست وآگاهی وعشق به ایدآل بزرگ صلح ، حق برای استقلال وبرابری ملل وهمکاری بین المللی تااین حد د رسطحی عالی قرارگرفته باشد " .

اینها است آنچه راکههمنمایند گان باخود به ارمغان برد ند ومیتوان گفت کههمه زنها وهمــه هیئت های نمایند گی مانند کانونیکوس ریموند ازاین سطح آگاهی بالا ، ازاین بید اری وآماد گـــی زنان همهکشورهای جهان د رآغازمتعجب واماپس ازآن بیش ازپیش بهموفقیت مبارزه ای که د رپیـــش د ارند امید وارشد ند وهمه بانیروی بیشتروامید زیاد به همکاری زنان د رسطح بین المللی مانـــند نمایند ه فلسطین بهکشورهای خود برگشتند .

این سال د رواقع آغازکارتازه ونوئی ونقطهعطفی د رمبارزات زنان گرد ید نهتنها مبارزه زنـــان د رسطح کشورهابرای گرفتن حق ، که گذ شته طولانی وبسیاربا ارزش د ارد ، بلکه مبارزه زنان د رسطح بین المللی ود رراه آرمانهای همگانی .

اکنون چه خوب است باآنچه که د رایران پس ازاین سال میگذ رد آشنا شویم :

د رایران هم ازاین سال وتصمیمات سازمان ملل وکنفرانس بین المللی زنان د رمکزیکوبسیــــار گفتند ونوشتند وهمهتصمیمات راهم پذ یرفته اند واعلام کرد ند ، باخط برجسته نوشتند وبلند ترفریـــاد برآورد ند کهزن د رایران ازهمهحقوق ومزایا برخورد اراست وتفاوتی میان مرد وزن د ست کم ازنقطهنظر قانونی وجود ند ارد اگرچنین میبود انقلابی بسیاربزرگ د رد ورانی بسیارکوتاه رخ د اد ه است .

سخنرانیهای نمایند گان د ولت امروزی ایران د ربعضی ازجلسات بین المللی به اند ازه ای رســـا وازلحاظ محتوی " خوب " بود که هرخوانند ه ای رابه شگفتی وامید اشت اگرنمید انست کهچهکسانـی نوشته اند وچهکسانی آنهارامیخوانند بوئی ازگفتههای پیشروان جنبش های مترقی ازآنها برمیخاست چون برای نشان د اد ن د موکراسی ود فاع ازحق نمیتوان بد ون الهام گرفتن ازاین بزرگان سخـــن باارزش گفت .

راست است برای خود نمائی کردن وتظاهر به حق زنان در بعضی ازسازمانهاد رایران عده ای زن هم در ستاند رکارمیباشند اما تعداد بسیارکم آنها نشان دهنده این است که این زنها راتنها برای صحنه سازی بمیدان آورده اند و طرزانتخاب آنها بهاندازه ای باخود سری وریا آمیخته است که برهیچکس هدف ظاهرسازی پوشیده نمیماند .

تعداد کمی اززنان سرسپرده وشناخته شده دستگاه حاکمه ایران در مجلسین سنا و شورا نشسته اند وهمه اینها وابسته به یك طبقه هستند هرچند سال یکباریك زن راهم بعنام وزیرمعرفی مینمایند وبااینکه چند معاون وزیرهم بازاز همان قماش وهمان طبقه در ستاند رکارمیشوند واخیراهم گویا به تقلید ازامریکا دست به کاری بسیارمضحك وزننده ای زده اند زنهای استانداران به عنوان مشاوران آنها منصوب شده اند . مشاوردرچه امری ودرچه کاری ؟ روشن نیست آیا این زنها ازنقطه نظرمعلومات ، سابقه ، تجربه میتوانند ازعهده کاری که بازندگی مردم سروکار دارد برآیند ؟ این پرسشها مطرح نیست تنها زن استاندار بودن همه معلومات رابا خود همراه دارد اشرف خواهر شاه ومسئول سازمان زنان ایران که درسال زن درهمه جاداد سخن داد وازززن ایرانی وبرابری به دست آمده سخن گفت ، ودرمگزیکوهمه تصمیمات این کنفرانس بین المللی زنان رابه نام دولت وزنان ایران پذیرفت درآخرین مصاحبه خود چنین میگوید : (۱)

" یکی ازموانع دوام زندگی زناشوئی مشکلات اقتصادی درخانواده است ، اکنون که زن می تواند چند ساعتی درروزکارکند هم احساس مسئولیت بیشترمیکند وهم دربالا بردن سطح زندگی خانوادگی شریك میشود . . . همانطورکه دراکثرممالك پیشرفته دنیامی بینیم که زن هم درخارج کار می کند ، هم سرگرم کارمنزل است وآشپزی میکند ، بنابراین زن ایرانی حتی افریقائی هم میتواند همانطور باشد خصوصا باتحولات اخیری که درزندگی زن درایران به وجود آمده است ، مادر امروزی باکارکردن چند ساعت درروزلطمه ای به مسئولیتهای خانوادگی نمیزند ، البته مشکل فقط یکی دوسال اول است که فرزندی به دنیامیآید " .

برنامه زندگی زنان ایران دراین چند جمله اعلام شده است وچه بجااست اگرچند پرسش درباره این برنامه اینجا مطرح شود :

اول ــ این چند ساعتی که زن باید کارکند وبارها دراین مصاحبه ازآن سخن رفته چه عددروشنی دارد کلمه چند ازده وتابیست ساعت رامثلا دربرمیگیرد ، آیا منظوراین است که بمناسبت کارزیاد ودشوارخانه وباتسهیلاتی که امروزدرایران برای زن قائل شده اند اومیتواند بامزد مساوی ساعات کمتری راکاربکند وآیا هدف این است که زن دست کم هشت ساعت خارج ازخانه کارکند ؟ وآیا منظور این است (بازبادرنظرگرفتن مزایای امروزی برای زن به قول اشرف) که این کاردرچند قدمی خانه است وبرای زن اشکالی بوجود نمیآورد ؟

دراینجا باید یادآورشد که همیشه تاآنجاکه تاریخ نشان میدهد بارسنگین کار دردهات وایلات وکارگاههای قالی بافی وپارچه بافی برروی دوش زنان ودختران بوده وهست ورفاهی هم بمعنای واقعی آن برای خانواده شان بوجود نیاورده است ودراین دهها سال اخیرزنان بسیاری رو به کارخانه هارفته اند وبازرفاهی درزندگی آنان بچشم نمیخورد .

۲ ــ درگفته های اشرف اشاره ای بمدرآمد ومزد زن نمیشود . آیا این بدان معنی است که زن مزد مساوی بامرد خواهد داشت ؟ امازندگی امروزی عکس آنرانشان میدهد درهرجاکه زن کاری راانجام میدهد چه درکارخانه وچه درمزارع نصف مزد مرد وگاه کمتررا میگیرد وبازدراین گفته ها اشاره ای به نوع

---

۱ ــ نقل ازروزنامه کیهان ، شماره ۹۷۸۷ ، پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۴ .

کارکه زن باید انجام دهد نیست وچه برنامه ای در برابر او است چه کاری برای او آماده شده که از هر جهت زندگی ورفاه خانوادگی او را تضمین نماید وخود او را تا چه اندازه برای کارونمایندگی آماده نموده اند؟

۳ ـ خیلی ساده گفته میشود که زن پس از کار مانند خیلی از زنهای دیگر نمیتواند وباید به کار خانه برسد وبچه داری بکند. البته در اینجا از چرای این قاطعیت این حکم چشم پوشیده میشود. تنها پرسش این است، که آیا امکاناتی برای تسهیل این کار دشوار در اختیار زن ومادر خانواده گذاشته شده است؟ آیا خانه وزندگی او آنگونه ساخته وپرداخته شده که بتواند از وسایل امروزی در امر خانه داری استفاده نماید؟ ویا گفته نشده است که برای خرید وتهیه خوراک این زن چند ساعت پس از کار سنگین باید در صف بایستد تا شاید نان وگوشتی به دست آورد، گفته نمیشود که در طی روز بچه های این خانواده کجا خواهند بود وکه آنها را سرپرستی خواهد کرد؟ تنها بزرگوارانه توجه میدهند که اشکال کار در یکی دو سال اولی است که نوزادی پیدا میشود، وبرای رفع این اشکال چه در نظر گرفته شد معلوم نیست آیا زن باید شیرخوار را آنگونه که هنوز در کشور ما دیده میشود به پشت ببندد وبا خود به مزرعه وکارخانه ببرد ودر طی کار او را در سطلی جا دهد! دهها سال است که صدای لنین در سراسر دنیا طنین انداخته وهر روز بر نیرومندی این صدا واثرات آن افزوده میشود. کشورهای زیادی دستور او را اجرا کرده ومیکنند. لنین است که به کارخانه وآشپزی لعنت میفرستد واین زنجیر واین کار را وسیله تحمیق زن میداند واو است که فریاد میکشد: زن را از کار خانه وبچه داری باید نجات داد تا او هم بتواند همچون انسانی زندگی نماید وعضو برازنده جامعه بشود. وبرای رسیدن به این هدف از همه نیروهای مترقی خواسته است که کوشش نمایند تا بار زن را سبک نمایند وبا ایجاد شیرخوارگاهها، کودکستانها، توسعه شبکه خدمات اجتماعی، غذاخوریها بتوان زن را از این تحمیق کننده خانه داری نجات داد.

اما در ایران امروزی پس از ۵۸ سال که از انقلاب بزرگ اکتبر میگذرد در ایران بزرگوارانه بردگی زن را تایید مینمایند وبا استثمار او در کار خارج از خانه هر امیدی را به شکوفان شدن به ترقی کردن از او میگیرند واو را با زور روانه آشپزخانه میکنند.

اشرف عقیده خود را در باره زن چنین میگوید:

«زن ایده آل در جامعه ایران مادری فداکار برای فرزندان، همسری وفادار برای شوهر وعضوی سازنده وفعال برای اجتماع است» معلوم نیست در کدام اجتماع ودر خود ایران مادر برای فرزندانش فداکار نبوده ویا با همسر خود تا روزی که با او است نساخته؟ اما یک چیز را میتوان گفت که زن آنگاه میتواند عضوی سازنده وفعال برای اجتماع باشد که این اجتماع هم به نوبه خود همه امکانات را در اختیار او بگذارد از تحصیل گرفته تا متخصص شدن، از آزاد بودن وبرابری با مرد تا مادری که اطمینان دارد که زندگی خود وبچه هایش بازیچه دست هر مامور ساواک نیست وآنچه که همه از ایران میدانند وآنچه از گفته های خود اشرف بر میآید در ایران چنین امکاناتی نیست واقدام لازم وموثر هم در این باره نمیشود.

در جای دیگر این مصاحبه اشرف میگوید:

نکته ای که باید به آن اشاره کنم این است که این پیشرفت (منظور پیشرفت زنان) شامل قشر زبده زنان ایران است» ودر پایان اضافه مینماید: متاسفانه بعضی از خانمها پیشرفت را در شیک پوشی آرایشگاه رفتن وشب زنده داری کردن وولخرجی میدانند، چقدر باید او از زندگی مردم وخود مردم دور باشد که چنین اظهاراتی بنماید، اگر آن قشر زبده (که در خود این کلمه در این مورد حرف است ودر باره آن میتوان صفحه ها نوشت) توانسته اند پیشرفت کنند برای این است که همه وابسته به خانواده های ثروتمند میباشند وتوانسته اند به مقاماتی برسند، اما گروه کثیر آموزگاران وفرهنگیان زن، با گرفتاریهای زیادی که از لحاظ خانوادگی وکار دارند وکارمندان ادارات که از قشر متوسط ایران برخاسته اند چه

چیزی به دست آورده اند وبه‌کجا رسیده اند کدام مقامی را دارند وچه‌عایدی ؟

شاید کمترقشری از روشنفکران بمانداز ه آموزگاران وحتی دبیران بخصوص زنان گرفتار باشند کار زیاد نبودن امکان برای پیشرفت عدم اطمینان به‌زندگی اینهااست آنچه که نصیب این قشر شده است آن زندگان که اشرف از آن میگوید یا به‌کلام دیگر مفتخواران محدود هستند وهیچیك از آنها نیاز ملد به‌کارکردن نیستند آنها بعضی مشاغل راکه تنها برای خود نمائی است پذیرفته اند چه‌کمانی غیر از اینها شیك پوش وولخرج هستند آیا آموزگاروکارمند دولت پس از هشت ساعت کاروپس از بچه داری وخانه داری نیروی آنرا دارد که شب زنده داری بکند ؟ اشرف زندگی زنان دورادورخود ودوستان خود را نمونه‌زندگی زن ایرانی میداند واماجای شگفتی است که اوشب زنده داری وولخرجی راتقبیح مینماید هنگامی که‌خود اوتنها در قمارخانه‌های فرانسه میلیونها فرانك میبازد .

قیافه دیگری‌هم دراین روزها درایران‌خود نمائی میکند همراه بیکاراشرف وپس از او مسئول سازمان زنان ودبیر این سازمان وبهتر است گفته شود بلند گوی اشرف اوهم درمصاحبه ای پس ازچند توضیح واظهارنظر چنین بگوید: (۱)

" تبعیض علیه‌زنان راناشی ازساختمان غیرعادلانه وغلط طبقاتی میدانند " (در اینجا است که بوئی ازفلسفه درست اجتماعی ازگفته ها به‌مشام میرسد) پس ازآن میافزاید : نهضت آزادی زنان معتقد است برای ازبین بردن تبعیضاتی که‌علیه‌زنان وجود دارد، باید نهاد های جامعه مورد تجدید نظرقرارگیرد " این جمله چنان درپرده ای ازابهام ونارسائی پیچیده شده است که‌باید کوشش زیاد کرد تاشاید برای هرکلمه آن‌مفهومی پیدا کرد :

نهاد های جامعه یعنی چه ومنظورچیست ؟ وهدف ازتجدید نظردراین‌نهاد ها چه‌میباشد ؟

وبازاین خانم میافزاید :که نهضت زنان‌ایران تاحدود زیادی ازنظریه اخیرپیروی‌میکند ومیکوشد که ازطریق پدیدآوردن تغییرات اجتماعی واقتصادی درجامعه تبعیضات علیه‌زنان رااز بین ببرد .

این‌تغییرات چیست وبرروی چه پایه ای‌است ؟ وضع اقتصادی راچگونه میخواهند عوض‌نمایند ؟ آیانظام سرمایه داری رامیخواهند ازایران برچینند ؟ ویااینکه دست امپریالیسم راکوتاه کنند ؟ چرااز این تغییرات روشن‌ترنمیگویند هرگفته چند پهلودارد وهرکس میتواند مطابق میل خود آنراتعبیر نماید وسئوال مهمترچگونه نهضت زنان خود به‌خود دریك کشوری توانائی اینرادارد که دست بچنین کاری بزند یعنی یك انقلاب اجتماعی بنماید واین‌مهم رااز پیش پابردارد .

وبازدرهمین مصاحبه ایشان‌میگویند : " دراین راه‌نهضت زنان ایران کوشش‌خود رادر راه ایجاد یگانگی بین زنان‌کارگرخواهران‌آنهاکه به طبقه‌متوسط‌جامعه‌تعلق دارند متمرکزساخته است " ودرتشریح این‌نظریه دبیرکل سازمان زنان‌میگوید : " این‌گونه‌زنان‌علاقه چندانی به مبانی نظری وفلسفی نهضت زنان ندارند بلکه به‌مسائل عملی ازقبیل اینکه‌چگونه‌میتوانند معاش خود راتامین کنند ویاچگونه‌میتوانند خواندن ونوشتن رابیاموزند وچگونه طلاق بگیرند ویاچگونه حرفه رافراگیرند علاقه دارند !" بالاتر از هرموضوعی آنچه که دراین‌گفتار به‌چشم‌میخورد تحقیری است که این دبیرکل سازمان زنان‌نسبت به اکثریت زنان ایران دارد . اما تاریخ مبارزات درسراسر دنیا وخود ایران نشان داده است که‌زنهای مبارز زنهائی که عمیقا فلسفه اجتماعی را حس میکنند ازمیان همین‌زنان کارگروزحمتکش برخاسته اند وازیاد برده میشود که نویسنده بورژوائی بالزاك چنین‌میگفت " دیگرتنها زیرچرکین پیرهنان میهن‌دوستی وجود دارد ! " اینراد بیرسازمان‌زنان ودیگرخانمهائی که‌آرایش فراوانی میکنند ازیاد نبرند . اما بعد این پرسشها پیش میآید :

---

۱ ــ روزنامه کیهان ، ٦ آذر ۱۳٥٤ ، شماره ۹۷۲٤ .

چه مبانی نظری و چگونه فلسفه‌ای ؟ بر روی چه مبانی و چه فلسفه‌ای سازمان زنان پایه‌گذاری شده ؟ ما از نهضت زنان در ایران نمیگوئیم زیرا این دو کاملا از هم جدا هستند نهضت مردمی است ، نهضت از آن توده زنان است ، از آن همان کسانی که با زبه آشپزی و بیگاری رانده میشوند ، از آن زنانی که در زیر یکتا پیراهنشان قلبی پر از مهر به میهن دارند .

آیا منظور فلسفه ای است که مدافع وضع کنونی ایران است و همیشه میکوشد بقبولاند که اجتماع از ثروتمند و بی چیز کارفرما و برده درست شده است و یا آن فلسفه‌ای که بنیای سرمایه داری را به لرزه در آورده است که استثمار فرد از فرد را از میان میبرد و ثروت ملی را از آن همه میداند و زحمتکش و کارگر را برهبری اجتماع دعوت مینماید .

صحبت از زنان کارگر و خواهرانشان از قشر متوسط است و امروز تصمیم گرفته شده که میان آنها یگانگی ایجاد شود : این کلمه یگانگی چه معنی دارد مگر آنها با هم خصومت داشتند و در برابر یکدیگر صف آرائی کرده بودند و این یگانگی بر روی چه پایه‌ای است و چگونه به دست خواهد آمد آیا زنهای قشر متوسط را هم میخواهند از بیچارگی به زاغه‌ها و گودالها بفرستند و یا به زندگی زنان کارگر بهبودی نسبی ببخشند . روال زندگی در ایران ، گرانی روزافزون ، تمرکز ثروت در دست عده‌ای بسیار معدود شکل اول را میتواند عملی سازد و نه دومی را ، و هم اکنون زن آموزگار یا مادر خانواده‌ی یک کارمند با زن کارگر دشمنی ندارد و بلکه زندگی او را خیلی بهتر از میهنا زها درک میکند و اگر نهضت زن بمعنای واقعی آن در ایران گسترش یابد اینها با یگانگی دست اندر دست یکدیگر راه خواهند افتاد تا حق خود را به دست بیاورند .

در اینجا منصفانه باید گفت که دبیر کل سازمان زنان دنبال یگانگی همان زنان طبقه مرفه و دیگر زنان ایران نیست و اینها را خواهران خود و امثال خود نمیخواهند زهی سعادت برای زنان زحمتکش ایران در همه جا صحبت از زن کارگر است و تا اندازه ای هم بوی تملق از آن میآید زیرا امروز همه کارا و نیازمند میباشند اما چه برنامه ای برای آزاد کردن این زن در دست است مطرح نیست و چگونه از او و کار و خانواده اش پشتیبانی خواهد شد باز مطرح نمیباشد.

و این رهبران سازمان زنان در ایران که به غلط از نهضت زن ایران میگویند کاری به این کارها ندارند زیرا آن تغییر اجتماعی عمیقی که باید رخ دهد تا زن چه کارگر و چه از قشر متوسط چه دهقان و چه کارمند یا به زبان دیگر اکثریت زنان ایران به حقوق واقعی خود برسند در دست اینان نیست بلکه در دست خود شان است و همانگونه که ملل مختلف در کشورهای دیگر نشان داده اند تنها با مبارزه میتوان این حق را به دست آورد و هرگز حق را توی سینی جای نداده اند و به روی آن ترمه نیانداخته اند تا به کسی تقدیم شود .

این سازمانهای امروزی ایران با وابستگی ریشه‌ای خود به امپریالیسم تنها برای غافل کردن ، ایجاد دوگانگی و بهره برداری از کار مردم و گمراه کردن آنها به وجود آمده است .

در پایان باید گفت که بالاخره موفقیت بزرگی نصیب عده ای شده است البته در دو خط و در دو راه

۱ – دبیر سازمان زنان به مقام وزارت رسیده است بزرگترین آرزوی او ، و نتیجه سالها تبعیت نه تنها از اشرف بلکه از امپریالیسم امریکا که وزارتی که تقلیدی از دولت فرانسه است در آنجا هم وزیری را برای امور زنان در کابینه جای داده اند و کار این دو وزیر چه در فرانسه و چه در ایران روشن است ، البته با در نظر گرفتن رشد اجتماعی در فرانسه و عقب ماندگی اجتماعی در ایران : زن را همچنان در بند اسارت سرمایه داری نگاه داشتن و او را استثمار کردن ، با وضع قوانینی چند به صورت ظاهر از او دفاع کردن و در حقیقت او را وابسته‌تر نمودن .

موفقیت دیگری هم نصیب زنان ایران شده است : دختران جوان و زنان ایران با همه این سخنرانی

های خواب آوروپا همه این قوانین خوش خط وخال ولی تهی بیدارهستند ودها سال است که بمبارزه سختی دست زده اند (وگرنه کسی بیاد آنها نمی افتاد) وعده زیادی از دختران وزنان همسان مردان شکنجه می بینند زندانی وکشته میشوند دختران شهید شده در اعتصابات دانشگاهها درخیابانها ویا زیر شکنجه وحشیانه زیاد میباشند وآخرین برابری را هم بدست آورده اند که به چوبه اعدام بسته شوند .

کسی از اینهائی که خود را نماینده زنان ایران میدانند توضیحی درباره این کشتارها واین شکنجه ها نشنیده است واینها علت مبارزات این زنان ودختران را که اکثرا از طبقه متوسط وخواهران کارگرشان میباشند در روزنامه ها نمیگویند ویا زمیگویند که چرا کشته میشوند واز شب زنده داری آنها هنگام کار ومبارزه ودر شکنجه گاهها سخنی به میان نمیآید :

وبه درستی اثری از تصمیمات سازمان ملل وکنفرانس مکزیکو در این گفته ها ودر تصمیمات ایران دیده نمیشود

در اینجا گفته نماینده گینه را تکرار میکنیم : باید نیروی زنها نیروی دموکراتیک ونیروهای صلح بسیج شوند تا تصمیمات گردهمآئی بزرگ سال زنها را عملی سازیم واین وظیفه همه زنها وهمه نیروهای دموکراتیک است

واگرداندن پول نفت

درآمد نفت ازراه پرداخت بهای واردات که سال بسال افزایش مییابد ، ازراه پرداخت بهای تسلیحات که ایران همراه عربستان سعودی مهمترین مشتری آن درخلیج فارس است ، ازراه پرداخت حقوق رایزنان امریکائی که درسابق بوسیله امریکا پرداخت میشد ، ازراه پرداخت " سورشارژ " معطلی کشتی های حامل محصولات وارداتی در بنادر جنوب (بیش ازمبلغ یك میلیارد دلار) ، از راه افزایش سریع بهای کالا های وارداتی ، ازراه سرمایه گذاری در خارجه (مثلا در کروپ) ودادن قرضه وکمك بخارجه (مثلا به انگلستان وفرانسه) ازراه شرکت در ایجاد ناوگان مختلط با انگلستان وامریکا ، ازراه خرید هشت دستگاه راکتوراتمی ، ازراه شرکت در سرویسهای چندین دانشگاه امریکا ، ازراه سرمایه گذاری در نفت دریای شمال آنهم در نقاطی که امید باستخراج نیست ، ازراه ساختن آسمانخراش " مرکز بازرگانی " در نیویورك وغیره وغیره وغیره به جیب غارتگران امپریالیستی بازمیگردد .

ملکه محمدی

زن و سوسیالیسم

از دیدگاه لنین

خلقهای ایران همراه با نیروهای ترقیخواه جهان، صدمین سالروز تولد ولادیمیرایلیچ لنین بزرگترین متفکر عصرما، پیشوای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و بنیادگزار نخستین دولت سوسیالیستی جهان را برگزار میکنند. انقلاب اکتبر فصلی نوین در تاریخ بشری گشود. برای نخستین بار جامعه ای فارغ از استثمار پدید آمد، طلسم فریب و نیرنگ بورژوازی که گویا بدون او چرخ تکامل جامعه از حرکت باز خواهد ماند باطل گشت و راه برای حرکت پرشتاب جامعه بسوی ترقی و اعتلاء گشوده شد. از ره آوردهای گرانقدر انقلاب اکتبر تحقق آزادی و برابری انسانها بود. نه تنها کارگران از ستم سرمایه دار و دهقان زحمتکش از اسارت مالک آزاد گردید، بلکه زنان که هدف ستم دوگانه ی خانواده و اجتماع بودند، هم از استثمار خانواده و هم از استثمار اجتماع رها شدند. برای اولین بار، زن همسنگ و همقدر با مرد در اجتماع قد برافراشت و این حادثه دارای آنچنان اهمیت تاریخی بود که تأثیر آن به پهنای گیتی بال گسترد، به تکامل جنبشهای آزادی زن کمک کرد و به آنان سمت تازه داد. نمونه ی زن آزاد شوروی به نهضتهای آزادی زنان که تا آنزمان بطورعمده توجه خود را معطوف به مبارزه در راه احراز حقوق سیاسی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نموده بودند نشان داد که آزادی واقعی زن چه مفهوم عمیقی دارد و نیل بدان تنها با مبارزه در کنار طبقه ی کارگر کشور خود، کمک به تحول بنیادی سیستم های عقب مانده ی اجتماعی و استقرار سوسیالیسم میسر است. در پرتوی اندیشه های انقلابی لنین و دستاوردهای انقلاب اکتبر و در نتیجه ی مبارزات پیگیر احزاب کارگری و بسط و تعمیق نهضت های حق طلبانه ی زنان، بخصوص در بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا، پیروزیهائی در زمینه ی حقوق سیاسی و اجتماعی برای زنان تأمین شد. با پیدایش اردوگاه سوسیالیسم و تغییر اساسی در تناسب نیروهای جهانی، زنان بویژه در دوران پس از جنگ جهانی دوم بیش از تمام ادوار تاریخی گذشته، موفق به تحصیل حقوق سیاسی و اجتماعی شده اند، ولی این هنوز بمعنای آزادی واقعی آنان نیست، آزادی واقعی زن تنها در پرتو سوسیالیسم، نظام عادلانه ی فارغ از استثمار میسر است. دستاوردهای زنان در کشورهای سوسیالیستی گواه راستین این مدعاست.

<u>مفهوم لنینی آزادی زن</u>

با پیدایش مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات و تحول خانواده به خانواده ی یکتاهمسری، زن عملا به ملکیت مرد درآمد و موقعیت ویژه ی اقتصادی و قانونی مرد بعنوان رئیس خانواده در جامعه ی طبقاتی تأمین شد. از آن پس سهم زن در تقسیم کار اجتماعی منحصر به خانه داری و تأمین آسایش مرد در خانواده بود. وابستگی اقتصادی زن به مرد او را به برده ای تبدیل کرد که ناگزیر از تبعیت از اراده ی مرد بود. "زن برده شد، قبل از آنکه در جهان برده وجود داشته باشد"(۱). تکامل مالکیت

---

(۱) زن و سوسیالیسم ـ اوگوست ببل ـ صفحه ی ۴۰

خصوصی و تشدید تضاد های اجتماعی، زن را بمثابه نیروی کار وارد عرصه ی تولید [illegible] هدف بهره کشی دوگانه ی خانواده و اجتماع قرار گرفت ۰ این پروسه هم اکنون در جوامع طبقاتی به سیر دردناک خود ادامه میدهد۰ تنها پس از انقلاب کبیر اکتبر بود که برای نخستین بار در تاریخ تمدن بشری، در بخشی از جهان مالکیت خصوصی بر وسائل تولید برافتاد، راه بر بهره کشی فرد از فرد بسته شد و مناسبات نوینی پدید آمد که دگرگونیهای عمیق در زندگی توده های زحمتکش بوجود آورد۰ زن نیز که با پیدایش مالکیت خصوصی به بردگی مرد درآمده بود، با لغو مالکیت خصوصی و محو تضاد های اجتماعی و اقتصادی بعنوان همسر و همراه مرد، درکنار او قرار گرفت ۰

نهضتهای آزادی اروپای غربی، سالها قبل از انقلاب اکتبر به زنان نوید برابری داده اند، مبارزهٔ متشکل زنان برای احراز حقوق برابر با مرد، با پیدایش نظام سرمایه داری آغاز شد و نخستین اعلامیهٔ رسمی درباره ی حقوق زنان در سال ۱۷۹۲، در جریان انقلاب کبیر فرانسه صادر گردید۰ اما علیرغم هیاهوی فراوان بورژوازی درباره ی "برابری" و "آزادی"، زن همچنان برده ی خانواده و اجتماع باقی ماند، زیرا سیستم های مبتنی بر بهره کشی انسان از انسان، مبتنی بر طبقات که عملا توده های مردم را به فقر و بردگی مزد وری محکوم میکنند نمیتوانند آزادی زن را که خود آماج استثمار است تامین کنند۰

قبل از لنین، مارکس و انگلس شالوده ی تئوریك آزادی زن را ریختند ۰ رهبران جنبش کارگری و آزادی زنان و از جمله اوگوست ببل (August Bebel) و کلارا تسگتین (Clara Zetkin) در این راه مبارزه ها کرده اند و اندیشه های جالبی ارائه نموده اند۰ ولی انقلاب اکتبر و پرچمدار آن لنین بزرگ، ضمن بسط آموزش مارکس و انگلس، آزادی و برابری زن را با مرد بر پایه های واقعی استوار ساخت ۰ لنین میگفت :

" مهمترین گام برای آزادی زن، لغو مالکیت خصوصی برزمین، کارخانه و کارگاه است۰ از اینطریق و فقط از اینطریق، راه برای آزادی کامل و واقعی زن، برای رهائی او از "بردگی خانگی" و تبدیل اقتصاد کوچك انفرادی به اقتصاد بزرگ اجتماعی هموار میشود(۲)

۲ انقلاب اکتبر در همان نخستین ماهبهای پس از پیروزی تحت رهبری لنین تمام قوانین امپراطوری روس را که تضییع کننده ی حق زن و تسجیل کننده ی امتیازات مرد بودند، تمام قوانینی را که حاکی از نابرابری زن بامرد بود از جهت نقش زن در تولید اجتماعی و در زندگی اجتماعی بودند ملغی ساخت و باتدوین قانون اساسی سوسیالیستی که پاسدار واقعی منافع توده ی مردم بود به زنان در تمام عرصه های زندگی اقتصادی دولتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی حقوق برابر با مرد تفویض نمود۰ لنین میگفت :

" حکومت شوروی بیش از تمام پیشروترین کشورها از آنجهت به دموکراسی تحقق بخشیده، که در قوانین خود کوچکترین محلی برای نابرابری حقوقی زن باقی نگذارده است۰ تکرار میکنم که هیچ کشوری و هیچ قانون دموکراتیکی نتوانسته است نیمی از آنچه را که حکومت شوراها در نخستین ماههای تصرف قدرت، برای زنان انجام داده است، به انجام رساند۰ " (۳)

اما برابری قانونی زنان هنوز کافی نبود۰ حکومت انقلابی شوروی مدافع برابری واقعی زنان بود۰ طرفدار آن بود که زن در زندگی عملی با مرد برابر باشد، مانند او بیاموزد، کار کند و بابال و پرگشاده در

(۲) لنین ـ کلیات آثار ـ چاپ آلمانی، جلد ۳۲ ـ صفحه ی ۱۶۰
(۳) لنین ـ کلیات آثار ـ جلد ۳۰ ـ صفحه ی ۲۶

عرصه ی گیتی تا هرکجاکه بخواهد به پیش تازد. لنین دوست صدیق و مدافع پرشور آزادی زنان بر آن بود که : « ... تنها قانون کافی نیست : ما هرگز به منشورها اکتفا نمیکنیم » (۴) . او آزادی زن را به مفهوم انقلابی آن ، یعنی تحول بنیادی وضع اجتماعی و اقتصادی زن میدانست. او میگفت :

« برابری در زمینه ی قانون ، هنوز بمعنای برابری در زندگی نیست . ما باید بکوشیم تا زنان نه فقط در زمینه ی قانون ، بلکه در زندگی نیز از حقوق برابر با مرد برخوردار شوند . برای اینکار باید زنان زحمتکش ، بیش از پیش در رهبری موسسات اجتماعی و در اداره ی کشور شرکت کنند . زنان با شرکت در اداره ی امور بسرعت میآموزند و به مردان میرسند » (۵) .

شرط لازم برای آنکه زنان به مردان برسند ، آزادی زن از بردگی سنتی و پیش از همه آزادی از « اقتصاد کوچک خانگی » است . باید بجای آنکه قریحه و استعداد زن در چارچوب تنگ خانه بسوزد و خاکستر شود ، در عرصه ی گسترده ی اجتماع و در برخورد با مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بشکفد و متجلی گردد . بدینجهت تا زمانیکه زن تمام وقتش منحصرا مصروف خانه داری است ، نمیتواند از امکانات برابر با مرد استفاده کند ، نمیتواند عقب ماندگی هزاران ساله را جبران کند ، نمیتواند به مرد برسد . لنین میگوید :

« زن علیرغم تمام قوانین رهائی بخش هنوز همچنان « کنیز خانگی » است ، زیرا گرفتاریهای مطبخ و بچه داری و اشتغال به <u>اقتصاد کوچک خانگی</u> که بطور عجیبی فاقد بهره دهی ، بیمقدار ، عصبانی کننده ، خرفتی آور و خوار کننده است ، نیروی او را بهدر میدهد ، بر او فشار میآورد ، او را خفه میسازد ، خرفت میکند و خوار مینماید » (۶)

با از میان رفتن طبقات استثمارگر و استقرار سوسیالیسم ، زن بمثابه نیروی کار آزاد میشود ، اما هنوز در قید استثمار خانواده است . زیرا در دو عرصه که هیچ پیوند مستقیم با هم ندارند کار میکند . اشتغال زن در خارج از خانه با وظایف سنگینی که بعنوان همسر و مادر بر دوش اوست با هم در تضاد اند . فقط در جامعه ی سوسیالیستی است که تضاد میان این دو عرصه ، یعنی اشتغال زن در خارج از خانه و وظایف او در خانواده بتدریج از میان برداشته میشود . لنین بر آن بود که تا « اقتصاد کوچک خانگی » بر بنیان « اقتصاد بزرگ سوسیالیستی » تجدید سازمان نشود و موسسات خدمات عمومی مانند غذاخوریهای عمومی ، شیرخوارگاهها ، کودکستانها ، دبستانها ، بیمارستانها ، زایشگاهها ، استراحتگاهها و رختشوخانه های عمومی متناسب با خصلت جامعه ی سوسیالیستی ، یعنی بر مبنای تامین حد اکثر رفاه مردم و در مقیاس وسیع بوجود نیاید ، زن همچنان « برده ی خانگی » و در قید استثمار خانواده باقی میماند . تلقی لنین از مسئله ی آزادی و برابری زن ، با مجموعه ی آموزش انقلابی او پیوند ناگسستنی داشت . او که با انقلاب ظفرمند اکتبر ، طومار تمام مناسبات کهن و پوسیده ی جامعه ی روس را درهم پیچیده بود ، در این زمینه هم با قاطعیت انقلابی عمل میکرد . لنین میگفت :

« مادام که زن همش مصروف به امور خانه داریست ، همچنان آزادی اش محدود است . برای تامین رهائی کامل زن و برابری واقعی او با مرد ، باید موسسات خدمات عمومی دائر شود و شرکت زن در کار تولید ی اجتماعی تامین گردد . آنگاه زن با مرد برابر

---

(۴) لنین ، کلیات آثار ـ جلد ۳۰ ـ صفحه ی ۲۶
(۵) همانجا ، صفحه ی ۳۶۳
(۶) لنین ـ منتخبات آثار ـ چاپ فارسی ـ جلد دوم قسمت دوم ـ صفحه ۲۷۹ـ۲۸۰

خواهد بود." (٧)

امابسط شبکه ی خدمات عمومی بمقیاس سراسرکشور و برای استعداد ه ی همه ی مادران و همه ی خانواده هاکاری نیست که بلا فاصله پس ازاستقرار سوسیالیسم یکباره تامین شود. انجام آن ملازمه باترقی و تکامل تکنیک ، تامین کادرهای فنی وایجاد تاسیسات لازم درهرشهر، هرده و هرمحل دارد. علاوه براین غلبه برنیروی عادت و سنت های سخت ریشه و تربیت انسانها باروح جمعی، تحول فکری و زدودن فکر زن و مرد ازهرچه کهنه و زیان بخش است اهمیت اساسی دارد و این پروسه ایست طولانی. بهمین سبب نظام سوسیالیستی برابری زن بامرد راعملا تضمین میکند و در این عرصه به کامیابیهای عظیم میرسد، اما هنوز هم زن بالنسبه وظایفی سنگین ترازمرد بردوش دارد ، آزادی کامل و نهائی او باپیروزی کمونیسم تکمیل میشود. لنین در این باره میگوید :

" ... جلب زن به کارتولید اجتماعی، رهاساختن او از "بردگی خانگی" ، آزادی او از قید وابستگی خرفتی آور و موهن کاردائمی و منحصر در آشپزخانه و بچه داری وظیفه ی عمده ماراتشکیل میدهد. این مبارزه ای طولانی است که دگرگونی اساسی تکنیک اجتماعی و خلقیات اجتماعی راایجاب میکند. این مبارزه باپیروزی کامل کمونیسم پایان میپذیرد."(٨)

آزادی زن ازاسارت خانه وکشاندن وی به عرصه ی پرجوش اجتماع نه تنهابرای تجلی و تکامل شخصیت زن ضروراست ، بلکه بدون شرکت زنان موفقیت درساختمان سوسیالیسم امکان پذیرنیست. در تمام کشورهای سوسیالیستی زنان سهم شایسته ای در پیشرفت سوسیالیسم ادانموده اند.
لنین برآن بودکه :

" ... ساختمان جامعه ی سوسیالیستی زمانی آغاز خواهد شدکه مابرابری کامل زن را تامین کنیم ودوش بدوش زنی که ازکارهای ناچیز غیرمولد و خرفت کننده فارغ باشد به فعالیت نوینی بپردازیم." (٩)

اومیگفت :

" هیچ تحول سوسیالیستی بدون آنکه بخش عظیمی اززنان زحمتکش درآن سهم موثر داشته باشند ممکن نیست." (١٠)

حکومت جوان شوروی برهبری لنین تمام شرایط ضروری برای رهائی واقعی زنان راشالوده ریخت و همه ی امکانات عملی رابرای فعالیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان همراه و همپای مردان ، تامین نمود.

" مامیتوانیم اکنون باکمال سربلندی و بدون هیچ مبالغه بگوئیم که بجز روسیه ی شوروی در سراسرگیتی کشوری وجود نداردکه زنان از برابری کامل حقوق برخوردار باشند و زن در وضع موهنی که بویژه درزندگی روزمره ی خانوادگی محسوس است قرارنداشته باشد. این یکی از نخستین و مهمترین وظایف مابود." (١١)

---

(٧) لنین ـ کلیات آثار ـ جلد ٣٠ ـ صفحه ی ٢٦
(٨) همانجا ـ صفحه ی ٤٠١
(٩) " ـ صفحه ی ٢٦
(١٠) " ـ صفحه ی ١٧٥
(١١) " ـ صفحه ی ٢٤

کلاراتستکین مبارز برجسته ی جنبش کارگری و جنبش زنان و همرزم لنین ضمن سخنرانی خود در سیزدهمین کنگره ی حزب کمونیست شوروی (۲۳ مه ۱۹۲٤) غرق شعف از پیروزیهای زنان شوروی گفت :

"حزب شما نخستین حزب راهبر و حزب نمونه ی کمونیسم جهانی است که ره آورد پیروزی آن صرفنظر از عرصه های دیگر، فقط برای مازنان آزادی کامل اجتماعی و انسانی بوده است".

تحکیم سوسیالیسم در اتحاد شوروی ، هرروز عرصه های نوینی در برابر میلیونها زن شوروی گشود و پایه های برابری زن با مرد را روز بروز مستحکم تر ساخت. با استقرار سوسیالیسم در یک سلسله از کشورهای اروپا و آسیا پس از جنگ دوم جهانی و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کوبا، میلیونها زن دیگر همراه با آزادی طبقه ی کارگر کشورخویش به احراز حقوق برابر با مردان نائل آمدند.

ره آورد سوسیالیسم برای زنان

برخورد جامعه ی سوسیالیستی به زن بمثابه نیروی کار، عضو خانواده و عنصر متساوی الحقوق اجتماع ، با برخورد جامعه ی بورژوائی به این مفاهیم تفاوت ماهوی دارد. برای درک این اختلاف به بررسی وضع زنان در کشورهای سوسیالیستی و مقایسه ی آن با کشورهای پیشرفته ی سرمایه داری میپردازیم :

کار زن در سوسیالیسم

بموجب قوانین اساسی کشورهای سوسیالیستی، تمام افراد جامعه و ازجمله زنان صرفنظر از ملیت ، عقیده و مناسبات خانوادگی حق کار دارند. کار زن در جامعه ی سوسیالیستی نه تنها برای کمك به پیشرفت سوسیالیسم ، بلکه برای تکامل شخصیت مستقل زن و تعمیق فرهنگ او ضروری است. شرکت در کار خلاق ساختمان سوسیالیسم افق زن را وسیع میکند و دایره ی دلبستگی های او را وسعت می بخشد. در کشورهای سوسیالیستی نسبت زنان شاغل روز بروز افزایش می یابد و برای احراز تمام مشاغل دولتی و سیاسی آماده میشوند. جدول زیر نسبت زنان شاغل را در برخی از کشورهای سوسیالیستی و چند کشور پیشرفته ی سرمایه داری نشان میدهد (۱۲) .

کشورهای سوسیالیستی			کشورهای سرمایه داری		
نام	سال	نسبت	نام	سال	نسبت
شوروی	۱۹۵۹	٤۷ر۱٪	امریکا	۱۹٦۲	۳٤٪
آلمان دموکراتیك	۱۹٦۲	٤۱٪	آلمان غربی	۱۹٦۰	۳٤ر۱٪
چکسلواکی	۱۹٦۲	٤۳٪	اتریش	۱۹٦۲	٤۰ر۰٪
لهستان	۱۹٦۲	۳٦٪	سوئد	۱۹٦۰	۳۳ر۵٪
بلغارستان	۱۹٦۲	۳۵ر۱٪	ایتالیا	۱۹٦۳	۲۸٪
یوگوسلاوی	۱۹٦۱	۳٤ر۱٪			

(۱۲) وضع اجتماعی زنان در پرتو آمار — برلین — ۱۹٦۵ — صفحه ی ۱۸۵

نسبت زنان شاغل در اتحاد شوروی تا سال ۱۹٦۷ به ۵۰٪ و در جمهوری دموکراتیك المان به ٤۹٪ رسیده و در سایر کشورهای سوسیالیستی نیز این نسبت ها افزایش یافته است . در حالیکه در برخی از کشورهای سرمایه داری به عللی که بعد اخواهد آمد ، تعداد زنان شاغل کاهش پذیرفته است. در اتحاد شوروی ۷۲٪ شاغلین رشته ی آموزش و پرورش ، ۸۵٪ کارکنان بهداشت ، ٦۷٪ کارمندان و کارگران پست و تلگراف و تلفن و ۷٤٪ کارکنان رشته ی بازرگانی و شاغلین هتل ها و رستورانها از زنان هستند (۳) . $\frac{1}{3}$ مهندسان شوروی ، ٦۰ درصد کارشناسان اقتصاد ، ۷۳ درصد پزشکان و ٤۵ درصد دانشمندان زن هستند (٤) . در سراسر شوروی ۳۲۰۰۰۰ زن در رشته های تحقیقات علمی بکار مشغولند که ۱۵۰۰ نفر از آنان آکادمیسین و پروفسوراند (۵) . تحقیقات خانم پروفسور مارتینواد رزمینهٔ شیمی به چنان نتایج درخشانی رسیده که بزرگترین متخصصین شیمی در امریکا و ژاپن از نتایج آزمایشات او استفاده میکنند (٦) . نادژدا پوچکوسکایا قهرمان کار سوسیالیستی و کاشف متد مشهور پیوند قرنیه ی چشم ، پروفسور دکترماریاکلیونواکه در ژئولوژی دریائی مکتب علمی جدیدی پایه گذارده و هزاران زن دیگر که در رشته های گوناگون ، موزیك ، نقاشی ، معماری و نویسندگی فعالیت درخشان دارند ، از افتخارات زنان مترقی و پیشرو جهان هستند . نخستین و تنها زن فضانورد جهان "والنتیناترشکوا" از کشور شوروی است . وی در سمپوزیومی که در سال ۱۹٦۷ درباره ی نقش زن در سوسیالیسم در مسکو تشکیل شد اظهار داشت در میان فضانوردانی که در اتحاد شوروی خود را برای پروازهای آینده آماده میکنند یك گروه زن وجود دارد. این خیل عظیم زنان پروفسور و آکادمیسین ، مهندس و پزشك و کارشناس اقتصاد از کشوری برخاسته است که تاقبل از انقلاب اکتبر ۸۲٫۵ درصد زنان آن بیسواد بودند. در قبال اینهمه پیشرفت حیرت انگیز زنان در اتحاد شوروی باید یادآور شد که در امریکا پیشرفته ترین کشور سرمایه داری جهان تنها یك درصد مهندسین و ۷ درصد پزشکان زن هستند. تعداد زنانی که در امریکا دارای درجهٔ دکترا هستند ، فقط ۱۲٫٦ درصد است ، درحالیکه این نسبت در سال ۱۹۲۰ بالغ بر ۱۵ درصد بوده است (۷) . مجله ی خواندنیها مینویسد با وجود آنکه ۵۱ درصد جمعیت امریکا را زنان تشکیل میدهند ، ولی بامسئله ی "اقلیت" بودن روبرو شده اند.

هیچ کشور سرمایه داری در جهان تاکنون نتوانسته است مسئله ی اشتغال کامل افراد جامعه و بطریق اولی زنان را حل کند. در ژاپن هم اکنون شعار "زنان بخانه ها بازگردید" تبلیغ میشود . در جوامع بورژوائی سخن برسر آن نیست که زنان نقش مؤثری در تکامل تاریخی و اجتماعی میهن خویش ایفا کنند ، این امر نه مورد علاقه ی رژیم های بورژوائی و نه هدف آنهاست . سخن برسر آنست که بخشی از زنان برحسب نیاز و مصالح بازار کار ، بعنوان نیروی کار در پروسه ی تولید شرکت کنند ، زیرا سرمایه داری به نیروی کار زن و کودك بمثابه نیروی کار ارزان نیاز دارد.

اصل "مزد مساوی در برابر کار مساوی" در کشورهای سوسیالیستی تمام و کمال اجرا شده است . درحالیکه مثلا در امریکا زنان در ازاء کار مساوی نصف حقوق مردان را میگیرند (۸) . در کشور سرمایه داری پیشرفته ای چون سوئد که زنان در سال ۱۹۱۹ پس از ۲۵ سال مبارزه ی عنودانه ظاهراد ارای حقوق

(۳) — Neue Zeit — شماره ی ۱۰ — ۱۰ مارس ۱۹۷۰

(٤) الف : Neue Zeit — شماره ی ۱۰ — ۱۳ مارس ۱۹٦۸

ب : Für Dich — شماره ی ۱۰ — ۱۹٦۷

(۵) — Neue Zeit — شماره ی ۱۰ — ۱۰ مارس ۱۹۷۰

(٦) — Deutsche Außenpolitik — شماره ۱ — ۱۹٦۸

(۷) — خواندنیها — ۲۲ آذر ۱۳٤۸

(۸) همانجا

برابر بامرد شدند ، هنوز ۷۰٪ زنان شاغل ۲۰ درصد کمترازمرد ان مزد میگیرند۰ دستمزد زنان درآلمان غربی بطورمتوسط ۳۰تا ۳۵درصدکمترازمرد ان است(۱۹)۰ درانگلستان از ۸ میلیون زن شاغل فقط یک میلیون نفرمزد مساوی بامرد دریافت میکنند۰

علیرغم پیشرفتهای سریع علم و تکنیك درجهان کنونی که نیازمند کارگران وکارمندان متخصص است ، درکشورهای سرمایه داری اصولا به آموزش حرفه ای زنان توجه نمیشود۰ مثلا درایتالیازنان را به آموزشگاههای حرفه ای کارخانه هاراه نمید هند۰درنتیجه باابسط مکانیزاسیون تقاضابرای نیروی کار زنان کاهش می یابد۰ طبق ارقام انستیتوی آمار در ژانویه ی ۱۹٦۵ تعداد زنان شاغل در ایتالیا ٤٥٤ هزار نفر کمتر از ژانویه ی سال ٦٤بوده است۰ این کاهش فقط به علت اشتغال نیروی کارمرد ان در بخشهای جدید صنایع وکشاورزی بوده است(۲۰) ۰در آلمان غربی ۱۱٫۳ ٪ زنان کارگر شاغل درصنایع ، درسال ۱۹۵۱ کارگرمتخصص بودند۰ امااین نسبت درسال ۱۹۵۷ به ۸٫۹ درصد ودرسال ۱۹٦۵ به ۵٫۰ درصدکاهش یافت(۲۱) ۰ درحالیکه دولت و جامعه ی سوسیالیستی یکی از وظایف مبرم خود راتکامل زنان بویژه باتوجه به آموزش حرفه ای آنان مید اند(۲۲) ۰ درکشورهای سوسیالیستی زنان راهمپای مرد ان برای اشتغال درپیشرفته ترین رشته - های علم و تکنیك آماده میکنند و دربرخی مواردبرای آنکه نسبت زنان دارای تخصص به مرد ان نزدیك و نزدیکترشود ، ازبین یك زن و مرد واجد شرایط ، زن رابرای گذراندن دوره های تخصصی انتخاب میکنند ، بطوریکه هم اکنون دراتحاد شوروی ۵۸ درصد نیروی کارمتخصص رازنان تشکیل مید هند(۲۳)۰

کشورهای سوسیالیستی ، تسهیلات فراوانی برای زنان قائل شده اند۰ مثلا دراتحاد شوروی برای حمایت ازسلامتی زنان ، ارجاع مشاغل دشوار به آنان بموجب قانون منع شده است۰ کار زنان درصنایعی نظیرذوب آهن ، چرمسازی، معادن زیرزمینی ممنوع اعلام گردیده و زنان دراین رشته ها فقط درپستهای رهبری و بدون انجام کارجسمی خدمت میکنند۰ لنین باتوجه به تفاوت نیروی جسمانی زن و مرد و باتوجه به وظایفی که برعهده ی زن بعنوان "مادر" است ، درموردکارزنان چنین میگفت:

"منظورآن نیست که زن ازنقطه ی نظر بازده کار، میزان کار، مدت و شرایط کارو غیره با مرد برابر باشد ، بلکه منظورآنستکه اختلاف وضع اقتصادی زن بامرد اورامورد ستم قرار ند هد"(۲٤)

تردید نیست همچنانکه شرکت زنان درفعالیت های اجتماعی و سیاسی بتدریج فاصله ی فکری آنانرابامرد ان که نتیجه ی مناسبات تولیدی، سنت و هزاران سال موضع مسلط مرد است ، از میان بر خواهد داشت ، ترقیات شگرف علم و تکنیك و تشدید مکانیزاسیون و اتوماسیون و ازمیان رفتن تفاوت کار جسمی و فکری نیز بازده و میزان کارزن و مرد رایکسان خواهد نمود۰ آنوقت زنان تنها ازنظرمدت و شرایط کار آنهم فقط دردوران کوتاهی بعلت وظایف خاص مادری بامرد ان تفاوت خواهند داشت۰

---

(۱۹) - Deutsche Außenpolitik - شماره ۱ - سال ۱۹٦۸
(۲۰) - بولتن حزب کمونیست ایتالیا
(۲۱) - Deutsche Außenpolitik - شماره ۱ - سال ۱۹٦۸
(۲۲) - قانون اساسی جمهوری دموکراتیك آلمان - ماده ۲۰ - بند ۲
(۲۳) - Neue Zeit - شماره ی ۱۰ - ۱۰ مارس ۱۹۷۰
(۲٤) - کلیات لنین - جلد ۳۰ - صفحه ی ۲٦

شبکه ی وسیع خدمات برای مادران شاغل

در اتحاد شوروی، نخستین کشور آزادکننده ی زنان و سایر کشورهای سوسیالیستی، برای مادران شاغل انواع تسهیلات فراهم است . در اتحاد شوروی شبکه ی وسیعی از شیرخوارگاهها، کودکستانها، بیمارستانهای اطفال، مراکز کمکهای طبی و زایشگاهها وجود دارد. زنان شاغل در هر یک از رشته های تولید و خدمات، در دوران بارداری حق استفاده از ٤ ماه استراحت یعنی ٥٦ روز قبل و ٥٦ روز پس از زایمان با استفاده ی کامل ازحقوق را دارند. کارشبانه، اضافه کار و کار خارج ازشهر برای آنان وهمچنین مادرانیکه کودك شیرخوار دارند ممنوع است. در جنب تمام کارگاهها وکارخانه ها و سایر موٴسسات برای نوزادان شیرخوارگاه و برای مادران شیرده، جایگاه ویژه وجود دارد. به مادران حداقل هرسه ساعت یکبار نیمساعت مرخصی ازکار داده میشود و برای رفاه آنها همه گونه مساعدت بعمل میآید. بزنان باردار بدون کاهش دستمزد آنان، کارهای سبکتر ارجاع میشود. در اتحاد شوروی در سال ١٩٦٦ بالغ بر ٢ر٨ میلیون کودك به کودکستان میرفته اند و درهمین سال بیش از ٤ میلیون کودك در کودکستانهای تابستانی و شیرخوارگاهها بوده اند. تعداد ٢٠٠٠٠ مرکز مشورتی مادر و کودك، ١٠٠٠٠٠ مرکز کمکهای طبی، ٧٤٠٠٠ پزشك کودك، ٣٨٣٠٠٠ تخت بیمارستان و ١٣٩٠٠٠ تخت ساناتوریوم برای کودکان وجود داشته است(٢٥). این شبکه ی عظیم به مادران شاغل امکان میدهد تا همپای مردان کارکنند، بیاموزند و سطح تخصص و دانش خود را تکامل بخشند.

"اوگوست ببل" در اثر مشهور خود تحت عنوان "زن و سوسیالیسم" نوشته است :

> "در جامعه ی سوسیالیستی زن آزاد است وکودکان این آزادی را محدود نمیکنند، بلکه شادی زندگی او را افزون میسازند." (٢٦)

شبکه ی وسیع موٴسسات اجتماعی که درخدمت مادران قرار دارد، باین پیشگوئی "ببل" تحقق بخشیده است.

در اتحاد شوروی به مادرانی که بیش از دو کودك به دنیا آورند کمك معاش پرداخت میشود. تعداد این گروه مادران در سال ١٩٦٦ بالغ بر ٥ر٣ میلیون نفر بوده است. مادرانیکه دارای ٥ـ ٦ کودك هستند بدریافت نشان نائل میگردند و آنهاکه ٧ ـ ٨ ـ ٩ کودك بدنیا آورده اند فرمان افتخار مادری دریافت میکنند. مادرانیکه دارای ١٠ فرزند هستند، مادر قهرمان شناخته میشوند. تعداد مادران قهرمان در ١٩٦٦ بالغ بر ٩٥٠٠٠ نفر بوده است.

نقش اجتماعی زنان در کشورهای سوسیالیستی

سوسیالیسم به زنان امکان داده است تا در اداره ی کشور و تعیین سرنوشت آن نقش فعال داشته باشند . نسبت شرکت زنان در مجالس کشورهای سوسیالیستی بزرگترین نسبت در سراسر جهان است (٢٧) .

---

(٢٥)ـ Social Gains of the Soviet People ـ پراگ ـ ١٩٦٨

(٢٦) اوگوست ببل ـ زن و سوسیالیسم ـ صفحه ی ٥١٩ ـ ٥٢٠

(٢٧) ـ Frauen der ganzen Welt ـ شماره ی ٣ ـ سال ١٩٦٩

نام کشور	نسبت نمایندگان زن
اتحاد شوروی	۲۸٪
آلمان دموکراتیک	۴ر ۳۰٪
یوگوسلاوی و چکسلواکی	۲۰٪
مجارستان	۱۸٪
بلغارستان و رومانی	۱۷٪
جمهوری دموکراتیک ویتنام	۵ر۱۶٪

تعداد نمایندگان زن در شورایعالی اتحاد شوروی ۴۲۵ نفر یعنی بیش از تعداد زنان در پارلمانهای کلیه ی کشورهای سرمایه داریست. در شورایعالی جمهوریهانیز ۳۳ درصد اعضاء آن زن هستند.

طبق گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در هیجدهمین جلسه ی کمیسیون حقوق زنان، در کشورهای رشد یافته ی سرمایه داری و نیز در کشورهای کم رشد، نسبت زنانی که برای احراز پستهای برجسته ی سیاسی و اجتماعی انتخاب و یا منصوب میشوند بسیار اندک است. مثلا در ژاپن ۴ر۱ درصد نمایندگان مجلس، در امریکا ۳ درصد، در آلمان غربی ۹ر۶ درصد و در فنلاند ۱۷ درصد نمایندگان زن هستند. در کشورهای سرمایه داری، نسبت شرکت زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مستقیما با درجه ی اعتلاء و یا فروکش نهضت های کارگری ارتباط دارد. برای نمونه در آلمان غربی در سال ۱۹۱۹ در نتیجه ی مبارزات انقلابی طبقه ی کارگر ۵ر۱۲ درصد نمایندگان رایشتاك یعنی قریب ۲ برابر نسبت کنونی زن بودند (۲۸).

در اتحاد شوروی از ۱۵ وزیر خدمات اجتماعی در جمهوریهای شوروی ۱۰ نفرشان زن هستند و در کمیته های مرکزی احزاب کمونیست جمهوریها و در رهبری اتحادیه ها تعداد زنان ۲ر۴۳ درصد مجموع اعضاء است، در حالیکه در کشور سوئد با آنکه ۴۰۰ هزار زن عضو سندیکاها هستند، حتی یک زن در رهبری سندیکاها وجود ندارد. اینها نشانه ی وجود دموکراسی واقعی در شوروی و برابری عملی زنان در جامعه ی سوسیالیستی است. لنین یکی از نمودارهای ویژه ی تفاوت میان دموکراسی بورژوائی و دموکراسی سوسیالیستی را اختلاف وضع زن در هریك از آنها میداند. او میگوید :

" ... دموکراسی بورژوائی در گفتار نوید برابری و آزادی میدهد، ولی در عمل هیچ جمهوری بورژوائی، حتی پیشرفته ترین آن به زنان که نیمی از جامعه ی بشری را تشکیل میدهند، برابری کامل قانونی با مرد و نیز آزادی از قید قیمومت و ستم مردان را نداده است." (۲۹)

لنین با استناد به قوانین ظالمانه ی کشورهای سرمایه داری در باره ی حقوق زنان پرده از سیمای دموکراسی صوری بورژوائی برمیگیرد و میگوید :

---

(۲۸) — Frauen der ganzen Welt — شماره ی ۳ — سال ۱۹۶۹

(۲۹) — لنین — جلد ۳۰ — صفحه ی ۱۰۵

"ماميبينيم که در تمام جمهوريهای (بورژوا) دمکراتيك برابری اعلام ميشود ، ولی در قوانين مدنی و قوانين مربوط به حقوق زن ، ازجهت وضع او در خانواده و آزادی طلاق ، ما در هرگام بانابرابری و زورگوئی به زن روبرو هستيم و باينجهت اعلام ميکنيم که اين نقض دمکراسی بويژه در حق زحمتکشان است." (۳۰)

خانواده در سوسياليسم

در جوامع طبقاتی ، ازدواج طبقاتی است. زن و مرد شريك زندگی خود را بنابه ملاحظات صرفامادی ازميان افراد طبقه ی خود ميجويند و پيوند زناشوئی نه براساس عشق متقابل ، بلکه بطورعمده بر مبنای حسابگريهای سود اگرانه ، ثروت ، وضع خانوادگی و موقعيت اجتماعی طرفين بسته ميشود. اين کوته بينی وافق تنگ رامناسبات توليدی جامعه ی طبقاتی به افراد تحميل ميکند . در آنجاکه پول حاکم است ، تمام مناسبات شخصی و اجتماعی راتحت تأثير ميگيرد ، و پوشش عاطفی واحساساتی مناسبات خانوادگی را به مناسبات صرفاسود اگرانه تبديل ميکند (۳۱) . زن و مرد در انتخاب همسر آزادی کامل ندارند ، بويژه زنان که در پيوند دوجانبه ی زناشوئی بعلت وجود قيود و سنت های عقب مانده ی اجتماعی اکثراانتخاب ميشوند ، بی آنکه خود حق انتخاب کردن داشته باشند. انگلس ميگويد :

"آزادی کامل انتخاب همسرزمانی ميتواند وجود داشته باشدکه لغو توليد سرمايه داری و مناسبات مالکيت ناشی ازآن ، تمام ملاحظات اقتصادی فرعی راکه اکنون چنين نفوذ پرتوانی در انتخاب همسر دارد ، از ميان برداشته باشد. آنگاه در واقع هيچ انگيزه ای برای ازدواج جز عشق و علاقه ی متقابل باقی نخواهد ماند." (۳۲)

جامعه ی طبقاتی مسئله ی عشق و ازدواج راامرشخصی و خصوصی افراد تلقی ميکند و باين دليل توجه و غمخواری اجتماعی وجود ندارد. عشق ميان زن و مرد بدون احساس مسئوليت اجتماعی و در اکثر موارد سطحی و کورکورانه است. لنين برآنست که :

"عشق تنهايك امرشخصی نيست. در اينجاد وتن شرکت دارند و فرد ثالثی ، حيات جديدی پديد ميشود. در اينجا نفع اجتماع نهان است و وظيفه نسبت به جمع بروز ميکند." (۳۳)

بدين سبب در جامعه ی سوسياليستی برخورد به مسئله ی عشق جدی ، بااحساس مسئوليت ؛ عميق و آگاهانه است. خانواده از پيوند زن و مرد براساس عشق متقابل و علاقه و احترام تمام افراد خانواده نسبت بهم بوجود ميآيد. مرد برای زن بعنوان يك انسان ارزش قائل است ولی "بورژوازی زن خود راتنهايك ابزارتوليد ميشمرد." (۳۴)

خانواده در سوسياليسم در عين حال که کوچکترين واحد جامعه است ولی بخش مهمی ازمجموعه سيستم سوسياليستی است وباين دليل دولت سوسياليستی به رشد سالم و موزون خانواده کمال علاقه

(۳۰) لنين — جلد ۳۰ — صفحه ی ۲۵
(۳۱) مانيفست — چاپ فارسی — صفحه ی ۵۸
(۳۲) مارکس — انگلس — آثارمنتخب — جلد ۲ — صفحه ی ۲۱۹
(۳۳) خاطرات درباره ی لنين — جلد ۲ — صفحه ی ٤٨٤
(۳٤) مانيفست — چاپ فارسی — صفحه ی ۸۹

راد ارد و بد ان کمك میکند٠ د رسوسیالیسم مبنای خانواد ه بروحد ت فکر و وحد ت تصمیم و عمل استوار است٠ اما این بد ان معنانیست که یکطرف بسود طرف د یگرشخصیت انسانی خود رافد امیکند ، بلکه بد انمعناست که خصال متضاد واختلاف نظریات ، د وستانه بتوافق میرسند و مکمل یکد یگرمیشوند ، زیرا سوسیالیسم مناسبات انسانی واقعی وکمك و همکاری رفیقانه ود رنتیجه فضای اعتماد واطمینان و احترام و عشق متقابل راعرضه میکند٠ د ربرنامه ی حزب کمونیست اتحاد شوروی که بنیانگزارآن لنین بزرگ بو د گفته میشود :

"کمونیسم نظامی است که د رآن استعد اد هاوقرایح و بهترین خصائل اخلاقی انسان آزاد شکفته میشود وتمام وکمال آشکارمیگرد د٠ روابط خانواد گی تماما ازشائبه ی حسابهای ماد ی منزه میگرد د وکاملا برنهاد عشق و ود اد متقابل استوارخواهد شد" (۳۵)

عشق متقابل زن و مرد د رخانواد ه ی سوسیالیستی که خالی از شائبه ی حسابگریهاست، نه تنها محیط شاد ی و نشاط د رخانه بوجود میآورد ، بلکه برای کودکان ، برای نسل د رحال رشد مثل هوا و غذا ضروریست ، بآنها کمك میکند تابا روح عشق و محبت و با احساس اعتماد وخوش بینی پرورش یابند٠

د رخانواد ه ی سوسیالیستی زن و مرد ازحقوق برابر برخورد ارند٠ پس از ازد واج میتوانند نام خانواد گی مرد یا زن رابرای خود انتخاب کنند٠ د راتحاد شوروی طرفین مختارند که نام خانواد گی خو یش راپس ازازد واج حفظ نمایند٠ د رانتخاب شغل و حرفه هرد و آزاد ی کامل د ارند٠ برای مبارزه با سنن کهن ، مرد ان باروح همکاری و تشریك مساعی باهمسرخود د رانجام امورخانه ، تربیت میشوند٠ اموال زن و مرد بهنگام ازد واج د رتملك خود شان خواهد ماند ، ولی اموالی که طی زند گی زناشوئی تحصیل میشود د ارائی مشترك آنهاست و هرگاه ضرورت تقسیم این اموال پیش آید ، چنانچه زن د رخارج ازخانه مصد ر شغلی نباشد ، کار وی د رخانه و مراقبت ازفرزند ان مانند فعالیت اقتصاد ی مرد ارزیابی میشود وطبق آن سهم خود را ازاموال مشترك د ریافت مید ارد٠ د رکشورهای سوسیالیستی زن و مرد هرد و حق طلاق د ارند٠ ازنخستین اقد امات حکومت انقلابی شوروی د رزمینه ی آزاد ی زن واگذ اری حق طلاق به زنان بود٠ لنین میگفت :

" انسان نمیتواند د موکرات و سوسیالیست باشد ، بد ون آنکه آزاد ی کامل طلاق راخواستار شود٠ زیرافقد ان این آزاد ی بمعنای یك زنجیراضافی برای جنس ستمد ید ه ، برای زن است" (۳٦)

باآنکه د ربسیاری ازکشورهای سرمایه د اری وکشورهای د رحال رشد ، برای زنان حق طلاق شناخته شد ه است ولی زن غالبا نمیتواند ازاین حق خود استفاد ه کند ، زیرا ازنظراقتصاد ی به مرد وابسته است و این وابستگی اورامجبور به تن د اد ن به مذلت و اد امه ی زند گی با مرد ی میکند که د لخواه او نیست٠ لنین د راین باره میگفت :

" د رنظام سرمایه د اری حق طلاق د ربسیاری از موارد قابل استفاد ه نیست ، زیرازن از نظراقتصاد ی برد ه است ، زیراد رنظام سرمایه د اری زن "برد ه ی خانگی" باقی خواهد ماند ، برد ه ای که زند انی اطاق خواب ، اطاق اطفال و آشپزخانه است" (۳۷)

د رکشورهای سوسیالیستی زن و مرد برای انجام طلاق به د اد گاه مراجعه میکنند و د اد گاه زمانی اجازه ی طلاق خواهد د اد که مناسبات عاد ی برای اد امه ی زند گی مشترك و تربیت فرزند ان

---

(۳۵) — برنامه ی حزب کمونیست اتحاد شوروی — چاپ فارسی — صفحه ی ۷۸
(۳٦) — لنین — کلیات آثار — جلد ۲۳ — صفحه ی ٦۷
(۳۷) همانجا

وجود نداشته باشد وادامه ی زناشوئی بااخلاق کمونیستی در تضاد قرارگیرد. قوانین کشورهای سوسیالیستی درباره ی مناسبات قانونی کودکان و پدر و مادر پس ازجدائی، بویژه به مصالح مادر وکودک توجه دارند.
بجاست خاطرنشان شودکه درتمام کشورهای سرمایه داری، بخصوص درمناسبات خانوادگی، تبعیضات فراوان برای زنان وجود دارد. مثلا درکشوراتریش وضع زن درخانواده ازقرن نوزده هم تاکنون تغییرنیافته است. درایتالیاکه هنوز "کدهای ناپلئون" اجرامیشود، زنان ازحق تربیت کودک و تملک اموال محرومند. دراسپانیاو پرتقال زنان درخانواده تقریبا دارای هیچ حقوق قانونی نیستند. در انگلستان و استرالیا زن براموالی‌که ازدرآمد شوهرخریداری شود حقی ندارد(۳۸).

آزادی زن درشوروی — سرآغاز
آزادی نهائی زنان سراسرجهان

همانطورکه بزرگترین رویدادهاوتحولات جامعه ی معاصر بشری یعنی انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم، فروریختن امپراطوریهای استعماری امپریالیسم جهانی و ایجادکشورهای نواستقلال درآ...او افریقابانام لنین وآموزش وی پیوند ناگسستنی دارد، مسئله‌ی آزادی و برابری زنان درهرکش... تحقق یافته و یادرآینده تحقق پذیرد، ازآموزش انقلابی لنین الهام میگیرد. پیروز... پرتو اندیشه های لنین بدست آورده اند دررقیاس با مردان بمراتب بیشتراست و ازاین... سین سالروز فرخنده ی لنین، زنان پیشرو نه تنها درکنارکارگران و زحمتکشان جهان، لنی... بمثابه بنیانگزارجامعه ی آزاد فارغ از استثمار و ستم طبقاتی تجلیل میکنند، بلکه بعنوان مبشر ... و آزادی زن نیز اورا بزرگ میدارند.
احزاب کارگری... پرچمداران مارکسیسم — لنینیسم به پیروی ازآموزش انقلابی لنین پیشاهنگان راه آزادی و برابری زنان هستند و طبقه ی کارگر درعین حال که برای آزادی خود مبارزه میکند، برای تامین آزادی زنان بمفهوم لنینی‌آن درصف اول مبارزه قراردارد. لنین میگوید:

"پرولتاریا نمیتواند خود راآزادکند، بدون آنکه برای‌آزادی کامل زنان مبارزه کند." (۳۹)

طبقه ی کارگرایران نیز نخست درصفوف حزب کمونیست ایران و سپس زیرپرچم حزب توده ی ایران شعار برابری زن بامرد رااعلام نمود و درراه تحقق آن سرسختانه مبارزه کرد. فراکسیون پارلمانی حزب توده ی ایران درمجلس چهاردهم برای اولین بار طرح برابری قانونی‌زن و مرد رابه مجلس برد. شاه‌که امروز سالوسانه خود را "آزادکننده‌ی زنان ایران معرفی میکند، آنروز ازمخالفان سرسخت این طرح بود وبدست عمال دست نشانده ی خود درمجلس چهاردهم هم مانع ازتصویب آن گردید. آنچه امروز تحت عنوان حقوق سیاسی‌و حقوق خانوادگی، زنان ایران بدست آورده اند، صرفنظرازمحتوی‌آن، اولا محصول فرعی مبارزات طبقه ی کارگرایران و سایرنیروهای پیشرو است و ثانیاازجمله ی همان رفورمهائی استکه درا کثرکشورهای‌سرمایه داری جهان نیم قرن پیش وتازه درعرصه ای بمراتب وسیعترانجام شده است. برای آنکه روشن شودکه خاندان پهلوی و شخص شاه تاچه حد ترمز پیشرفت زنان ایران بوده باید یادآورشدکه ازمیان ۱۱۰ کشورجهان که تاسال ۱۹۶۶ به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب

---

(۳۸) — Frauen der ganzen Welt — شماره ی ۳ — ۱۹۶۹

(۳۹) — لنین — جلد ۳۰ — صفحه ی ۳۶۲

شدن داده اند ایران صد و یازد همین کشوراست(٤٠) ٠

زنان پیشرو ایران بخوبی آگاهندکه از رفورمهای شاه تاآزادی قطعی زنان فرسنگهافاصله است و این فاصله راجز بامبارزه در کنار طبقه ی کارگرایران برای تامین استقلال کشور و رهائی کلیـــــه ی زحمتکشان از قید امپریالیسم و ارتجاع نمیتوان پیمود٠ نمونه ی کشورهای سوسیالیستی و قبل از همـــــه نمونه ی زنان نخستین کشورسوسیالیستی جهان اتحاد شوروی به آنان چنین آموخته است٠

" احزاب کمونیستی که زنان در فعالیت آن بطورتساوی شرکت دارند باقاطعیت ازخواستهای آنان پشتیبانی میکنند ومسئله ی رهائی زنان رابمثابه عامل مهمی برای جنبش عومی دموکراتیك تلقی مینمایند٠ نمونه ی کشورهای سوسیالیستی که در آن برابرای کامل حقوق برای زنان تضمین شده است ، برای زنانی که درجهان سرمایه داری مبارزه میکنند حائز اهمیت شایان است" (٤١)

زنان فقط در پرتو سوسیالیسم میتوانند یلدای قرون رابه سپیده دم آزادی و برابری بدل کنند ، ولی این بد ان معنانیست که باید در شرایط کنونی از مبارزه در راه خواستهای صنفی خود دست بشوینـــد٠ مبارزه در راه مطالبات سیاسی واقتصادی و اجتماعی زنان ، جزئی ازمبارزات حزب طبقه ی کارگر در راه آزادی توده های زحمتکش ازتسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی است و بهمین جهت زنان پیشاهنـــگ باید متشکل کننده و سمت دهنده ی مبارزات توده های زنان در راه مطالبات صنفی و اجتماعی وسیاسی آنان باشند ٠

بذری که لنین بزرگ باآزادی زن شوروی در اندیشه ها پاشید ، سرانجام روزی در سراسرجهـــان و ازجمله در کشورما بر شیرین خود را ببارخواهد آورد٠ در پرتو مبارزات طبقه ی کارگر ایران و تغییـــــر روز افزون تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم ، سرانجام راه برای تحولات انقلابی میهن ما و در نتیجه آزادی و برابری کامل زنان گشوده خواهد شد٠

---

(٤٠)ــ The Political Right of Women ضمیمه ی مجله ی Women of the Whole World ــ شماره ی ٤ سال ١٩٦٧

(٤١) اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی وکارگری (مسکو، ژوئن ١٩٦٩) چاپ فارسی ــ صفحه ی ٢١



"خوب نگاه کنید ! این است لنین . این جمجمه‌ی خودرأی "
" و لجوج . یك جمجمه‌ی اصیل دهقانی روس با برخی خطوط "
" آسیائی . این جمجمه خیال دارد دیوارها را سرنگون کند . ممکن "
" است خورد شود ، ولی هرگز تسلیم نخواهد شد ... "

نوشته‌ی روزالوکزامبورگ درباره‌ی لنین در سال ۱۹۰۷

عالیه‌مرامی

حزب تودهٔ ایران و نهضت زن در ایران

موضوع زن یکی ازصورمسئله اجتماعی است، ماهمزمان یک‌تحول اجتماعی میباشیم که هرروز گسترده میشود، یک‌نهضت، یک‌جنبش فکری درهمه طبقات محروم اجتماع هرروزبا شدت بیشتر به چشم‌میخورد. طبقات‌حاکمه‌کشورهای‌سرمایه داری‌متوجه‌هستند که زیرپای آنها سست شده است هزارها پرسش پیش‌آمده که درباره‌حل آنها بحث میشود، یکی ازمهمترین این‌مسائل که‌امروزدربرابر همه قرارگرفته است موضوع زن میباشد. زن چه‌مقامی درساختمان اجتماعی ما باید داشته باشد؟ چگونه‌میتواند همه‌نیروی‌خود، همه استعداد خودرا تکامل بخشد تا بتواند دراجتماعات انسانی یک عضوکامل دارای همه‌گونه حقی باشد وبتواند فعالیت خودرا به‌کمال برساند؟ ازنقطه نظرما این پرسش همپا با مسئله دیگری است که‌عبارت‌میباشد: انسان‌چه سازمان اجتماعی باید داشته باشد تا به‌جای ستم، بهره‌کشی، احتیاج، فقروبا هزاران شکلی که به‌خود میگیرد، بشریتی آزاد، اجتماعی کاملا تندرست چه ازنقطه‌نظرجسمی وچه ازنقطه نظراجتماعی به‌وجود بیاید؟

پس مسئله مربوط به‌زن برای ما یکی ازجنبه‌های مسئله اجتماعی به طورکلی است که امروزهمه اندیشه‌ها وهمه افکاررا به‌حرکت درآورده است. درنتیجه این‌موضوع نمیتواند چنانکه ببل درکتاب "زن‌وسوسیالیسم" میگوید، راه‌حل نهائی خودرا به دست بیاورد مگراینکه تضادهای‌اجتماعی ازمیان برداشته شود ودردهای‌ناشی ازآن ازبین برده شود.

اکنون باید دید حزب توده ایران درباره‌زنان درطی زندگی خود وازآغازچه راهی راانتخاب نموده وچه‌کرده است؟ حزب توده ایران درجانزده است، نایستاده است وبرای یک‌روزهم به‌وجود نیامده. راه پیماد رزندگی وسازندگی آن‌میباشد وبه‌همین دلیل با نشیب وفرازها روبروگشته وباعقب نشینیها وپیشرفتها دست اندرکارود شواریها را با سرسختی کوشیده ازجلوبردارد وهربا را زهمان آتش وخاکستری که دشمن میخواسته اورادرآن‌نابود سازد سرزنده‌تر، هشیارتر، آزموده‌ترسربرآورده وندا ودعوت خودرا بگوش مردم رسانده است.

وزنها هم که ازمردم ایران‌میباشند ازهمان آغازحزب توده ایران دربرنامه‌خود گذاشته است که‌نه‌تنها باید کوشید که زنها به‌حق مساوی با مردان برسند بلکه‌آنها رادعوت نمود که درهرکاری ودرهر مبارزه ای که‌کشورومردم ایران باآن روبرومیشوند شرکت جوید وبه‌خصوص کاردفاع ازحق خود راخود در دست گیرند.

پس ازحزب کمونیست ایران‌که‌دوران بسیارکوتاهی توانست فعالیت نماید نخستین ویکتا حزبی که‌جنبش‌آزادبخش زنان راازجنبش کارگری جدا نکرد واین هردوراوابسته هم دانست وپیشرفت هردورادریک خط ودریک‌راه دید حزب توده ایران میباشد. آن روزکه حزب توده ایران چنین‌نظروعقیده ای رااعلام کرد، نهضت کارگری ونیروی‌آن درایران ضعیف وپراکنده بود. آن روزکه حزب توده ایران خواست که زن‌حق مساوی با مرد درهمه شئون اجتماعی داشته باشد قانون رسمی‌ایران اورانابالغ میدانست وهمه‌نیروی ارتجاع زن راازصحنه اجتماع میراند وهرجاهم که میشد ولازم بود

اورابرای استفاده بیشتراستثمارمینمود ،کارزنان در دهات ، در کارگاههای قالیبافی ، پارچه بافی وغیره . . . نموداری ازاین وضع بود .
در گوشه وکنار درگذشته زنهائی برای گرفتن حق بهپاخاستند وبودند زنان ارجمندی که با این وضع اجتماعی واین قوانین ننگین درافتادند . مبارزه آنها در آن شرایط دشوار اجتماعی درخوراحترام وشایسته تکریم است، اما آنچه که مبارزه حزب توده ایران را ازگذشته مشخص میسازد همین نقطه حساس میباشد وابستگی آزادی وترقی زن ازمبارزات وآزاد شدن طبقه کارگرو بر روی این پایه علمی ومنطقی حزب توده ایران دعوت خود راآغاز نمود وتابه امروزهم آنرا پایه کارخود در این زمینه میداند ویگانه راه درست برای آزاد شدن زن .
در نهضتهای گذشته اروپا زنان میدان وسیع تری برای مبارزه داشتند ، روی اصل پیشرفت صنعت وآزادیهای اجتماعی بیشتر در این کشورها اما تاروزی که مبارزه خود را با مبارزه پرولتاریائی پیوند ندادند موفقیتی نصیبشان نگردید ، واین پیوند آن روز امکان پیدا کرد که مارکس وانگلس پایه های فلسفه خود را ریختند ونقش سازنده ورهبری طبقه کارگررا در اجتماع بشری روشن نمودند .
هنگامیکه حزب توده ایران زنان را دعوت بچنین مبارزه ای نمود هنوز زن آنقدر وابسته به مرد بود که حتی زنان بیدار ، زنان آرزومند آزادی وخواهان حق این برابری واین مبارزه را با نگرانی مینگریستند ونمیتوانستند باورکنند که چنین چیزی امکان دارد وگروه کثیرزنان به سروری پدروشوهر ویابرادر گردن مینهادند وآنرا امری درست میدانستند وفرمانبرداری خود را درست‌تر .
قدرت بی حد وحصری که قانون وآداب بهمرد داده بود درطی قرون این روحیه واین برخورد را به این موضوع اساسی به وجود آورده بود ، وحزب توده ایران کمرهمت بست که با آن مبارزه نماید وهمه این قوانین را نادرست اعلام نمود وزن ومرد رادعوت کرد که برای ازمیان برداشتن آنها مبارزه و همکاری نمایند وخود پیشتازوپیشقدم شد ورسما زنها را درصفوف خود پذیرفت به آنها حق رای مساوی درهمه شئون حزبی ودرهمه مسائل مربوط به آن داد و رسما خواست که بهزن حق شرکت درسیاست کشورداده شود ودرانتخاب کردن وانتخاب شدن همانند مردان شرکت نماید .
واین کاردراجتماعی بود که شهادت یک زن بهتنهائی درهیچ محکمه ای پذیرفته نمیشد وزن راناقص العقل میخواندند ولی حزب توده ایران حزبی طرازنوین بود وبا این اقدام آنرا ثابت کرد .
با پیشرفت نفوذ حزب درطبقه کارگرو تشکیل شدن آن دراتحادیه های کارگری ، زنان ازقشرها وطبقات مختلف اجتماعی روبه حزب آوردند ودرسازمانهای مختلف وابسته به حزب راه یافتند ، عضو شدند وهمکاری قابل تحسینی نمودند دراتحادیه های کارگری ، دانشجوئی ، صنفی ، سازمان جوانان وبالاخره درسازمانهای مربوط بهخود شان مانند " تشکیلات زنان " و " سازمان زنان ایران " زنان باشوروشوق نشان دادند که دعوت حزب رادرک نموده وپذیرفته اند . این رغبت به اندازه ای چشمگیر بود که دستگاه حاکمه وارتجاع ایران برای مبارزدن به این غلیان وخنثی کردن نقش حزب درمیان توده های زن سازمانهای گوناگون دیگری ازمجامع خیریه گرفته تا حزبی خاص زنان تشکیل داد اماهیچیک ازآنان نتوانستند نفوذی درمیان زنان به دست بیاورند ویکی بعدازدیگری ازمیان رفتند .
حزب توده ایران صادقانه ومصرانه برنامه کارخود را دنبال مینمود وباحوصله ازراه تشکیلات زنان وابسته به حزب کوشش میکرد که زنها را به اصول سیاسی آشنا سازد وبه راستی بفهمانند بقبولاند که آزادی وبرابری ازکارسیاسی جدا نمیتوانند باشد وسیاست همپای زندگی هرروزی آمیخته است . در حوزه های حزبی برای روشن کردن زن ازهیچ کوششی فروگذار نمیشد ونباید ازچشم دورداشت که بودند وفراوان هم ، کارگران واعضاء حزب که با همه جان ودل معتقد به حزب وخط مشی سیاسی آن بودند

اما با چشم لازم به زن نمینگریستند و او را موجودی برابر حقوق نمیشمردند . حزب توده ایران هم از میان مردم برخاسته بود و آغشته با همه رسوم و آداب خوب و بد اجتماع بود و در اینجا هم باید باد باید احترام به کوشش حزب نگریست و از آن یاد کرد چون این مبارزه نه تنها در سطح اجتماع آن روز بود بلکه مبارزه ای هم بود با خود و با سنن که با آنها هر فرد ایرانی بار آمده است .

با این دشواری که کوچک هم نبود در همه جا و با هر کس میبایستی با حوصله در افتاد روشن کرد گفت و دفاع نمود . میتوان به جرات گفت که یکی از سخت ترین مبارزات حزب از نقطه نظر نهضت زنان از آغاز همین بود و امروز هم میباشد . حزب توده ایران قدرت دولتی در دست ندارد که قوانین را به خاطر مرد و برای مردم وضع نماید اما درستی راه آن فلسفه اجتماعی بزرگ و صحیحی که پایه آنست توانائی کار و نفوذ آنرا در مردم همچنان پابرجا نگاه داشته و روز به روز هم ریشه های زیادی میدواند و راه درست را برای مرد و زن روشن مینماید .

اگر امروز هم در ایران نهضتی به نام نهضت زن به وجود میآید یکی از علل اساسی آن نفوذ حزب و شعارهای مترقی آن برای زنان میباشد تا آن اندازه این نیرو بزرگ است که حتی به زن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن میدهند علیرغم تمایل شخص شاه که زن را آشکارا پست و نالایق میداند ، در اینجا ما را کاری به شکل به کار بردن این قانون نیست امروز چه زن و چه مرد در ایران به دستور انتخاب میشوند و تنها آن کسانی که صد در صد سرسپرده دستگاه و امپریالیسم هستند ، اما این واقعیت را هم باید دید که قانونی دیگر وجود دارد و اینرا زنها مدیون مبارزه پیگیر و روشن حزب توده ایران میباشند .

این مبارزه در طی این سالها که حتی نام حزب توده ایران متشکل و زنده را " حزب منحله " گذاشته اند دنبال شده و نتیجه ای درخشان در ایران به بار آورده است بیداری توده مردم و آمادگی جلو افتاده ترین عناصر آنها برای مبارزه .

بهترین نمونه اعتصاباتی استکه امروز در سراسر ایران به وجود میآید طبقه کارگر ایران دوران خاموشی را پشت سر گذاشته است و از رخوت و پراکندگی بیرون آمده است آیا زنان را میتوان از این نهضت جدا کرد ؟ هرگز ! گزارشات از ایران نمودار شرکت مستقیم زنان در این اعتصابات میباشد نقش خانواده های کارگری که از اعتصاب کارگران جانبداری مینمایند ، کمک میرسانند ، بسیار چشمگیر است و نقش بزرگ " مادر " را در کتاب مادر گرکی به یاد میآورد .

دانشجویان پرشوری که دست به اعتصاب میزنند برای شرایط بهتر تعلیماتی برای رهائی از فشار ساواک با شعارهای سیاسی در راه آزادی ایران تنها از مردان نیستند ، دختران زیادی با آنها هم آهنگ هستند و چه بسا که پرچمدار این تظاهرات میشوند و زیاد هستند دخترانی که کشته شده اند و شعارهائی که برای عملی ساختن آنها این جوانان شهید میشوند شعارهای حزب توده ایران برای آتیه و زندگی فردای ایران است

گروه بیشمار مادران و زنان زندانیان سیاسی در پشت دیوارهای زندانهای هولناک ، بیداری آنها ، مبارزه هر روزی آنان ، در افتادن دائمی آنها با مامورین زندان ، نمودار نیروی بزرگ و هشیاری است که هدف دارد ، میداند و از زندانی خود دفاع مینماید . این گروه بزرگ زن که با ایستادگی اراده ، دشواریها و سختگیریهای مامورین را خنثی مینمایند ، سرچشمه وحشت برای دستگاه حاکمه شده است تا آنجا که برای خاموش نگاه داشتن آنان زندانیان را شکنجه بیشتر میدهند ، آیا میتوان این نیروی از خود گذشته و بیدار را از میان برد ؟ مادران نشان داده اند که نمیشود ، مگر نه این است که مادر هوشنگ تیزابی شهید بزرگ حزبی با سربلندی به مامورین میگوید : افتخار میکنم که پسرم در راه آرمان بزرگش کشته شده است " این است آنچه را که حزب در زنهای بسیار به وجود آورده است فداکاری

وگذشت بیداری وایستادگی تاآن اندازه‌که‌مرگ فرزند دربرابر هدف عالی همه‌مردم تنها دل مادر خاموش میسازد امانه‌نیروی مبارزجوی اورا .

نفوذ حزب توده ایران در تظاهرات زنان که‌مرتب ودرگوشه‌وکنار ایران بوجود میاید به چشم میخورد . دسته‌جمعی باشعار واتحاد بخیابان میایند وصدای خود را بگوش جهانیان میرسانند . این راه‌را حزب توده ایران جلوی پای زنان گذاشته است تظاهرات خانواده‌های افسران وسربازانی که‌به ظفار فرستاده شده بودند تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی تظاهرات زنان برای کمبود آب ، وبالاخره اعتصاب دسته‌جمعی زنان در مقابل گوشت یخ زده وگندیده ای که‌به آنها بافشار میخواستند بفروشند ، اینها است نمونه ای از مبارزات زنان در ایران امروز که از دستورات حزب الهام گرفته واز طرزکار آن سرمشق میگیرند .

یکی از علل دیگری که امروز دستگاه محاکمه را وادار نمود که امروز از زن وحق او بگوید نیازمندی به‌نیروی کار زنان است واینرا پی برده وعلنا هم میگویند از شاه گرفته تا اشرف وهویدا .

حزب توده ایران از روز نخست اعلام داشته که‌نیروی زن نباید عاطل بماند ودرک وشخصیت اورا نباید باطل گذاشت ومیخواست که راه برای شکوفان شدن این نیرو باز باشد تا زنها بتوانند استعداد و فکرخود را در راه آموختن ، پرورش داده وآنرا بکار بندند . ببینیم دستگاه محاکمه با این گفتار خود چه نظری دارد " لافارگ " میگوید : سرمایه داری زن را از خانه بیرون نکشیده وبه‌کار تولید اجتماعی وارد نکرده که اورا آزاد نماید بلکه‌میخواهد از او بیشتر ووحشیانه‌تر نسبت به‌مرد بهره‌کشی نماید زن استثمار شده از طرف سرمایه داری با فقر ورنج یک زحمتکش دست به‌گریبان است بعلاوه که بار همه زنجیرهای گذشته را هم باید بکشد ، فقر اقتصادی او شدت مییابد ، در عوض اینکه پدر ویا شوهر که قانونا براو حکمفرما هستند نان اورا بدهند ، باید او زندگی خود را خود تامین نماید وزیر این عنوان که‌نیازمندیها او کمتر از مرد است مزدش کمتر از مرد میباشد وهنگامی که‌کارش پایان مییابد تازه‌کار خانه شروع میشود . . .

چه‌گویا ودرست است این‌گفته لافارگ ، اکنون دو نمونه از زندگی زنانی که امروز در ایران کار میکنند آورده میشود

۱ ـ در کارخانه پارس توسپیا در حدود دو هزار کارگر وکارمند کار میکنند بیش از شصت درصد کارگران این‌کارخانه را زنها تشکیل میدهند وبه‌کارگران زن در ابتدای استخدام پس از سه‌ماه روزانه پانزده تومان دستمزد داده میشود ودر هر سال دستمزد آنها بیش از سی ریال افزایش نخواهد یافت و بهمین دلیل کمتر زن کارگری پیدا میشود که دستمزدی بیش از ۲۵۰ ریال دریافت دارد . بسیاری از کارگران از دهات اطراف رشت به‌کارخانه میایند وعلاوه برآنکه روزی سه الی چهار تومان از دستمزد خود را برای کرایه‌ماشین میپردازند دو ساعت از وقت آزاد خود را باید صرف آمدن به‌سرکار خود بنمایند زیرا این‌کارخانه با این تعداد کارگر اصلا وسیله‌رفت وآمد ندارد وبهانه‌کارفرمایان این است که‌کارخانه در وسط شهر است وبهمین دلیل باید اکثرا برای رسیدن به‌سرکار از تاکسی استفاده نمود که برای هربار باید بیست الی سی ریال پرداخت وباوضع ترافیک شهر رشت باید دو ساعتی را در انتظار تاکسی بود تا بموقع رسید . واگر کارگری پنج الی شش دقیقه ودر بعضی موارد حتی یک دقیقه دیر سرکار بیاید یک‌ساعت از دستمزد او کم میشود . از نظر مسکن وضع کارگران بسیار بد است ، در شهر به‌ندرت اتاق پیدا میشود واگر هم پیدا شود حداقل کرایه‌آن ۳۰۰۰ ریال در ماه است ، بنابراین وضعیت زندگی یک کارگر این‌کارخانه‌که حتی به‌گفته خود کارگران از سایر کارخانه های رشت بهتر است به صورت زیر است : اگر کارگری را با دو فرزند در نظر بگیریم وحد اعلای حقوق اورا هم ۷۵۰۰ ریال بدانیم زندگی او بدین شکل است : درآمد ۷۵۰۰ ، کرایه اتاق ۳۰۰۰ ، کرایه رفت‌وآمد ۹۰۰ ریال ، باقی میماند ۳۶۰۰ ریال ، لذا این‌کارگر باید با این ۳۶۰۰ ریال پوشاک ، خوراک ، درمان وهمه چیز دیگر را تامین نماید

وفراموش نشود که سیب زمینی کیلوئی ٥٠ ریال ، پیازکیلوئی ٥٠ ریال ، تخم‌مرغ ٦٢ ریال وگوجه فرنگی امسال در راه‌وازنه در رشت کیلوئی ٢٠٠ ریال میباشد . با آنکه کارگران برطبق قانون‌کار ١٢ روز در سال مرخصی دارند ولی کمترکارگری پیدا میشود که بتواند ازاین ١٢ روزمطابق دلخواه خوداستفاده نماید . زمان این مرخصی راکارخانه تعیین مینماید وکارگرانی هم که با تولید مدام سروکاردارند حداکثر در سال سه روزیا چهارروزمرخصی بیشترندارند ، دربعضی ازقسمتهای کارخانه کارتوانفرسااست ، کارگرانی که با مواد شیمیائی خطرناک سروکاردارند ویا درمحیطی پرازگرد وخاک حاصل ازمواد شیمیائی ودرگرمای بسیارزیاد کارمیکنند هیچ حقی ازاین بابت نمیگیرند . درباره سود ویژه وپاداش جمعا به کارگران باندازه سه ماه حقوق یعنی درحدود دوهزارتومان پرداخت میشود که البته این مبلغ راکارگران یا بخود کارخانه ویا به افرادی دربیرون بدهکارهستند. وکمترکسی پیدا میشود که مبلغی از آنرا بتواند صرف خرید لباس ووسیله لازم برای زندگیش نماید . این گزارش این جمله لافارگ رابه خوبی منعکس میسازد : " سرمایه داری میخواهد اززن بیشتروحشیانه ترازمرد بهره‌کشی نماید " .

واینک مثال دوم راازروزنامه کیهان ٢٦ اردیبهشت ١٣٥٥ شماره ٩٨٦٣ نقل میکنیم :

" مسئولان سازمان تامین درمانی معلوم نیست با چه هدفی به ساعات کارپرستاران ، درهفته افزوده اند وبرنامه خسته‌کننده ای به پرستاران بیمارستان تحمیل میکنند ومیگویند اشکالی ندارد اگر پرستارایرانی نتواند دراین شرایط کارکند پرستارفیلیپینی که هست ، دیگراینکه دربیمارستان سرخه حصار، ١٥٠ تومان اضافه‌حقوق که بعنوان حق تقویت درمحیط نامساعد پرداختمیشده ، قطع شده است " .

دراین خبرکوتاه وحشیگری ، ستم بی حد وحصر ، توهین بی مرزنسبت به‌زن دیده میشود ، اورا استثمارمیکنند ، حق اورانمیپردازند وباکوچکترین بهانه ای اورابیرون میاندازند وپرستارفیلیپینی به جایش مینشانند . این است ادعای برابری‌زن وداشتن‌حق اوازنقطه‌نظردستگاه‌حاکمه .

اکنون برنامه حزب توده ایران ـ حزب مارکسیست ـ لنینیستی چه بوده وچه‌هست ؟

خوب است ابتدا گوش به‌سخنان لنین بداریم :لنین در " قدرت شوراها ووضع زن " میگوید وضع زن به‌وجه‌خاص وروشن تفاوت میان دموکراسی بورژوائی ودموکراسی سوسیالیستی رانشان میدهد وبه طورعینی پاسخگوی پرسشی است که شده . دریک جمهوری بورژوائی (یعنی آنجائی که‌مالکیت خصوصی زمین ، کارخانه‌ها ، کارگاههای دستی وغیره . . . وجود دارد) هراندازه هم که دموکراتیک باشد ، زن ازتساوی کامل درهیچ جای دنیا ، درهیچ کشورحتی جلوافتاده ترین آنها برخوردارنیست درحالی که بیش از ١٢٠ سال است که ازانقلاب بزرگ فرانسه گذشته است ، انقلاب دموکراتیک بورژوائی "حتی جلوافتاده ترین آنها تساوی قانونی رابامرد بدست نیاورده اند ودرهیچ جاآنها ازقید قیمومت ویوغ مرد آزاد نشده اند ، دمکراسی بورژوائی ، دموکراسی جمله‌های پرطمطراق ، کلمات رسمی ووعده های‌گند‌ه‌گنده وشعارهای آزادی وتساوی میباشد ، همه این جملات پوششی است برای اسارت‌ونابرابری زن وبردگی ونابرابری زحمتکشان استثمارشده .

دمکراسی شوروی ویاسوسیالیستی جملات فخیمه ، دروغ پرداز رابه دورمیاندازد وعلیه دوروئیهای " دمکراتها " مالکین بزرگ : سرمایه داران ، دهقانان سیرکه بافروش زیادی گندمشان به‌کارگران‌گرسنه دربازارسیاه خود شان راچاق وچله نگاهمیدارند جنگی بی امان‌اعلام میدارد ، مرگ براین دروغ ننگین هرگز" برابری " میان ستمدیده وستمگر استثمارشده واستثمارگرنبوده ، نیست ونخواهد بود ، آزادی حقیقی زن‌نبوده ، نیست‌ونخواهد بود تاآن‌زمان که‌زن ازقید امتیازاتی که قانون به‌مرد داده است آزاد نشده ، تاآن‌زمان که کارگرازیوغ سرمایه‌نجات نیافته ، تاآن‌زمان که دهقان زحمتکش ازیوغ سرمایه‌مالکین بزرگ ، سوداگران ثروتمند رهائی نیافته است .

بگذاریم دروغگوها، دوروها، احمقها، کورها وبورژواها وطرفداران‌شان مردم را با گفتن از آزادی بطورکلی، ازبرابری بطورکلی وازدمکراسی بطورکلی به اشتباه بیاندازند

ما به کارگران ودهقانان میگوئیم، روبند راازروی این دروغگوها بکنید، چشمان این کورها رابـاز نمائید وازآنها بپرسید برابری کدام جنس باکدامین جنس؟ برابری کدام ملت باکدامین ملت؟ برابری کدام طبقه باکدامین طبقه؟

آزادی ازنقطه نظرکدام یوغ ویا یوغ کدام طبقه؟ آزادی برای کدام طبقه؟ آن کس کـه از سیاست دمکراسی، آزادی، برابری، سوسیالیسم صحبت میدارد بی اینکه این پرسشها رامطرح نماید بی اینکه آنهارا درجه اول قراردهد، بی اینکه علیه کوششهائی که برای پوشاندن، قایم کردن، بـی ضررنشان دادن آنها میشود مبارزه نماید، بدترین دشمن زحمتکشان است، گرگی است درلبـاس گوسفند وحشی ترین دشمن کارگران ودهقانان، نوکرمالکین بزرگ، تزاروسرمایه داری میباشد. در طی دوسال دریکی ازعقب افتاده ترین کشورهای اروپا، قدرت شوراها برای آزادی زن، برای برابری او با "جنس" قوی بیشترازآن کرد که درطی بیش از ۱۳۰ سال همه جمهوریهای دموکراتیک پیشرفتـه وروشن شده دنیا نموده اند. تعلیم، فرهنگ، تمدن، آزادی همه این واژه‌های قلمبه، درهمـه جمهوریهای بورژوائی ــ سرمایه داری باقوانینی همبستگی دارد که برای پستی آنها تامی نیست وپلیدی آنها تهوع آوراست وخشونت آنها درمنش وبرنابرابری زن وقوانین ازدواج وطلاق امتیازات مردان، پستکردن وتوهین نمودن به زنها صحه میگذارد" (نوامبر ۱۹۱۹).

حزب توده ایران به مناسبت ماهیت فلسفه مارکسیستی ــ لنینیستی که دارد ازهمان آغـاز ازاین گفته ودیگرگفته‌های بزرگان این مکتب الهام گرفته است وکوشش نموده که ازهمه دروغها وتزویـر ها پرده دری نماید وهمیشه دربرابرهمه ادعاها این پرسش رامطرح کرده ومیکند برابری زن با مرد در کجا وبه چه شکل آیا تنها دربهای کارگاه ها باکارطاقت فرسا با دستمزد کمتراست وآیا برابری زن درکشتـه شدن درصف مبارزین است، آیا مادرایرانی میتواند با دلی آسوده امید واربه پرورش وآموزش فرزنـدش باشد آیا فرق میان بچه دهقان با بچه سرمایه دارنیست..

پرسشها بیشمارهستند وتهی بودن قوانین فرمایشی درایران که حتی دمکراتیک بورژوائـی نیست وکشوری است تحت فشاروستم یک دیکتاتورخونخوار بادونمونه بالا به اندازه کافی روشن شده است.

حزب توده ایران بااین دروغها، بااین ستمها بااین دستگاه مبارزه ای اساسی میکند وقدم به قدم روبند ازچهره کریه آنها برمیدارد ودروغپردازیها رارسوا مینماید ومردم ایران رادعوت به مبارزه مینماید ودراین مبارزه زنان راهمپای مردان میداند وازآنها میخواهد که حق خود رابگیرند.

حزب توده ایران با راهنمائیها باکوشش خستگی ناپذیر، آنی ازوضع مردم ایران غافل نبوده و نیست واگرروزی بالا جبارعقب نشینی کرده نه این است که دست ازمبارزه برداشته ویا ازکارزارگریزان است درهرجاکه باشد با نیروئی بیشتروهمیشه آماده درصف جلوی نیروهای مترقی ایران است، وبا فلسفه بزرگ خود راهنمای آنها.

همانگونه ازروزی که پرولتاریا دراتحاد جماهیرشوروی قدرت رادردست گرفت شکل ووضـع اجتماعی دنیا به طوربارزتغییرکرد ومینماید، حزب توده ایران هم درمقیاس ایران با مبارزات خـود به مناسبت اینکه تکیه به نیروی طبقه کارگردارد درتغییروضع وشکل اجتماع ایران نه تنها موثربوده بلکـه نقش بسیاربزرگی داشته است.

حزب توده ایران ازآغازکاربرای روشن کردن مردم ایران چه زن وچه مرد راه درست رانشان داد وخواست که آنها پایه مبارزه خود رابرروی تحلیل ومنطق بگذارند وخود جویا باشند وببینند که شکـل اجتماعی ایران وساختمان آن چگونه است وچه طبقاتی وجود دارد واهرم زندگی دردست کدام طبقه

وقشراست وامروزهم همین را میگوید وروشن میسازد .

اجتماع ایران که برپایه سرمایه داری گذاشته شده است توده مردم در آن اسیرواستثمار شده میباشند . در گذشته دور زن برده بود ودر اجتماع ایران از هر حقی محروم بود وامروزهم این بردگی همچنان ادامه دارد نه حلقه ای ازاین زنجیر اسارت کم شده ونه به راستی به معنای واقعی حقی به زن داده شده است .

وباید با دیده روشن به این واقعیت نگریست وهمیشه ودر هر جا پرسشهای لنین را در برابر پیش آمدها ، لاف وگزافها ، قوانین پرسروصدا وتوخالی وتظاهرات ریاکارانه مطرح نمود وبا در دست داشتن پاسخ درست میتوان مبارزه پیگیروصحیح را دنبال نمود. این است آنچه را که حزب توده ایران در طی ۳۵ سال عمرپرازنشیب وفرازخود نمود ، ۳۵ سال که لحظه ای است در تاریخ اما به جای خود عمری است ودر این لحظه حزب توده ایران بیدار وآماده بود ووظیفه ای که همین تاریخ انسانها به او واگذار نموده تا آنجائی که توانسته انجام داده است ووفادار به گفته ها وخواستهایش بوده وچنان اثر این مبارزه عمیق بوده که امروزحتی در ایران که وحشت ، شکنجه وبیدادگری حکمفرما است ناگزیرشده اند که ازحق زن بگویند .

بیگانه سازمانی که زن را از هر طبقه وهر قشر از هر ملیت واز هر مذهبی برابر با مرد میداند ومیخواهد که نیروی او فکر وابتکار او پرورش یافته وبرای پیشرفت ایران به درستی به کار بسته شود حزب توده ایران است . بر این سازمان بزرگ توده ای روشن است که بدون نیروی زن اجتماع پیشرفت ندارد .

بگذارید با گفته ای از مارکس این گفتار پایان یابد " در نامه ای که مارکس برای کوگلمان در ۱۸۶۸ فرستاده چنین مینویسد :

" همه آن کسانی که اطلاعی از تاریخ دارند ، میدانند که تغییرات بزرگ اجتماعی بدون خمیر مایه نیروی زن غیرممکن میباشند ، ترقی اجتماعی دقیقا با موقعیت اجتماعی جنس زیبا اندازه گیری میشود (نازیباها هم جزو آن هستند " .

هنرمندان! میدان خدمت به خلق و آرمانهایش در گسترهٔ هنر وسیع و تأثیر آن در جانها شگرف است . با سخن و تصویر و نغمه ، دیو استبداد و استعمار را بکوبید!

مریم فیروز

موقعیت و نقش زنان در اتحاد جماهیر شوروی

" نهضت کارگری زن خود را با یک برابری ظاهری دلخوش نمینماید، بلکه وظیفه اساسی خود را در این می بیند که برای بدست آوردن برابری اقتصادی و اجتماعی زن مبارزه نماید. شرکت دادن زن در کار پرثمر اجتماعی، رها ساختن او از "بندگی خانوادگی"، آزاد کردن او از یوغ خرف کننده و تحقیرکننده ابدی و انحصاری آشپزخانه و اتاق بچه ... این است وظیفه اساسی. این مبارزه طولانی خواهد بود و نیازمند به یک تغییر اساسی در تکنیک، اجتماع و آداب است، اما با پیروزی کامل کمونیسم پایان خواهد یافت " (لنین، درباره روز بین المللی زنان کارگر، مارس ۱۹۲۰).

زمانی لنین این سخنان را میگفت که در سراسر کشور شوراها آشوب و بلوا برپا بود، هنوز در جمهوری های آسیائی، خان ها و ثروتمندان زن را کنیز خود میشمردند و هیچ زنی نمیتوانست به زندگی آزاد، زندگی پرثمر، زندگی شکوهمند بیاندیشد. امروز پس از شصت سال که از انقلاب کبیر اکتبر میگذرد، چه بجاست که پیشرفت زنان شوروی را در این دوران یعنی یک عمر انسانی بررسی نمائیم و ببینیم آیا آنچه را که لنین در گفته بالا آرزو کرده و آنرا پیش بینی نموده، حقیقت زندگی شده است یا نه.

پیش از انقلاب زن در روسیه مانند دیگر کشورهای با رژیم مستبد و یا سرمایه داری از حقوق واقعی و انسانی چه در اجتماع و چه در خانواده محروم بوده است و زنانی که کار میکردند با روزی ۱۲ – ۱۴ ساعت کار، مزدی کمتر از مرد داشتند. در روسیه تزاری از مجموعه زنان شاغل ۸۰٪ مزدور کشاورزی و یا خدمتکار خانگی بودند، ۱۳٪ درصد در کارخانه ها و یا در کارگاههای ساختمانی و تنها ۴ درصد در آموزش و بهداشت کار میکردند.

در آن دوران دو سوم مردم روسیه بیسواد و تنها یک چهارم از زنها قادر به خواندن و نوشتن بودند اما در میان خلقهای آسیائی بیسوادی به طور مطلق در میان زنان حکمفرما بود.

لنین از همان آغاز کار انقلابی بیشتر به موضوع زن، توجه خاصی نشان داد: در سال ۱۸۹۵ برای کارگران زن کارخانه های مختلف اعلامیه ها نوشت، در ۱۹۰۳ در کنگره دوم حزب قطعنامه "وظائف حزب نسبت به زن" بتصویب رسید، از ۱۹۱۲ که روزنامه پراودا منتشر شد، نامه های زیادی از کارگران زن در شماره های آن منتشر گردید، در ۱۹۱۴ بنا به توصیه لنین نخستین مجله زنان "رابوتنیتسا" بوجود آمد، که همه کار آن در دست خود زنان بود. در ۸ مارس ۱۹۱۷ زنان کارگر پتروگراد دست به تظاهرات وسیعی زدند و در ۱۹۱۸ نخستین کنگره زنان کارگر و دهقان تشکیل شد و لنین در آنجا سخنرانی کرد و این سخنان تاریخی خود را ادا نمود: " انقلاب سوسیالیستی نمیتواند وجود داشته باشد، اگر قسمت عظیمی از زنان

زحمتکش در آن سهم بزرگی نداشته باشند".

برای ما ایرانیان بررسی وضع زنان در جمهوریهای آسیائی بسیار با اهمیت است، زیرا امروز زندگی توده زنان ایران، کارگران و دهقانان زن، دستکمی از زندگی دوران پیش از انقلاب این جمهوری ها ندارد. بگذریم از بعضی تظاهرات و قوانین بی محتوی که امروز در ایران بروز کرده و گویا دیگر زنان آزاد شده اند.

لنین به آزادی زنان این مناطق اهمیت زیادی میداد و پس از آنکه با نمایندگان ترکستان (آسیای میانه) در تابستان سال ۱۹۲۱ ملاقات نمود، میگوید: "مظلوم ترین مظلومها برای بدست آوردن یك زندگی آگاه برپا خاسته اند. اکنون دیگر پیروزی زحمتکشان مسلم است". فشار و آداب کهنه در آسیای میانه و جمهوریهای دیگر شرقی شوروی به اندازه ای زیاد و در اجتماع پرریشه بود که با سرسختی کوشش شد که قوانین جدید را ندیده بگیرند و بخصوص کسانی که منافع خود را در خطر میدیدند از احساسات و نادانی مردم سوء استفاده کرده تا شاید بتوانند دوران سروری خود را دنبال نمایند.
تا سال ۱۹۳۱، چهارده سال پس از انقلاب اکتبر زنان در آسیای میانه هنوز چادر به سر داشتند، تعدد زوجات معمول و خرید و فروش دختران، گرچه دیگر در خفا، اما هنوز ادامه داشت.

این مظلوم ترین مظلومان زندگی رقت باری داشتند و برای رسیدن به آزادی قربانیهای فراوان دادند. در سراسر جمهوریها حتی تا سال ۱۹۲۹ـ۱۹۳۰ زنهای پیشرو را وحشیانه میکشتند، تنها در ازبکستان در سال ۱۹۲۸ دویست و سه زن آزادیخواه کشته شدند. اما همانگونه که لنین در سال ۱۹۱۹ گفته بود: "قدرت شوراها چون قدرت زحمتکشان است؛ از همان روزهای نخست زندگی خود روشی قاطع درباره قوانین زن در پیش گرفته است و از قوانینی که زن را به بردگی محکوم میکردند کمترین اثری در جمهوری شوراها نخواهد ماند" و چنین هم شده است.

زنان هم از روزی که متوجه شدند که راه درست مبارزه چیست، براستی پاسخ احترامی که لنین برای آنها قائل بود، دادند، چه در قیام سال ۱۹۰۵ و چه در انقلاب اکتبر نقش بسیار موثری داشتند و بارها لنین با ستایش از کار و مبارزه آنها یاد کرده است.

دولت جوان شوروی برای عملی ساختن آزادی زنان نیروی خود را بکار انداخت و برای این هدف کوشش شد که تاسیسات اجتماعی مانند شیرخوارگاه، کودکستان، غذاخوری هرچه بیشتر ساخته شود. سوادآموزی یکی از نخستین اقدامات بود. در سراسر اتحاد شوروی کلاسها تاسیس شدند و به دنبال آن مدارس تخصصی درهای خود را به روی زنان باز کردند. در آسیای میانه زنهای کمونیست و با تجربه روس، داوطلبانه به کمك زنان این منطقه شتافتند و با همه خطری که آنها را تهدید میکرد، زنان را آگاه نمودند و زندگی سخت آنها را برایشان روشن کردند و تشویقشان به آموختن و استفاده از آزادی نمودند و چه بسا که خود ناگزیر میشدند چادر به سر نمایند تا بتوانند به زنان نزدیك شوند. هر اندازه هم که سخت بود، این دوران دیگر جزو تاریخ شده است. و امروز در سراسر شوروی بیسوادی از میان برداشته شده است و نباید فراموش کرد که پیش از انقلاب تقریبا سه چهارم همه مردم و پنج ششم زنانی که کمتر از ۴۹ سال داشتند بیسواد بودند و در مناطق دورافتاده تقریبا همه به این درد گرفتار.
در ۱۹۰۸ موسسه‌ای تحقیقاتی پس از تحقیق پیش بینی نموده بود، که برای حل مسئله بنیادی بیسوادی زنان دویست و هشتاد سال لازم است. اما دولت سوسیالیستی این مسئله حیاتی را در طی بیست سال حل نمود.

پیشرفتها و موفقیتها یکباره بدست نیامدند. پس از پیروزی انقلاب، جنگهای داخلی و دخالت مسلحانه امپریالیسم، اقتصاد ملی را از هم پاشیده بود و کارخانه‌ها از کار افتاده، وسائل حمل و نقل خراب و نان هم پیدا نمیشد. اما حزب بلشویك برهمه این دشواریها پیروز گردید و اقتصاد خود را زنده

نمود . نقش زنان در ساختمان این اقتصاد بسیار موثر بود ، شبها درس میخواندند وروزها به کار خلاق میپرداختند وتعداد زیادی از آنها در رشته‌های گوناگون متخصص شدند .

آلمان فاشیستی برای برانداختن نخستین کشور سوسیالیستی باین کشور حمله کرد . برشمردن قهرمانیهای مردم شوروی در دوران جنگ جهانی دوم کاری است غیرممکن وآنگونه که شایسته است از خودگذشتگیها وشجاعت آنها است نمیتوان تعریف نمود . مردم شوروی در برابر حمله امپریالیسم ایستادگی نمودند ، از کوچك وبزرگ ، روستائی و شهری یك دل ویك فکر از کشور خود ، از زندگی خود دفاع نمودند .

در این سالهای سخت زنان نقش قهرمانانه داشتند . آنان چه در جبهه و چه در پشت جبهه با همه نیرو دست بکار شدند . اگر مردان به جبهه رفتند زنان جای آنها را در کارخانه ها ومزارع پر کردند ونگذاشتند که کار تولیدی حتی یك روز لنگ شود . در اقصی نقاط شوروی ودر همه شهرها بخش سنگینی از امور بدست زنان بود ، از تهیه اسلحه تا خوراك تا پوشاك چه برای جبهه وچه برای مردم .

هشتصد هزار زن ودختر داوطلبانه به جبهه رفتند ، تعداد زیادی پزشك وپرستار زن در صف اول ، در زیر آتش وظائف خود را با فروتنی وگذشت انجام دادند . داستانهای حیرات انگیزی از این زنان وجود دارد . عده زیادی از آنها امروز زنده اند و به خدمت ادامه میدهند و بسیاری هم جان خود را در جنگ از دست دادند .

این زنان در زیر آتش برابری خود را با مردان نشان دادند . آنان بصورت خلبان ، تانکیست ، تیرانداز ماهر ، پرستار ، پزشك ، کمیسر سیاسی ، یا مامور اکتشاف در همه جا جانبازی میکردند . عده بیشماری زن و مادر خانواده با پارتیزانها همکاری داشتند و وجود آنها در همه جا و در هر لباسی و در هر سنی پشتیبانی بزرگی برای پارتیزانها بود .

سه هنگ از بمب افکنهای شبانه تشکیل گردید . خلبانهای این هنگها همه زن بودند و بیست وچهار هزار بار به پروازهای حمله ای درآمدند و ۲۳ نفر از آنها مفتخر به گرفتن نشان " قهرمان شوروی " شدند . سالها پس از پیروزی ، در آلمان فدرال خاطرات یك افسر هیتلری منتشر گردید . این مرد از یك خلبان شوروی میگوید که پس از افتادن هواپیما زندانی شده بود وسوختگیهای هولناکی روی دستها وپاهای او را پوشانده بود وهنگامی که میخواستند لباس را از تن او در بیاورند گوشت وپوست با تکه‌های پارچه کنده میشد واز این خلبان کسی نالهای نشنید ودر این حال متوجه شدند که او زن است . این مرد مینویسد : تا به امروز هم برای من این پرسش وجود دارد که این زن این نیروی مقاومت را از کجا آورده بود ؟ در شهر لنینگراد که دو سال در محاصره بود نیروی اساسی درون حلقه محاصره را زنان تشکیل میدادند ودر کارخانه تعمیرات تانکها که از جبهه میآوردند اکثریت کارگران زن بودند . آنان با گرسنگی وسرمای هولناك کار خود را یك آن لنگ نگذاشتند و توانستند در آزادی این نقطه بزرگ وبا اهمیت نقش بسیار باارزش داشته باشند .

مارشال شوروی روکوسوسکی در خاطرات خود مینویسد : " هنگامی که من بیاد میاورم که ملت ما در سالهای هولناك وسخت جنگ چه کهنکردند ، بیش از هر چیز کار زنان وایستادگی آنها در خاطرم زنده میشود ، بی باکی وایستادگی آنها ما را به شوق وتحسین وامیداشت ، واین قهرمانی همه را متحیر میساخت وآنها سرمشقی برای نسل آتیه میباشند " .

پس از جنگ ، زنان که این سالهای دشوار را گذرانده بودند ، برای نوسازی کشور خود از هر جهت دست اندر کار شدند وشرکت آنها تا به امروز در همه شئون اجتماعی روزافزون است . اینك آماری چند از وضع زن در اجتماع امروز شوروی :

بنابه گزارش مرکز آمار اتحاد جماهیر شوروی نیمی از همه کسانی که در کارهای اجتماعی شاغل هستند زن میباشند . پنجاه ویك درصد کارگران وکارمندان و ۵۲ درصد کارکنان کشاورزی زن هستند . پنجاه ونه درصد متخصصین که دارای تحصیلات عالیه ویا متوسطه میباشند ، زن هستند ، در اتحاد جماهیر شوروی همه زنانی که بخواهند کار کنند از سن ۱۸ تا ۵۵ سالگی این امکان را دارند وبرای سالخوردگان هم اگر خود مایل باشند کار هست .

در بعضی رشته های مهم تولیدی ویا فرهنگی تعداد زنان بیش از مردان است . بخش عمده بهداشت مردم شوروی در دست زنان است . سه چهارم همه پزشکان زن میباشند در حالی که در ایالات متحده امریکا هفت درصد زن هستند . یك سوم مهندسین وبیش از سی درصد همه روساو متخصصین سازمانهای صنعتی زن میباشند ودرباره صنایع سبك وخواربار بهتر است چیزی گفته نشود ، اکثریت قریب بتمام آنها در دست زنان است . در صنایع مکانیك ظریف ۷۵ درصد زنان هستند .

بیش از چهل میلیون زن در مسابقات کار سوسیالیستی که وظائف خود را پیش از وقت تعیین شده ، انجام میدهند شرکت دارند . بیش از یك میلیون ونیم مدال ونشان به زنان به پاس کار پرارزششان داده شده است و ۴۰۰۰ زن بدریافت عالیترین تشویق اجتماعی که در شوروی وجود دارد " قهرمان کار سوسیالیستی " مفتخر شده اند .

در رشته کشاورزی صد وبیست ونه هزار زن با تحصیلات عالیه و ۲۰۰۰۰۰ با تحصیلات متوسطه تخصصی مشغول کار هستند وعده زیادی در میان آنها ریاست کلخوزها را دارند .

۲۲۰۰ زن عضو آکادمی های گوناگون میباشند و چهارصد هزار یا ۴۰ درصد مجموع دانشمندان زن میباشند . زن شوروی جدا از سیاست نیست وسهم بسیار مهمی در اداره امور کشور خود دارد ، در انتخابات سراسری شوروی (در سال ۱۹۷۵) یك میلیون وشصت وچهار هزار زن به عضویت شوراها انتخاب شدند ، در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی تقریبا یك سوم از همه نمایندگان زن میباشند ، یعنی ۴۷۵ نفر . در شوراهای عالی جمهوریها وخود مختاریها ۲۳۹۳ زن شرکت دارند . باز تعداد قابل توجهی زن در جمهوریها بمقام معاونت وریاست جمهوری یا وزارت رسیده اند ، مانند وزارت خارجه ، وزیر فرهنگ ، وزیر صنایع سبك ، خواربار ، آموزش همگانی وبیمه اجتماعی ، تعداد زنانی که در هیئت های نمایندگی سیاسی در خارج شرکت دارند زیاد است .

در امور قضائی تعداد زنان روبه افزایش است ، نایب رئیس دیوان عالی کشور اتحاد جماهیر شوروی زن است . ۲۷۹۴ زن بمقام قاضی خلقی انتخاب شده اند یا بگفته دیگر یك سوم همه قضات خلقی زن هستند !

زنان در حزب کمونیست اتحاد شوروی واتحادیه های کارگری وسایر سازمانهای توده ای فعالانه شرکت دارند . بیش از ۳۵۰۰۰۰۰ زن عضو حزب کمونیست لنینی میباشند (تا سال ۱۹۷۵) ونیمی از مجموع اعضاء سازمان جوانان ، دختران وزنان میباشند وتعداد آنها از ۱۷ میلیون بیشتر است .

لنین اتحادیه های کارگری را مکتب کمونیسم مینامید . نیمی از اعضاء سندیکاها امروز زن میباشند و ۲۴/۴٪ اعضاء شورای مرکزی سندیکاهای شوروی زن هستند و ۴۶/۴ درصد عضو سازمانهای اتحادیه ای جمهوریها ، استانها وشهرستانها زن میباشند .

در شکوفان کردن آموزش ودانش در سراسر اتحاد جماهیر شوروی نقش زنان بسیار ارجمند است . اکنون در کار آموزش ۱۷۱۱۰۰۰ زن شرکت دارند (۷۱ درصد شاغلین این رشته) ، تعداد کارمندان علمی زن در همه موسسات علمی ۴۳۶۰۰۰ نفر است . چهار هزار زن دکترای علوم گرفته اند و ۷۹۶۰۰ زن نامزد دکترای علوم میباشند (نامزد دکترای علوم مطابق دکترا در کشورهای اروپائی است) ودو هزار ودویست نفر عضو آکادمیهای مختلف علمی ویا استاد میباشند ، در فرهنگ وهنر وورزش نقش زنان بسیار مهم

است . بیش از ۱۵۰۰۰ زن عضو اتحادیه‌های نویسندگان ، موسیقی‌دانان ، نقاشان ، معماران و روزنامه نگاران میباشند . در المپیاد زمستانی و تابستانی سال ۱۹۷٦ ورزشکاران زن شوروی موفق بدریافت ۱۷ مدال طلا ، ۱۵ نقره و ٤۷ برنز شدند .

زنان جمهوریهای آسیائی را نباید از مجموع پیشرفتهای زن در شوروی جدا کرد ، اما بهتر است که با ز با نمونه‌هائی این پیشرفت را نشان داد . در شورای عالی آذربایجان ۱٤۲ زن عضویت دارند و عده ای از آنها به مقام وزارت رسیده و یا رئیس سازمانهای مهمی میباشند . در ازبکستان ۱۵۱ زن در شورای عالی این جمهوری شرکت دارند و ٤۰۰۰۰ زن در شوراهای محلی ، و وزیر بیمه‌های اجتماعی این جمهوری زن است . در جمهوری قزاقستان ٤۸ درصد مجموع کارکنان و کارگران زن هستند . اگر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نخستین کشور در جهان و در تاریخ است که به زنان حق برابر با مرد داده است ، باز از این کشور است که تعداد زنانی برخاسته اند و دست بکارهائی زده اند که میتوان هریك از آنها را با این واژه " نخستین " توصیف کرد . نخستین زن فضانورد والنتینا ترشکووا از کارگری در کارخانه نساجی در پرتو توجهات دولت شوروی و امکانات موجود به این مقام رسیده است ؛

نخستین زنانی که به دو قطب زمین رفته اند ؛

یگانه خلبان زن در سراسر جهان که بطور منظم به قطب شمال پرواز مینماید ؛

نخستین زنی که در دریای مدیترانه به عمق ۲۵۰۰ متر رفته است ؛

نخستین زنانی که در کشف چاه‌های نفت و معادن الماس موفق شده اند ؛

نخستین پزشك زنی که شیوه تازه ای برای عمل قرنیه چشم پیدا کرده و بکار برده است ؛

نخستین زن ستاره شناس شوروی که ده سیاره نشناخته کشف نموده است ؛

نخستین زن فرمانده کشتی اقیانوس پیما ؛

نخستین خلبان آزمایشگر که توانسته است پانزده بار با هواپیماهای جت در مسابقات جهانی شرکت نماید و موفق شود و تاکنون هیچ زنی به این سرعت و تا این اندازه در پرواز نکرده است . این بانو سرهنگ مارینا پوپویچ میباشد . همسر این خلبان فضانورد معروف پوپویچ میباشد . جای تاسف است که نمیتوان نام این زنان نامدار را برد ، زیرا صفحات زیادی لازم است .



این گفته‌ها همانند شرح معجزه ایست و یا داستان خارق العاده ای ، آیا چنین است ؟ از سوئی میتوان پاسخ مثبت داد و از سوی دیگر معجزه ای نمیتواند زندگی بیش از صد و بیست میلیون نفر را بدین شکل قاطع تغییر دهد و در ظرف شصت سال زنها را به این پایه برساند مگر رژیم سوسیالیستی .

اکنون باید دید سوسیالیسم برای رسیدن به این هدف چه کرده و چه راههائی را انتخاب نموده است . لنین در آغاز انقلاب میگوید (در سال ۱۹۱۹) : " مسلما قانون کافی نیست و ما هم بهیچوجه به صادر کردن فرمانها اکتفا نمی نمائیم . . . موقعیت زن در روسیه شوروی امروز ، نسبت به کشورهای جلو افتاده ایده آل است ، اما بنظر ما این هنوز یك آغازی است . . . ما تاسیسات نمونه بوجود خواهیم آورد ، غذاخوریها ، شیرخوارگاهها . . . برای اینکه زن را از کارهای خانگی نجات دهیم " . این برنامه که لنین پیشنهاد کرد فوری و بی درد سر عملی نشده است . اما پس از لغو قوانین نادرست ، راه دیگر باز شده بود و دولت شوروی مراقبت دقیقی میکرد که بدان آسیبی وارد نیاید . خانواده که واحد بسیار مهم اجتماعی است مورد توجه زیاد قرار گرفت . حقوق زن و مرد نسبت به کودك ، دارائی ، امور خانه برابر شد و امروز در شوروی شصت میلیون خانواده وجود دارد که همه در پناه قانون زندگی مینمایند . زن و مرد در برابر کار مساوی

حقوق مساوی میگیرند وچون اکثریت قریب بتمام زنها کارمیکنند ، باراد اره‌زند گی ماد ی‌برد وش مرد تنها نیست وازاین‌راه یکی ازمهمترین برتریهای مرد ازمیان برد اشته شده است وخانواد ه‌میتواند هم د ر رفاه زند گی کند وهم د رآرامش ووابستگی اقتصاد ی زن همچون‌کابوسی استکه د ربید اری د یگـــر وجود ند ارد وامروزد رزند گی اثری ازآن‌نیست . قوانین‌شوروی برای برآورد ه‌کرد ن‌نیازمند یهای‌مرد م (بهد اشت ،آموزش واستراحت وغیره) بود جه‌هنگفتی راد رنظرگرفته است . مثلا برای خانواد ه‌هائی کمبچه‌زیاد د ارند ویابرای کسی کمبیمار است تعطیلات باد ریافت حقوق ،عاد ی‌است . وبه طورکلـــی هفتاد د رصد مخارج تعطیلات راد رآسایشگاهها د ر اســز استراحت سند یکاها میپرد ازند .

اگرزن‌وشو هربخواهند ازهم‌جد اشو ند قانون‌شوروی منصفانه مایملك رانصف میکند . مرد باید خانــه د یگری برای خود بد ست بیاورد وزن وبچه هاد رخانه‌خانواد گی میمانند . پد رموظف است که بخشی ازمخارج بچه‌ها راازعاید ی‌خود ماهیانه‌بپرد ازد .قانون شوروی بی اند ازه مراقب تند رستی زن اســت وصریحا کارزن راد رحمایت خود قرارد اد ه است . قانون قد غن‌میکند که به‌زن نباید کارسنگین‌وسخت د اد (مانند کارد رصنایع فولا د ریزی ، شیمیائی ، چرم ، پوست وغیره). صنعت نساجی تقریبا د رد ست زنان است . شورای‌مرکزی سند یکاها پیشنهاد کرد ه استکه ازنقطه‌نظرسازمانی وتکنیکی راههائـــی باید پید اکرد که تند رستی ورفاه‌زنان تامین‌شود واکنون ۱ ۳ ٤موسسه‌تحقیقی د رباره بهبود وضع کـــار د ستاند رکارمیباشند وتغییرا ت‌زیاد ی د رماشینها وشکل سازمانی د اد ه شد ه است. شش هزارموسسه بازرسی ازطرف سند یکاها ایجاد گرد ید ه است .بازرسها حق‌د ارند که‌شعبه‌ای ویاحتی همه‌کارخانه‌را ازکارباز د ارند،اگرشرایط بهد اشتی وتناسب برای کاروجود ند اشته‌باشد . هیچ رئیس‌کارخانه ای‌نمی تواند کسی راازکاربیرون‌کند ، بمخصوص زنان‌آبستن وشیرد ه را .همه حقوق آنها باید پرد اخته شود و اگراتفاقا کارخانه‌ویااد ارهٔمربوطه به طورکلی تعطیل شود باید قبلا برای این زنان کارد یگری‌د رنظـــر گرفته شود .

ماد رد راین‌کشورپهناورازهمان روزهای نخست بارد اری مید اند که اوتنهاد رانتظارنوزاد نیست بلکه‌همه‌د ستگاههای‌مجهزآماد ه‌پذ یرائی‌از او هستند . د ویستوبیستوچهارهزارتخت د ربیمارستانها برای زایمان وجود د ارد ، بیستود وهزارمرکز مشاوره برای زنان‌وکود کان ، بیش از ۳۵۰۰۰۰ پزشک متخصص وقابله ، تند رستی ماد روبچه رازیرنظرد ارند ، ۷۲۰۰۰ متخصص‌بیماریهای‌کود ك مشغول کار هستند ، د ولت برای ماد ران شیرد ه مزایائی د رنظرگرفته است وماد رشد ن همتای یك خد مت بزرگ میهنی است . یکصد وهشتاد وسه هزارماد رکه د ارای‌د ه بچه بود ه‌اند لقب پرافتخار" ماد رقهرمــان " راگرفته اند وبیش از ۳۵۰۰۰۰ که هشت تانه بچه د اشته اند بد ریافت نشان " ماد رنامد ار" مفتخر شد ه اند وبیش از ۹۵۰۰۰۰ ماد رپنج بچه " مد ال ماد ری " راگرفته اند .

ماد رد رشوروی غم آموزش وپرورش بچه‌راند ارد . یازد ه‌میلیون‌کود ك به‌کود کستانها وشیرخوارگاهها سپرد ه شد ه اند و پنج میلیون د یگرد رارد وگاه هاوباغهای فصلی (برای تابستان) بسرمیبرند .

زن غم خانه‌ند ارد . هرخانواد ه ای‌کمبچه‌زیاد ترد اشته باشد زود ترخانه‌میگیرد وبه‌تناسب تعد اد افراد خانواد ه خانه بزرگترد راختیارآنها گذ اشته میشود وبهمان تناسب ازاجاره‌خانه هم کم‌میشود . کرایه‌خانه د رشوروی از٤ تا ٥ د رصد د رآمد خانواد ه است . د رسالهای اخیرهرسال بیش ازد ه‌میلیون آپارتمان بزرگ وکوچك ساخته شد ه است که‌همه مجهزبه‌حمام ،آب گرم وسرد ، گرمای‌مرکزی ، گازوبـــرق وآسانسورهستند وهیچکس د رهیچ مقامی نمیتواند خانواد ه‌ویافرد ی راازخانه‌اش بیرون بیاند ازد . ایـــن هم یکی ازآن‌کابوسهای هولناکی است که‌سوسیالیسم برای همیشه ریشه‌کن کرد ه است .

ماد رشوروی غم اینراند ارد که‌زائید ن د ختربرخود بلرزد وقد م اورانامبارك بشمرد ومجبوربشود که گاه اورا د رنتیجه فقروواماند گی د رسنین ۹ ـ ١٤ سالگی شو هر بد هد ویا به خد متکاری بفرستد .

مادر در شوروی این کابوس را دیگر یاد برده است که خود کتک بخورد، توهین بشود و همچنین دخترش و راهی هم برای ادامه زندگی نداشته باشد مگر اینکه بسوزند و بسازند.

در مدارس برروی دختر و پسر یکسان و برابر باز است و همچنین راه دانشگاهها برای هر دو هموار است و هر دختری میتواند شغل مطابق میلش را انتخاب کند، از فضانوردی تا آشپزی، از خیاطی تا پزشکی و برای بکار بستن این شغل هم برای او حتما محل کاری وجود دارد و ارزش هیچ کاری هم کم نیست.

از هر هزار زنی که امروز کار میکنند ۷۳۹ نفر دارای تحصیلات عالیه و یا متوسطه کامل و یا ناقص میباشند. در اتحاد جماهیر شوروی دختران ۴۰ درصد دانشجویان دانشکده هائی میباشند که متخصصین صنایع، ساختمان، حمل و نقل، روابط تلفنی، تلگرافی و رادیوئی وغیره تربیت مینمایند. یک سوم دانشجویان دانشکده های کشاورزی دختران هستند و ۶۱ درصد دانشجویان دانشکده های حقوق و اقتصاد را دختران تشکیل میدهند و در دانشسراها و هنرستانها سه چهارم دانشجویان دختران میباشند.

چه خوب است که وضع طبقاتی این زنان عالیقدر بررسی شود. اکثریت مطلق آنها از خانواده های دهقانی و کارگری میباشند. مثلا یگانه فضانورد زن در سراسر جهان، والنتینا ترشکوا دختر یک تراکتوریست میباشد و خود شرهمانگونه که در بالا گفته شده است در آغاز کارگر نساجی بوده و امروز این افتخار را دارد که تنها زن فضانورد باشد و همچنین عضو شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و رئیس کمیته زنان سراسر شوروی. چگونه خواننده ایرانی میتواند حتی در رویا ببیند که دختر کارگر نساجی در ایران حتی بمدیریت کارخانه برسد و یا فلان زن که در شالیزار کار میکند معاون نخست وزیر شود و یا دختر قالیباف که امروز خرید و فروش میشود بمناسبت همین هنر قالیبافی تکیه بر کرسی نمایندگی مجلس بزند. نه اینکه تصور شود که زنان ایران از زن تاجیکی، آذربایجانی و یا دیگر جمهوریهای شوروی دست کم دارند. نه چنین نیست. قوانین ظالمانه و استثمار وحشیانه نمیگذارند که زن آنگونه که باید ترقی نماید، هوش و درایت او بکار بیفتد (والبته همین بدبختی گریبانگیر مردها هم هست) و در هیچ جمهوری بورژوائی حتی دموکراتترین آنها زن نمیتواند آزاد باشد و در پیشرفت کشور خود سهیم باشد.

میان این دو نحو زندگی، زندگی زن در اتحاد جماهیر شوروی، و زندگی زن در کشور همسایه ما ایران که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند تفاوت از زمین تا آسمان است و یا بهتر است گفته شود تفاوت میان سوسیالیسم است با رژیم سرمایه داری، با سلطنت مستبده.

میان زندگی زن در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سرمایه داری که بزرگترین نمونه آنها ایالات متحده امریکاست همین تفاوت فاحش وجود دارد. بگذریم از تبلیغات پرسروصدائی که برای امریکای آزاد میشود. گزارش زیر این موضوع را روشن میسازد.

در سال ۱۹۷۶ زیر فشار افکار عمومی در امریکا و جهان دولت مرکزی ایالات متحده مجبور شد پیشنهادی را تهیه نماید که براساس آن در قانون اساسی امریکا ماده جدیدی برای تساوی حقوق زنان با مردان در برابر کار مساوی گنجانده شود. این کار نیازمند آنست که ۳۸ ایالت امریکا از ۵۱ ایالت به این قانون رای بدهند. با وجود تلاش دولت مرکزی برای حفظ آبروی دموکراسی امریکا، تاکنون این ماده فقط مورد پذیرش ۳۳ ایالت واقع شده است. در نیمه دوم ماه آوریل ۱۹۷۷ خبرگزاریها خبر دادند که سنای فلوریدا این ماده قانون را با ۲۰ رای در برابر ۱۹ رای رد کرده است. با اینکه کارتر و فورد و همسرهایشان مصرا و وطلتمسانه پذیرش این قانون را خواسته بودند، فلوریدا هشتمین ایالتی است که این ماده پیشنهادی را رد کرده است و با همه اینها گویا امریکا میخواهد خود را قهرمان دفاع حقوق بشر جلوه دهد، در حالی که در اجتماع خود ابتدائی ترین حقوق نیمی از جمعیت را پایمال میکند و رفاه و آسایش

زنان به رای یک مرد وابسته میشود .

آمار زیر بیشتر از هر چیز و هر گفتار وضع زندگی زن را در اجتماع شوروی ، پیشرفت همه جانبه و مقامش را در این کشور نشان میدهد .

شرکت زنان در رشته های گوناگون در اتحاد شوروی (درصد زنان نسبت به تمام شاغلین)

	۱۹۴۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۷۴
در مجموعه اقتصاد ملی	۳۹	۴۷	۴۷	۵۱	۵۱
در صنعت (کارکنانی که در امر تولید شرکت دارند)	۳۸	۴۶	۴۵	۴۸	۴۹
در کشاورزی	۳۰	۴۲	۴۱	۴۴	۴۴
در وسائط نقلیه	۲۱	۲۸	۲۴	۲۴	۲۴
در تلگراف ، تلفن ، رادیو وغیره	۴۸	۵۹	۶۴	۶۸	۶۸
در ساختمان	۲۴	۳۲	۳۰	۲۹	۲۹
در امور تجارت ، خواربار ، انبار کردن و پخش	۴۴	۵۷	۶۶	۷۵	۷۶
در اقتصاد کشاورزی و مسکن و خدمت اجتماعی	۴۳	۵۴	۵۳	۵۱	۵۳
در بهداشت همگانی ، ورزش و امنیت اجتماعی	۷۶	۸۴	۸۵	۸۵	۸۵
در آموزش و فرهنگ	۵۹	۶۹	۷۰	۷۲	۷۳
در علوم و قسمتهای وابسته	۴۲	۴۳	۴۲	۴۷	۴۹
در موسسات اعتبارات و بیمه های اجتماعی	۴۱	۵۸	۶۸	۷۸	۸۱
در شعب وابسته به ادارات دولتی ، اقتصاد و امور مربوط به زندگی روزمره مردم و سازمان های تعاونی و اجتماعی	۳۴	۴۳	۵۱	۶۱	۶۳

میتوان به یقین گفت که کمتر زنی است اگر به راستی به موقعیت زن در اتحاد جماهیر شوروی، شخصیت ممتازی که شد و مسئولیتهای بزرگی که میپذیرد و انجام میدهد پی ببرد ، این آرزو را نداشته باشد که همه زنان از هر اجتماعی به چنین مقام ارجمندی برسند . اگر زنان ایرانی بدانند که زن در جمهوریهای آسیائی چه پیشرفتهائی کرده است ، بدون شك از پا نخواهند نشست تا به همین مقام برسند و جای شگفتی نیست ، اگر می بینیم که با تمام نیرو در ایران کوشش میشود که مقام زن و خانواده در شوروی ندیده گرفته شود و حتی لجن مال شود . با وجود همه این تبلیغات زهرآگین عده زیادی زن در ایران با این حقیقت آشنا شده اند و میدانند که راه زندگی و راه حق چیست و نمیتوان و نباید دل خود را با چند قانون توخالی و کلماتی پرطمطراق خوش کرد .

یگانه راه برای رسیدن به زندگی واقعی و انسانی ، برای زنان مبارزه است ، مبارزه برای دگرگونی بنیادی نظام کهنه اجتماعی . این راهی است که زنان در روسیه پیش از انقلاب در پیش گرفتند ، راهی است که زنهای شوروی با همه دشواریها برای حفظ سوسیالیسم چه در دوران انقلاب و جنگهای داخلی و چه در سالهای جنگ هولناك با فاشیسم طی نموده اند .

امروز در سراسر جهان کشورهای زیادی سوسیالیسم را پذیرفته اند واکنون خانواده بزرگی بر پایه این جهان بینی در دنیا وجود دارد و زنها در این کشورها آزاد و مستقل شده اند و در ساختمان جامعه نو

فارغ از استثمار شرکت دارند ۰

لنین ما را راهنمائی میکند : "۰۰۰ در جامعه سرمایه داری زن زحمتکش دو نوع فشار و رنج میبیند یکی به عنوان زن عضو طبقه کارگر و دیگری به عنوان زن بودن ، اما زنان دیگر طبقات هم بار نبودن هر حقی را میکشند و آنها هم ذیعلاقه هستند که مبارزه برای حل موضوع زن موفق شود " ۰

چنانکه دیدیم حل نهائی و واقعی موضوع زن فقط در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است ۰ تنها جامعه سوسیالیستی ، این جامعه بدون طبقات متخاصم است که میتواند آزادی و برابری واقعی را برای زنان به ارمغان آورد ۰





زن در روسیه تزاری و در دوران پس از اکتبر کبیر

آمار و اطلاعات این مقاله از نشریات و کتب زیر است :

۱ ـ لنین ، درباره نقش زن در اجتماع (آژانس نووستی پرس ، مسکو ۱۹۷۳) ۰

۲ ـ پانزدگی پرو سعادتمند (شورای مرکزی سندیکاهای شوروی ، ۱۹۷۵ مسکو) ۰

۳ ـ موقعیت و نقش زن در اجتماع شوروی (کمیته زنان شوروی ، مسکو ۱۹۷۵) ۰

۴ ـ زنان در اتحاد جماهیر شوروی (آژانس پرس نووستی ، مسکو ۱۹۷۵) ۰

۵ ـ لنین درباره نقش زن در اجتماع و تجربه‌های اندوخته در اتحاد جماهیر شوروی برای حل موضوع زن (کمیته زنان شوروی ، ۱۹۷۵) ۰

۶ ـ انقلاب زنان در قلب آسیای میانه (نوشته سرژ زیونس ، فرانسه ، ادیسیون سوسیال در ۱۹۷۱) ۰